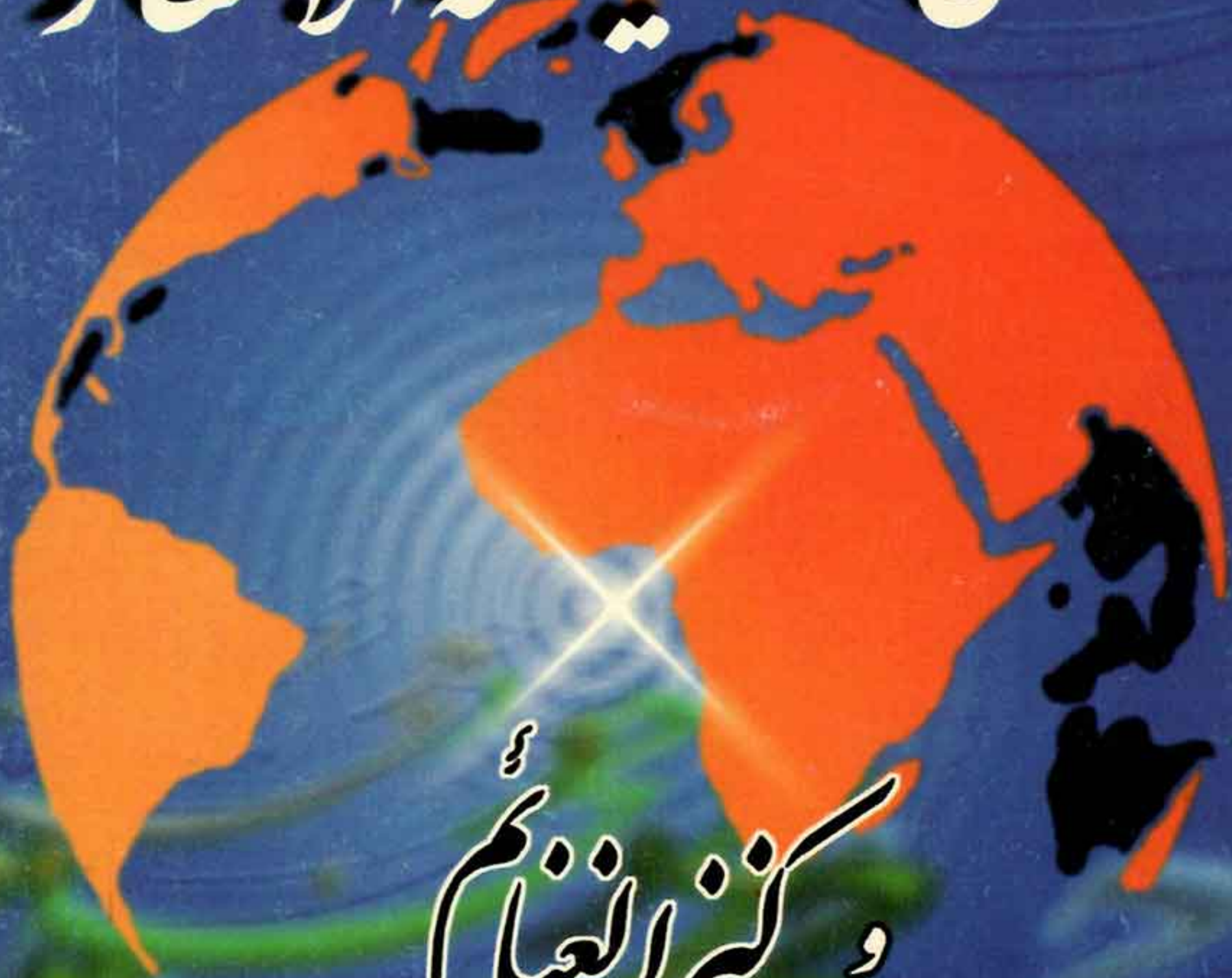


نور الابصار

في فضيلة الانتظار



وكنز العظام
في فوائد الدعاء للعالم
وسراج القبور

آية الله السيد محمد تقی موسوی اصفهانی

نور الأبصار

في فضيلة الإنتظار

كنز الغنائم

في فوائد الدّعاء للقاء ﴿عَلَيْهِ السَّلَام﴾

سراج القبور

تأليف:

آية الله، سيّد محمد تقى موسى

« فقيه أحمد آبادى »

﴿ شناسنامه کتاب ﴾

مجموعه

« نُورُ الْأَبْصَارِ » و « كَنْزُ الْغَنَائِمِ » و « سِرَاجُ الْقُبُورِ »

تألیف مرحوم آية الله، آقا سيّد محمد تقی فقيه أحمد آبادی

نوبت چاپ سوّم

تاریخ انتشار صفر الخیر ۱۴۲۲ قمری / بهار ۱۳۸۰ شمسی

لیتوگرافی بهزاد - ۲۲۰۳۹۰۵

ناشر انتشارات مشعل

چاپ نوید (اصفهان)

تیراژ ۳۰۰۰

شابک ۹۶۴-۶۶۰۲-۱۴-۲

طرح روی جلد صادقی ۲۳۶۲۰۲۵



مشائے مبارک عالم کامل، محقق مدق مرحوم

اینگلند حاج میرزا محمد موسوی صاحب کتب مبارک

«صاحب کتاب کمال الملک کلمہ»

﴿ إهداء ﴾

به پیشگاه مقدّس :

امید همهٔ انبیاء و اولیاء و صلحاء و ستمدیدگان

و وارث و منتقم خون همهٔ پیامبران و امامان

و شهیدان راه حق و فضیلت ، بالأخص

فاطمة الزهراء عليها السلام

یعنی الإمام الحجّة القائم المنتظر المهدي

بقیة الله فی الارضین

الحجّة بن الحسن العسكري

و نیز به محضر مبارک همهٔ پرچمداران مکتب انتظار ،

و دلسوختگان و دلدادگان به آستان مقدّس آن حضرت

اهداء می گردد .

اللَّهُمَّ كُنْ لِي وَلِيًّا
الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ صَاحِبِ الزَّمَانِ
عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ
فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَ حَافِظًا
وَ نَاصِرًا وَ دَلِيلًا ، وَ قَائِدًا وَ عَيْنًا
حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا
وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا

﴿ منقول از صفحه ۱۰۹ کتاب ﴾



ثواب نشر این اثر نورانی به روح پر فتوح

مداح أهل البيت ﴿ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ﴾ مرحوم حاج اصغر فلاحتیان

اهداء می گردد

﴿ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا وَحَبِيبِنَا وَطَبِيبِنَا

الَّذِي بُعِثَ رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ ، وَبَشِيرًا لِّلْمُذْنِبِينَ

مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ

وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَنْجَبِينَ ، لَا سِيَّمَا

الْإِمَامِ الْمُنْتَظَرِ ، وَالْوَلِيِّ الْمُنْتَقِمِ

الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ الْمَهْدِيِّ (عَج)

وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنَ الْآنَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ

آمين آمين آمين

پیش گفتار

از فرزند ارشد مؤلف، حضرت حجّة الإسلام و المسلمین،
حاج آقا محمد موسوی، فقیه احمد آبادی، دامت برکاته

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنده عاصی، محمد الموسوی (فقیه احمد آبادی) به عرض
برادران دینی می رساند، که : چون بر حسب دلائل عقلیه و نقلیه،
شناخت و معرفت امام عصر، حضرت حجّة بن الحسن المهدی
«أرواحنا فداء» واجب است، و بدون آن هیچ عبادتی مقبول
نیست، و هم چنین بر هر مؤمنی واجب است وظائفی را که نسبت
به ائمه هدی عليهم السلام عموماً، و حضرت بقیة الله الأعظم (عجل الله فرجه)
خصوصاً، مقرر گردیده، انجام دهد، و در اجرای آن حداکثر
کوشش را داشته باشد، و یکی از آن وظائف (۱) سعی و تلاش در

۱ - مرحوم والد، حضرت آیه الله، میر محمد تقی موسوی (فقیه احمد
آبادی) به طور تفصیل، در کتاب « مکیال المکارم » باب هشتم، شرح آن
وظائف را جمع آوری نموده، و با دلائل محکمه، از آیات و اخبار و عقل، آنها
را توضیح داده اند.

خدمت به آن بزرگواران ، و اطاعت و حمایت از امام زمان (عج) ،
 (فرجه) به هر عنوان ، و با استفاده از هر وسیله مشروع می باشد ،
 همانند ارشاد و راهنمایی جاهلان ، به وسیله گفتن و نوشتن ، و طبع
 و نشر کتابهایی که از علماء عظیم الشان گذشته به یادگار مانده ،
 و یا به قلم دانشمندان و محققین معاصر تألیف گردیده است ، و نیز
 صرف مال در راه تبلیغ و ترویج دین و مکتب مقدس
 اهل البیت (علیهم السلام) و اعانت به سادات و ذراری رسول
 خدا (صلی الله علیه و آله) ، و کمک به شیعیان و دوستان اهل البیت (علیهم السلام) ،
 عموماً ، و علاقه مندان به امام زمان (عج) (فرجه) خصوصاً ، که
 موجب قوت و شوکت دین ، و حفظ و حراست پیروان مکتب شیعه
 می باشد .

و از جمله وظائف مهمی که بر عهده هر مؤمن و شیعه
 امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) قرار داده شده ، یکی انتظار فرج موفور
 السرور منجی عالم بشریت ، حضرت بقیة الله الأعظم ، حجة بن
 الحسن العسکری (عج) (فرجه) و دیگری دعا درباره آن حضرت ،
 و سوئی توجه به خدا و مناجات با حضرت حق ، در شکل نماز
 شب ، و تهجد و زمزمه های سحری می باشد ، و خوشبختانه در هر
 سه مورد ، فقیه شهید ، و دلباخته امام زمان (عج) (فرجه) ، مرحوم
 آیه الله ، آقای حاج سید محمد تقی فقیه احمدآبادی (قدس سره) ، دست

به قلم زده، و برای استفادهٔ عموم مؤمنین، و با استناد به معتبرترین منابع و مدارک شیعه، کتابهایی بسیار سودمند و نورانی تألیف نموده‌اند، که اولی را به نام «نُورُ الْأَبْصَارِ، فِي فَضِيلَةِ الْإِنْتِظَارِ» و دومی را به نام «كَنْزُ الْغَنَائِمِ فِي فَوَائِدِ الدُّعَاءِ لِلْقَائِمِ» و سومی را به نام «سِرَاجُ الْقُبُورِ» نامیده‌اند، و جالب است بدانیم که تألیف این سه کتاب نورانی، در سنّ سی و سه سالگی آن بزرگوار بوده، و آثار علاقه و دل‌بستگی، و شوق و رغبتِ معنویِ آن مجتهد عالیقدر، از لابلای سطرهای کتاب، و سروده‌های آن بزرگوار آشکار می‌باشد.

کتابهای یاد شده، در همان زمان به چاپ رسیده، و منتشر گردیده بود، و در دوره‌های اخیر نیز مکرراً تجدید چاپ گردیده، و در دسترس علاقمندان قرار گرفته بود، ولی در اثر تقاضای فراوان، نسخه‌های آن نایاب گردیده بود.

در این موقع، یکی از دوستان، که از علاقمندان به ساحت مقدّس امام زمان (عَجَزَ اللهُ عَنْهُ) می‌باشند، در صدد برآمدند که کتابهای یاد شده را به چاپ رسانده، و در دسترس علاقمندان قرار دهند، که زاد و توشه‌ای باشد برای روز درماندگی، و هدیه‌ای باشد برای روح پرفتوح مرحوم پدرشان، و از این حقیر تقاضا نمودند که شرح حال فشرده‌ای از نویسندهٔ بزرگوار آن کتابها، فقیه

و مجتهد عالی مقام ، مرحوم آیه الله فقیه أحمد آبادی ، بنگارم که در مقدمه کتابهای یاد شده به چاپ برسانند ، تا اینکه اهل ایمان و معرفت ، با آگاهی بیشتری بتوانند از این کتابها کسب فیض نمایند ، و لذا این جانب اجابت نمودم ، واجمالی از شرح حال آن بزرگمرد را تقدیم خوانندگان گرامی می نمایم .

آیه الله ، آقا سید محمد تقی فقیه أحمد آبادی ﴿ قَدِّسَ سِرُّهُ ﴾ یگانه زمان ، و ستاره درخشان آسمان علم و فضیلت ، و از مفاخر دوران خویش بوده ، و در جمادی الاولی ۱۳۰۱ قمری ، در شهر اصفهان متولد گردیده ، و در بیت بزرگ علم و تقوا ، و فضیلت و مجد و عزت ، و در دامان پدر بزرگوار خود ، فقیه اهل البیت ﴿ عَلَيْهِ السَّلَامُ ﴾ ، آیه الله ، میر سید عبد الرزاق موسوی ، بن میر سید جواد ، بن میر سید محمد مهدی نائب الصدر ، بن میر قاضی ، بن سید محمد نائب الصدر ، بن میر محمد تقی (وزیر سلطان صفی صفوی ، و همسفر و همراه او در سفر خراسان) تربیت یافته ، و در محضر او ، و دیگر بزرگان علم و تحقیق و اجتهاد ، به مراحل بلند علمی و معنوی دست یافته است .

او ستاره ای درخشنده بود ، که با طلوع خود دلها را مجذوب خویش نمود ، ولی افسوس که زود غروب نمود ، و در سن ۴۷ سالگی در ۲۵ رمضان المبارک ۱۳۴۸ قمری ، با توطئه دشمنان

دین ، و نوشیدن زهر کینِ یکی از اعضای فرقه ضالّه ، به شهادت رسید .

آن بزرگمرد مجمع فضائل روحی و مکارم اخلاقی بود ، و ذکاوت و نیکوئی فهم ، و اندیشه والا ، و صباحت و ملاحظت منظر و زیبایی خط ، و جدیت و کوشش ، و پاکیزگی از رذائل اخلاقی ، و مؤدّب بودن به محاسن روحی ، و تعبد و التزام به واجبات و آداب و سنن اسلام ، در او جمع گردیده بود .

او سرشار از عشق و ولایت و محبت نسبت به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام بود ، و در تمسک به ذیل عنایت خاندان نبوت علیهم السلام و دوری از هوای نفس ، و پرهیز از توجه به ریاست ، و تفوق بر اقران ، چهره‌ای برجسته به شمار می آمد .

آن بزرگمرد ، مظهر عطوفت و مهر ، و دلجوئی از ضعفا و بینوایان ، و دلسوزی برای بیچارگان و درماندگان بود ، و با عمری کوتاه ، همراه با قناعت و عفت و تقوی ، و سرشار از عمل صالح ، و تعبد و خضوع در برابر حق ، و لطف و عطوفت و احسان نسبت به خلق ، آثاری بزرگ از خود به جای گذاشت ، و آن چنانکه استاد بزرگوارشان ، مرحوم آیه الله دهکردی نوشته‌اند :

او ذهنی وقاد ، و فهمی نقاد ، و قریحه‌ای نیکو ، و سلیقه‌ای مستقیم داشت ، و با رسیدن به مرتبه بلند اجتهاد ، از تبعیت و پیروی ، به عزت

استقلال در اندیشه دست یافت ، و با استنباط فروع از اصول ، در ترویج علم و دین ، به مرتبه‌ای بلند نائل گردید ، و افتخار بزرگی برای سادات و علویین و عموم شیعه امامیه به شمار آمد .

آیه الله فقیه احمدآبادی ، پس از طی عمری کوتاه و همراه با غم و اندوه فراوان ، و تحمل سختی های بی شمار ، و دشمنی های فرقه های گمراه ، و حکومت های ستمگر ، پس از تشرّف به زیارت عتبات عالیات عراق ، و بازگشت به وطن ، در ماه مهمانی پروردگار (رمضان المبارک) به ضیافت الهی نائل گشتند ، و دعوت حق را لبیک گفته ، و به جمع اولیاء الهی (عباد الله) پیوسته ، و به بهشت برین وارد گردیدند .

يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنِّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً ،

فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَأَدْخُلِي جَنَّتِي (۱) .

۱ - مرحوم آیه الله فقیه احمدآبادی ﴿ رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ ﴾ ، در جوار پدر بزرگوارشان ، در وسط تکیه سادات احمدآبادی ، که بخشی از قبرستان بزرگ و مهم و بسیار قدیمی تخت فولاد ، و سرزمین مقدّس « لسان الأرض » می باشد ، مدفون گردیدند . (جهت اطلاع بیشتر و کاملتر از زندگی ایشان ، به کتاب آرژنده « آشنائی با زندگی و شخصیت و شهادت دلباخته امام زمان (عج) ، آیه الله فقیه احمدآبادی » تألیف استاد حوزه علمیه اصفهان ، حجّة الإسلام و المسلمین ، میر سید حجّة موحد ابطحی « مراجعه شود .

کوشش و جدّیت مؤلف

از تاریخ تألیف کتابها ، و نوشتن درسها ، و استنساخ کتابهای کم یاب ، و سایر آثار علمی مرحوم آیه الله فقیه احمد آبادی (رحمته الله علیه) ، به خوبی ، جدّیت و کوشش و تلاش خستگی ناپذیر آن بزرگمرد استفاده می شود ، و به روشنی معلوم می گردد که آن بزرگوار ، از دوران نوجوانی و جوانی ، همیشه در حال جدّ و جهد علمی بوده ، و مشغول به تحقیق و تتبع ، و تألیف و تدریس بوده اند ، و با سرعت و قدرت ، درجات ترقّی علمی و معنوی را سیر نموده ، و قلّه های بلند تفکر و اندیشه ، و تحقیق و اجتهاد را فتح می نموده اند .

در خاتمه شرح کتاب « نصاب الصّبیان » نوشته اند : در روز چهارشنبه شانزدهم رجب المرجّب هزار و سیصد و ده هجری ، پایان یافت . (یعنی در سنّ ده سالگی)

و در دیباچه کتاب « ایضاح الشّبهات فی الفروق بین المشتبهات » آمده است :

تصنیف نمودم در عنفوان جوانی ، با تفرّق حواس و کمی وسیله ، وقتی که از عمرم پانزده سال گذشته بود .

و در روز پنج شنبه سوّم جمادی الاولی ۱۳۱۸ به تألیف کتاب « انیس المتفرّدین » پرداختند ، و در روز جمعه ۲۸ محرّم ۱۳۱۹

(مصادف با وفات پدر بزرگوارشان) از استنساخ کتاب «المُفَصَّل» زمخشری فارغ گردیدند.

و در سنّ ۲۵ سالگی، در روز چهارشنبه ۲۶ شعبان ۱۳۲۶ از تألیف کتاب «أبواب الجنّات فی آداب الجُمعات» فارغ شدند، و چنین مرقوم نمودند: (در حین ختم این کتاب، بیست و پنج سال و سه ماه و بیست و شش روز، از عمر این عاصی گذشته بود) و با توجّه به اینکه کتاب یاد شده، برجسته ترین کتابی است که تا کنون دربارهٔ آداب و أعمال شب و روز جمعه نوشته شده، اهمیّت این کتاب، و جدیّت و کوشش مؤلّف بزرگوار آن، آشکار می شود.

و در حدود سال ۱۳۳۰ پس از تألیف کتابهایی دربارهٔ حضرت ولیّ عصر (عجل الله فرجه) به زبان فارسی، در صدد برآمدند که کتابی به زبان عربی و مستقل، دربارهٔ فوائد دعاء برای امام زمان (عجل الله فرجه) بنویسند، و در عالم خواب مشرّف به محضر آن حضرت گردیدند، و مولی و انیس جانشان، حضرت بقیّة الله الأعظم (عجل الله فرجه) به ایشان فرمودند:

آن کتاب را بنویس، و عربی هم بنویس، و نام او را بگذار

مکیال المکارم، فی فوائد الدّعاء للقائم.

و از آن زمان، تا آخر عمر شریفشان، اشتغال به تحقیق و تألیف و تکمیل آن کتاب بی نظیر داشتند، که از نظر جامعیت و ژرف

اندیشی، و بهره‌گیری از علوم گوناگون عقلی و نقلی، و استنباطات دقیق از آیات و روایات، دارای عظمتی چشمگیر می‌باشد، و مورد توجه دانشمندان و دانش‌طلبان، در حوزه علمیّه و دانشگاه، و عموم اقشار مردم با ایمان و دلباختگان امام زمان علیه السلام قرار گرفته است، و در میان طلاب و دانشجویان و فرهنگیان، نه تنها به عنوان کتابی برای مطالعه شناخته شده، بلکه کتاب درسی دربارهٔ معارف مربوط به امامت و مهدویت دانسته شده است، و چهارمین چاپ عربی آن در دست اقدام است، و پنجمین چاپ ترجمهٔ فارسی آن اخیراً منتشر گردیده است، و چگونگی تحقیقات و اجتهادات به کار گرفته شده در این کتاب، سندی گویا برای جدیّت و پشتکار آن بزرگمرد می‌باشد.

عنایتهای مخصوص الهی نسبت به مؤلف

با ملاحظهٔ مجموع زندگی کوتاه، ولی پربرکت آیهٔ الله فقیه احمد آبادی قدس سره، به خوبی احساس می‌شود که، زندگی آن بزرگمرد مورد عنایات خاصّه و الطاف الهیّه، به نحو مستمر بوده است، و در صحنه‌های گوناگون، و به مناسبت‌های مختلف، افاضات غیبیّه و مواهب ربویّه، به روح و روان و زندگی و حیات آن بزرگوار، قوّت و قدرت بیش از پیش می‌بخشیده است.

آن بزرگمرد در جایی می‌فرمایند:

وَ كَمْ لَهُ لَدَىٰ مِنَ الْمَوَاهِبِ وَالْأَلطَافِ (۱)

یعنی : چه بسیار ، از جانب خداوند متعال ، مواهب و بخشش ها و الطافی نصیبم گردیده است .

و در جای دیگر می فرمایند :

وَ قَدْ أَفِضَ إِلَيَّ مِنَ الْبَرَكَاتِ الْبَاطِنَةِ ، وَالْعُلُومِ الْكَامِلَةِ الْكَامِنَةِ ،

وَ الْمَعَارِفِ الْإِيمَانِيَّةِ ، وَالْأَلطَافِ الرَّبَّانِيَّةِ ، بَعْدَ هَذَا الْمَنَامِ ،

مَا يَتَعَسَّرُ بَيَانُهُ بِلِسَانِ الْأَقْلَامِ (۲) .

یعنی : همانا بعد از این رؤیا (که در آن مشرف شدم به محضر حضرت بقیة الله الأعظم (عجل الله فرجه) و مورد لطف و عنایت آن حضرت قرار گرفتم) آنقدر از برکت های باطنی ، و علوم کامله ، و معارف ایمانی ، و الطاف ربّانی به من عنایت شده است که ، بیان آن با زبان قلم ، مشکل خواهد بود .

و یک سیر اجمالی در کتاب « مکیال المکارم » و مروری بر زندگی و شرح حال آن بزرگمرد ، و هم چنین قضایای شگفت انگیزی که در مورد آثار قلمی ، و مرقد مطهر ، و نام و یاد ایشان ، در دلها و نوشته ها و سروده ها رخ داده ، و نیز قضایای تشرّفات

۱ - مکیال المکارم ، جلد ۱ ، صفحه ۴

۲ - مکیال المکارم ، جلد ۱ ، صفحه ۳۷۴

ایشان به محضر مقدّس حضرت بقیّة الله الأعظم (عجل الله فرجه) (در بیداری و در عالم خواب) همه و همه، نشان دهنده همین عنایت های ویژه، و الطاف مخصوص الهی می باشد، و به خوبی نشان می دهد که، این بزرگمرد در اثر ارتباطات نورانی و برجسته، با خاندان عصمت و طهارت ﴿عَلَيْهِمُ السَّلَامُ﴾ مورد حمایت آن بزرگواران، و مشمول عنایت خاص آنها بوده اند.

مؤلف بزرگوار از دید صاحب نظران

آیة الله فقیه احمد آبادی، در کتب تراجم و اعلام، و در میان فهرست های اَسْمَاءِ مُؤَلِّفِین (از دانشمندان شیعه و سنّی) مورد توجّه قرار گرفته، و ستایشهای زیادی را به خود اختصاص داده اند، که نمونه ای از آنها را ذیلاً نقل می نمایم:

علامه بزرگوار و محقق نامدار، آیة الله، حاج آقابزرگ تهرانی، در کتاب «نقباء البشر» جلد ۱، صفحه ۲۵۸ و نیز در جاهای گوناگون کتاب «الذریعة الی تصانیف الشیعة» از این بزرگوار یاد نموده، و تجلیل کرده اند.

و نیز «زرکلی» از علماء مشهور اهل سنّت در کتاب «الأعلام» (جلد ۶، صفحه ۲۸۹) و «کحّاله» در کتاب «معجم المؤلّفین» (جلد ۹، صفحه ۱۳۱) از این بزرگمرد یاد نموده اند.

و هم چنین جابری أنصاری، در کتاب «تاریخ اصفهان» (جلد

۳، صفحه ۵۳) و معلّم حبیب آبادی در کتاب «مکارم الآثار» در بخش وقایع سال ۱۳۰۱ قمری، و کتاب «الأمالی» صفحه ۱۲۹، و «مقالات مبسوطه» و نیز، دیگر نویسندگان و محققین، و هم چنین شعراء بزرگوار خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام، در آثار ارزشمند خود، از این بزرگ فقیه و مجتهد محقق یاد نموده، و تجلیل کرده‌اند (۱).

آساتید مؤلف

آن بزرگمرد، از بسیاری از آساتید بزرگ، و دانشمندان عالی مقام، و آیات عظام حوزه علمیه اصفهان، بهره‌مند شده، و استفاده نموده‌اند که، از آن جمله‌اند:

۱ - پدر بزرگوارشان، مرحوم آیه الله، آقا سید عبدالرزاق موسوی احمد آبادی قدس سره

۲ - پسر عمه خود، علامه و دانشمند عالی مقام، آقا سید اسد الله،

طاب ثراه

۳ - علامه و محقق و ادیب نامدار، آقا سید محمود کلشادی

۱ - برای آشنائی بیشتر با نظریات صاحب نظران و مؤلفین و محققین و شعراء عالیقدر، درباره آیه الله فقیه احمد آبادی، به کتاب «زندگی و شخصیت و شهادت آیه الله فقیه احمد آبادی» مراجعه شود.

اصفهانى (ره)

۴- فقيه و حكيم نامدار ، مرحوم آخوند ملا محمد كاشانى (ره)

۵- آية الله ، آقا سيد ابوالقاسم دهكردى ، از مراجع بزرگ تقليد

۶- آية الله ، آقا شيخ عبد الكريم جزى (ره) (مجتهد و محقق

نامدار)

۷- آية الله ، حاج آقا منير الدين بروجردى اصفهانى (ره)

۸- آية الله ، حاج ميرزا بديع درب امامى (ره)

۹- آية الله ، محقق بزرگوار ، آقاى حاج مير محمد صادق خاتون

آبادى (ره) ، از مفاخر حوزه علميه اصفهان

أدب و شعر مؤلف

آية الله فقيه أحمد آبادى ، بزرگمردى بودند اديب و شاعر ،

و أشعار مليحى به زبان عربى و فارسى ، مخصوصاً در ولاء

أهل بيت عليهم السلام و بالأخص حضرت بقيّة الله الأعظم ارواحنا فداه

سروده اند ، كه نمونه اى از آنها را ذيلاً نقل مى نماييم (۱) :

۱- براى دستيابى به أشعار بيشترى از آن بزرگمرد ، به شرح حال ايشان كه به

عنوان : (آشنائى با زندگى و شخصيت و شهادت آية الله فقيه أحمد آبادى)

منتشر گرديده ، مراجعه شود .

بِنَفْسِي مَنْ مِنْ هَجْرِهِ أَنَا ضَائِلٌ
 وَ مَنْ لِلْوَاءِ الْفَتْحِ وَ النَّصْرِ حَامِلٌ
 بنفسی اماماً قائماً غاب شخصه
 و ليس له في العالمين مماثل
 بنفسی من يحيى شريعة جده
 وَ يَقْضَى بِحُكْمٍ لَمْ يَرْمَهُ الْآوَائِلُ
 وَ يَجْتَنُّ أَصْلَ الظَّالِمِينَ وَ فَرَعَهُمْ
 وَيُحْيِي بِهِ رَسْمَ الْعَلِيِّ وَ الْفَضَائِلُ
 فَيَا رَبَّ عَجَّلْ فِي ظُهُورِ إِمَامِنَا
 وَ هَذَا دَعَاءٌ لِلْبَرِيَّةِ شَامِلٌ

گر همی جوئی وصال یار را
 کن برون از قلب خود اغیار را
 چون که آن یعقوب شیخ المرسلین
 حُبَّ یوسف گشت در قلبش مکین
 چون که غیر آمد به دل ، دلدار رفت
 شد مقام ظاهر و اسرار رفت
 حق تعالی خواست بیدارش کند
 فارغ از هر چیز جز یارش کند
 مبتلایش کرد بر درد فراق
 ماه روی یوسفش شد در مُحَاق

تا آخر یک قصیده طولانی ، در مورد قصه حضرت یعقوب
 و یوسف عليهما السلام .

آثار قلمی و تألیفات

آیه الله فقیه احمد آبادی، با تألیف کتابهای علمی و تحقیقی، با استفاده از آیات قرآن و روایات خاندان نبوت و عصمت و طهارت علیهم السلام و دلائل عقلی متین و مستحکم، یاد و نام خویش را زنده و ابدی ساختند، که ذیلاً به آنها اشاره می‌نمائیم:

- ۱- تفسیر قرآن مجید (عربی)
- ۲- رساله‌ای در تعادل و تراجم در اصول فقه، که دلالت دارد بر اطلاعات و ذوق مؤلف در علم اصول.
- ۳- أبواب الجنّات فی آداب الجمعات، مفصل و بی نظیر (مطبوع).
- ۴- بساتین الجنان فی علم المعانی و البیان.
- ۵- محاسن الأدیب، کتاب ارزنده‌ای است، با تحقیقات عمیقی در علم نحو.
- ۶- توضیح الشواهد (در توضیح کتاب جامع الشواهد).
- ۷- تذکرة الطالبین، ترجمه منظوم کتاب آداب المتعلمین، تألیف خواجه نصیر الدین طوسی (ره).
- ۸- أنیس المتفرّدين و مصاحب المتجرّدين.
- ۹- تحفة المتأدّبين، کتابی است علمی و تحقیقی در نحو.
- ۱۰- ضیاء المنیر، کتابی است در علم صرف.
- ۱۱- رساله‌ای در نماز شب به زبان عربی.

- ۱۲- شرح کتاب التّصریف .
- ۱۳- ایضاح الشّبّهات فی الفروق بین المشتبهات .
- ۱۴- ترغیب الطّلاب الی علوم الإعراب ، در علم نحو .
- ۱۵- سراج القبور ، در آداب نماز شب . (از مجموعه حاضر) .
- ۱۶- کنز الغنائم فی فوائد الدّعاء للقائم . (از مجموعه حاضر) .
- ۱۷- نور الأبصار فی فضیلة الانتظار . (از مجموعه حاضر) .
- ۱۸- وظیفة الأنام فی زمن غیبة الإمام ﴿علیه السلام﴾ (مطبوع) .
- ۱۹- کتاب بی نظیر « مکیال المکارم فی فوائد الدّعاء للقائم » به زبان عربی (که مکرراً عربی و ترجمه آن به چاپ رسیده است) .
- ۲۰- المنابر



تقریظ از : مرجع عالیقدر ، مرحوم آیه الله ،
آقا سید ابوالقاسم دهکردی ﴿ قَدِّسَ سِرُّهُ ﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

این مجموعه شریفه ، که مأخوذ از اخبار معتبره مأثوره از
اهل بیت عصمت و طهارت صلوات الله علیهم أجمعین است ،
بسیار مفید و نافع ، و امید است که عامل به آن ، منظور نظر امام
عصر ارواحنا له الفداء باشد (۱) .

سید ابوالقاسم دهکردی

فی سنة ۱۳۳۳

۱ - عالم ربانی و فقیه صمدانی ، مرحوم آیه الله ، آقا سید ابوالقاسم
دهکردی ﴿ قَدِّسَ سِرُّهُ ﴾ (۱۲۷۲ - ۱۳۵۳ هـ ق) از مراجع تقلید آن وقت ، و از اساتید
مؤلف بوده اند ، و اجازه اجتهادی جالب و ممتازی برای ایشان نوشته اند .

ایلا صبح

نور محمد
کلیطار
درج
کلیطار
نور محمد
کلیطار
درج

نُورُ الْأَبْصَارِ

فِي فَضِيلَةِ الْإِنْتِظَارِ

تأليف

آية الله، آقا سيّد محمد تقى موسى

« فقيه أحمد آبادى »

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَهُوَ حَسْبِي

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمُنْعِمِ الْمَنَّانِ الَّذِي جَعَلَ إِنْتِظَارَ مَوْلَانَا
صَاحِبِ الزَّمَانِ أَفْضَلَ عِبَادَاتِ أَهْلِ الْإِيمَانِ ،
وَ الصَّلَاةُ عَلَى نَبِيِّهِ وَ صَفِيِّهِ مُحَمَّدٍ الَّذِي
نَزَّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنَ ، وَ عَلَى آلِهِ الْمَعْصُومِينَ
أَمْنَاءِ الرَّحْمَنِ وَ حُجَجِ اللَّهِ عَلَى الْإِنْسِ
وَ الْجَانِّ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ
أَهْلِ الْكُفْرِ وَ الطُّغْيَانِ

اما بعد ، بنده شرمنده جانی ، محمد تقی ابن عبد الرزاق
الموسوی الاصفهانی عفی الله تعالی عنهما ، به عرض برادران
ایمانی می رساند که : چون از افضل عبادات در این اعصار ، انتظار
فرج و ظهور خاتم ائمه اطهار ، المذخر لاخذ الثار ، و الانستقام من
الاشرار و الکفار ، اعنی الامام الغائب عن الابصار ، القائم المنتظر
المهدی ، الحجة بن الحسن العسکری علیه السلام است ، لهذا محض
خدمت به آن بزرگوار و به جهت دلالت به سوی این امر جلیل ،

جمع نمودم در این مختصر ، بعضی از آنچه وارد شده است در اخبار مرویّه از ائمه اطهار ، در فضیلت این انتظار ، امید آنکه در روز شمار ، در زمرة انصار آن امام ابرار به شمار آیم ، و نامیدم آن را به کتاب « نور الأبصار في فضيلة الانتظار » و مشتمل نمودم آنرا بر یک مقدمه و سه مقصد و یک خاتمه .



أما مقدمه :

بدان که مؤمن باید قصدش در انتظار ، فرمانبرداری خداوند عالمیان ، و محبت به رسول او و ائمه اطهار عليهم السلام باشد ، تا به ثوابهای کامله انتظار ، فائز و رستگار گردد . انشاء الله تعالى .

مقصد أول

ثواب و فضيلت انتظار

مقصد اوّل :

در بیان جمله‌ای از اخبار وارده در ثواب
و فضیلت انتظار، به نحو اختصار

در «کمال الدین» از حضرت صادق علیه السلام روایت شده، که فرمودند: هرکس از شماها بمیرد با ایمان، در حالتی که منتظر باشد، مثل کسی است که در خیمه حضرت قائم علیه السلام در خدمت آن جناب باشد.

و در حدیث دیگر، از پدران خود، از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت فرموده، که فرمودند: هرکس انتظار فرج ما را داشته باشد، مانند کسی است که، در راه خدا در خون خودش غلطیده باشد. و در حدیث دیگر فرمود (۱): خوشا به حال شیعیان قائم ما، که انتظار ظهور او را داشته باشند، در زمان غائب بودن او، و اطاعت او نمایند در زمان ظهور او، ایشانند اولیاء خدا، که ترس و حزنی نیست بر آنها در روز جزاء.

و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مرویست که: افضل عبادتها انتظار فرج داشتن است.

و در «بحار» از عبدالحمید واسطی منقول است که گفت:

۱ - یعنی حضرت صادق علیه السلام فرمود

به حضرت امام محمد باقر علیه السلام گفتم که: ما دست از بازارها و کسب‌های خود برداشته‌ایم، به جهت انتظار این امر، به نحوی که بعضی از ما نزدیک است سائل به کفّ شود. فرمود: ای عبدالحمید، آیا گمان می‌کنی کسی که در راه خدا چنین کند، خداوند فرج و گشایش به او ندهد، بلی و الله گشایش به او می‌دهد. خدا رحمت کند بنده‌ای را که خودش را برای یاری ما نگاه می‌دارد، خدا رحمت کند بنده‌ای را که امر ما را احیاء می‌کند. گفتم: اگر به حال انتظار بمیرم، پیش از ظهور قائم شما چه ثواب دارم؟ فرمود: هرکس از شماها که در حال انتظار حضرت قائم از دنیا برود، و عزم یاری کردن او را داشته باشد، در زمان ظهورش، مثل کسی است که در رکاب او جهاد کرده باشد و شهید شده باشد. و از حضرت امام زین العابدین علیه السلام منقول است که فرمودند: انتظار فرج داشتن از افضل اعمال است.

و در «احتجاج» از آن حضرت روایت است که، به ابی خالد کابلی فرمودند که: طولانی می‌شود زمان غائب بودن ولی خدا، که دوازدهمی از اوصیاء حضرت رسول صلی الله علیه و آله و ائمه بعد از آن جناب است، ای اباخالد! به درستی که آن مؤمنانی که در زمان غائب بودن او می‌باشند، و اعتقاد و یقین به امامت او دارند، و انتظار زمان ظهور او را می‌کشند، بهترند از اهل هر زمانی، زیرا

که خداوند تبارک و تعالی چنان عقل و هوشی به آنها عطا فرموده، که غائب بودن امامشان با حضور او نزد آنان یکسان است، و قرار داده آنان را در آن زمان، به منزله کسانی که جهاد نمودند در خدمت حضرت رسول ﷺ با کفار، به شمشیر، ایشانند مؤمنین خالص و شیعیان ما به حقیقت و راستی، و دعوت کنندگان به سوی دین خدای عزوجل، به آشکار و نهانی.

و در خبر دیگر است که فرمود: هر مؤمنی که ثابت بماند بر ولایت ما، در زمان غائب بودن قائم ما، عطا می فرماید حق تعالی به او، ثواب هزار شهید را که مثل شهدای بدر و اُحد باشند.

مؤلف گوید: که چون باقی بودن بر حال انتظار، لازمه ثبوت ولایت، و علامت آن است، می توان این ثواب را برای آن اثبات نمود.

و در «کمال الدین» از «صقر بن ابی دلف» روایت است که، گفت: شنیدم از حضرت امام محمد تقی ﷺ که فرمود:

امام بعد از من، پسر من علی است، امر او امر من است، و گفتار او گفتار من است، و اطاعت او اطاعت من، و امام بعد از او پسر او حسن است، امر او امر پدرش علی است، و قول او قول پدر اوست، و طاعت او طاعت پدر او. آنگاه ساکت شدند. گفتم: یا بن رسول الله پس کیست امام بعد از امام حسن عسکری، حضرت

گریه شدیدی نمودند ، آنگاه فرمودند :

به درستی که امام بعد از امام حسن عسکری ، پسر اوست ، که قائم به حقّ ، و منتظر است . گفتم : یا بن رسول الله ﷺ چرا او را قائم می نامند ؟ فرمودند : برای آنکه قیام می فرماید ، بعد از اینکه نام او از میان رفته باشد ، و بیشتر قائلین به امامت او از دین برگردند ، یعنی به جهت طول غیبت او . گفتم چرا او را منتظر نامند ، فرمود : به جهت آنکه از برای او غائب شدنی اتفاق می افتد که ، بسیار می شود روزگار آن ، و طول می کشد زمان آن ، پس مؤمنین خالص به انتظار او باقی می مانند ، و شک کنندگان او را انکار می کنند ، و انکار کنندگان به ذکر او استهزاء می نمایند ، و کسانی که وقت برای ظهورش معین می کنند ، دروغگو می باشند ، و کسانی که عجله می کنند ، هلاک می شوند ، یعنی از دین برمی گردند ، و کسانی که فرمانبردار ائمه خود هستند ، یعنی چون و چرا نمی کنند ، و به دستور العمل امامان دین رفتار می کنند ، نجات می یابند .

مؤلف گوید : که مراد از عجله ای را که باعث هلاکت می شود در مقدمه کتاب « کنز الغنائم » بیان نموده ام .

و از حضرت امیر علیه السلام مروی است که فرمودند : منتظر فرج باشید ، و از رحمت خداوند ناامید نباشید ، به درستی که

پسندیده‌ترین اعمال به سوی حق تعالی انتظار فرج است .

و از حضرت صادق علیه السلام مروی است که فرمود: هر کس از شماها بمیرد، در حالتی که انتظار ظهور امام زمان را داشته باشد، مانند کسی است که با حضرت قائم در خیمه آن حضرت باشد، آنگاه اندکی ساکت شد، بعد فرمود: بلکه مانند کسی است که، در رکاب او جهاد کند. بعد فرمود: نه و الله، بلکه مانند کسی است که در رکاب حضرت رسول صلی الله علیه و آله شهید شده باشد .

حقیر گوید: در این حدیث، سه درجه از ثواب را تدریجاً ذکر فرموده‌اند، که از برای منتظرین ظهور حضرت قائم هست .

و در «بحار» از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام حدیثی روایت شده، که خلاصه‌اش این است که: حق تعالی به کسانی که در زمان غائب بودن امام، انتظار ظهور او را دارند، و دین خود را محکم نگاه می‌دارند، عطاء می‌فرماید آن ثوابهای واقعی کامل را، که به ازای عمل نمودن بر طبق احکام واقعیّه، و عبادات صحیحه قرار داده، اگر چه آنها به سبب غائب بودن آن حضرت، دسترسی به فهمیدن حکمهای واقعی، و عبادات حقیقی نداشته باشند، یعنی به ازای اعمال و عبادات ظاهریّه، که مطابق تکلیف فعلی خود بجا می‌آورند، اجر و ثواب اعمال و عبادات کامله حقیقیّه را مرحمت می‌فرماید، به واسطه فضیلت انتظار داشتن از برای ظهور

امام علیه السلام ، و أخذ واقعیات احکام .

و در « نجم الثاقب » ، از « غیبت شیخ طوسی » (ره) از مفضل روایت است که گفت : ذکر نمودیم قائم علیه السلام را ، و کسی که مُرد از اصحاب ما ، که انتظار او را می کشید ، پس حضرت صادق علیه السلام فرمود به ما که : چون حضرت قائم علیه السلام خروج کند ، کسی بر سر قبر مؤمن می آید ، پس به او می گوید که ای فلان ! به درستی که ظاهر شد صاحب تو ، پس اگر خواهی که ملحق شوی به او ، پس ملحق شو ، و اگر می خواهی که اقامت کنی در نعمت پروردگار خود ، پس اقامت داشته باش .

مؤلف گوید : از این حدیث ظاهر می شود که این مطلب ، که زنده شدن در زمان ظهور آن بزرگوار باشد ، یکی از جمله فوائد انتظار است ، چنانچه این فائده در دعای برای آن حضرت نیز وارد شده . و از ابی حمزه روایت است که گفت : به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم : فدایت شوم ، پیر و بی قوه شده ام ، و اجلم نزدیک شده است ، و می ترسم پیش از وقوع امر فرج شما بمیرم ، فرمودند : ای اباحمزه ! هرکسی که ایمان بیاورد به ما ، و تصدیق کند حدیث ما را ، و منتظر زمان فرج باشد ، مثل کسی می ماند که ، در زیر علم حضرت قائم علیه السلام شهید شده باشد ، بلکه ثواب کسی را دارد که در رکاب حضرت رسول صلی الله علیه و آله شهید شده باشد .

و در حدیث دیگر از آن حضرت مروی است که فرمود: هر کس از شماها بمیرد در حالتی که انتظار فرج را داشته باشد، افضل است نزد حق تعالی از بسیاری از شهیدان بدر و اُحُد.

و در «برهان» از مسعدة روایت شده که گفت: در محضر مبارک حضرت صادق علیه السلام بودم، که پیرمرد منحنی وارد شد، در حالتی که به عصای خود تکیه نموده بود، پس سلام کرد و حضرت جواب سلامش را دادند، آنگاه عرض کرد: یا بن رسول الله صلی الله علیه و آله دست خود را بدهید من ببوسم، حضرت دست خود را دادند، او بوسید، آنگاه شروع کرد به گریه کردن، حضرت فرمودند: ای شیخ چرا گریه می کنی؟ عرض کرد: فدایت شوم، به قدر صد سال است که عمرم در انتظار قائم شما گذشته، هر ماهی نو می شود می گویم در این ماه ظاهر می شود، هر سالی تازه می شود، می گویم در این سال واقع می شود، اکنون پیر و ناتوان شده ام، و اَجَلَمُ فرارسیده، و هنوز به مراد دل خود نرسیده ام، و ظهور فرج شما را ندیده ام.

﴿ لَمَوْأَلَفَه ﴾

گذشت عمر من اندر فراق یار، دریغ

ز هجر، غرقه خون شد دل فکار، دریغ

شد از فراقش روزم سیاه چون شب تار

گذشت عمر و، بمردم در انتظار، دریغ

پس چرا گریه نکنم ، و حال آنکه بعض شما را پراکنده در
 اطراف زمین ، و بعضی را کشته به ظلم اعدای دین می بینم ، پس
 حضرت صادق علیه السلام گریان شدند و فرمودند که : ای شیخ ! اگر
 زنده ماندی تا ببینی قائم ما را ، می باشی در مقام رفیع بسیار عالی ،
 و اگر پیش از ظهور حضرت او در انتظارش مُردی ، پس در روز
 قیامت ، در زمره آل محمد ، صلوات الله علیهم ، محشور خواهی
 شد ، و آنها مائیم که امر به تمسک به ما نموده ، در آنجا که فرمود :
إِنِّي مُخَلَّفٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ ، فَتَمَسَّكُوا بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا
كِتَابَ اللَّهِ وَ عِثْرَتِي ، أَهْلَ بَيْتِي .

یعنی : به درستی که من دو چیز بزرگ عالی مقام در میان شما
 می گذارم ، پس متوسل به آنها بشوید ، تا هیچ وقت گمراه نگردید ،
 یکی « کتاب خدا قرآن » و دیگری « عترت من » که اهل بیت منند ،
 آن پیر مرد چون این بشارت عظمی را شنید ، جزع و گریه اش
 ساکن گردید ، و گفت : مرا با وجود این بشارت ، باکی از مرگ
 نیست . آنگاه حضرت صادق علیه السلام فرمودند : ای شیخ ! بدانکه
 قائم ما بیرون می آید از صلب حضرت امام حسن عسکری ، و امام
 حسن عسکری بیرون می آید از صلب امام علی النقی ، و علی
 بیرون می آید از صلب امام محمد تقی ، و محمد بیرون می آید از
 صلب حضرت علی بن موسی ، و علی بیرون می آید از صلب

حضرت موسی، که پسر من است، و او از صلب من خارج گردیده، ماها دوازده نفریم، که تمام ما معصوم و پاکیزه از هر گناه و کثافتی می‌باشیم.

تنبیه:

اختلافی که در ثواب انتظار، در بعض اخبار مشاهده می‌شود، به اعتبار اختلاف منتظرین است، در درجات معرفت و تقوی و انتظار، البته هرکس اکمل است، ثوابش هم اکمل است.



مقصد دوّم

واجب بودن انتظار

مقصد دوّم :

در بیان واجب بودن انتظار ظهور حضرت قائم

عجل الله تعالى فرجه و شرط بودن او

در قبول اعمال

در « اصول کافی » از اسماعیل جعفری روایت است که ، گفت : شخصی وارد شد بر حضرت امام محمد باقر علیه السلام و با او صحیفه‌ای بود ، حضرت به او فرمودند : این صحیفه مخاصم است ، که سؤال نمود از آن دینی که به واسطه آن ، اعمال انسان به درجه قبول می رسد ، عرض کرد بلی خدا شما را رحمت کند ، مراد من همین است ، حضرت فرمود : آن دینی که به سبب آن اعمال قبول می شود این است : شهادت به یگانگی خدا ، و اینکه شریک ندارد ، و شهادت به رسالت خاتم انبیاء محمد صلی الله علیه و آله ، و اقرار به حقیقت تمام آنچه خبر داده از جانب حضرت حق تعالی ، و دوستی با ما اهل بیت ، و بیزاری از دشمنان ما ، و فرمانبردار بودن از برای امر ما ، و پرهیزکاری از گناهان ، و تواضع ، و انتظار داشتن از برای ظهور قائم ما ، به درستی که از برای ما دولتی است که هر وقت خدا بخواهد آن را ظاهر می گرداند .

و در « غیبت شیخ نعمانی » از ابی بصیر روایت است که ، روزی

حضرت صادق علیه السلام فرمودند : می خواهید شماها را خبر بدهم

به آن چیزی که حق تعالی با نبودن آن هیچ عملی را از بندگان قبول نمی‌فرماید، گفتم: بلی، فرمود: آن شهادت به یگانگی خدا است، و آنکه حضرت محمد ﷺ بنده او، و پیغمبر اوست، و اقرار به آنچه خدا امر فرموده به آن، و دوستی از برای ما، و بیزاری از دشمنان ما، یعنی دشمنان ائمه، و فرمانبردار بودن از برای ائمه اطهار ﷺ، و پرهیزکاری از گناهان، و کوشش نمودن در اطاعت خدا، یعنی در ادای واجبات شرعیّه، و یقین داشتن، یعنی در امر اصول دین و حقیقت امر ائمه طاهرین، و انتظار داشتن از برای ظهور حضرت قائم ﷺ، آنگاه فرمودند که: از برای ما دولتی هست که ظاهر می‌گرداند آن را حق تعالی هر وقت که بخواهد.

و در «کمال الدین» از حضرت عبدالعظیم روایت است که فرمود: وارد شدم به محضر سیّد خود، حضرت امام محمد تقی ﷺ و قصد داشتم که سؤال نمایم از آن جناب از قائم، که همان است مهدی، یا غیر اوست، پس حضرت پیش از سؤال کردن من، به اعجاز فرمودند: ای ابا القاسم! به درستی که قائم از ما، همان مهدی است، که واجب است انتظار او را داشتن، در زمان غائب بودن او، و واجب است اطاعت و پیروی او در زمان ظهور او، و او سوّمی از اولاد من است.

و به سند صحیح، از حضرت صادق علیه السلام روایت فرموده (۱)، که فرمود: نزدیکترین حالات بندگان خدا به خدا، که در آن حال از آنها خوشنودتر از هر زمانی است، آن وقتی است که امام آنها غائب، و از نظر آنها پنهان می‌باشد، و مکان او را نمی‌دانند، و با وجود این، یقین دارند که حجّت الهیّه موجود است، پس در آن زمان باید هر صبح و شام منتظر فرج باشند.

مؤلف گوید: هر صبح و شام، کنایه است از استمرار و دوام، یعنی در هیچ حالی، و در هیچ وقتی، و در هیچ ماه و سالی، نباید مایوس از ظهور امام علیه السلام باشند، بلکه هر چه غیبت آن حضرت طولانی‌تر می‌شود، باید امیدشان به نزدیکی زمان ظهور او بیشتر گردد، و یقین ایشان به وجود مبارک او محکمتر و ثابت‌تر بشود، زیرا که خود این طول غیبت، از امور غیبیه ایست که **أُمَّةٌ مَا عَلَيْهِمُ السَّلَامُ** پیش از وقوع آن خبر داده‌اند.

﴿ لِمَوْلَاهُ ﴾

هر دم در انتظار تو عمرم گذر کند
آن دگر امید مرا بیشتر کند
نوعی اثر نموده به قلبم جدائیت
کاندر رگی ضعیف، اثر نیشتر کند

۱ - یعنی شیخ صدوق در کمال الدین

قال النبي ﷺ لو لم ينزل من السماء الا يوم واحد طول الله

ذالك اليوم حتى يبعث في رجلا من ولد موسى اسم

ببرصه ١٢٩٧

انسى يسلا باعدلا وقنطا كما نلت ظلمنا وخورا
(١٥ شبان ١٢)

نقد مراد شاميه

مقصد سوّم

معنى و درجات انتظار

مقصد سوّم :

در بیان معنی انتظار و مقدار واجب از آن

به نحو اختصار

بدانکه اصل انتظار امری است قلبی ، که ظاهر و مُنبَعِث می شود از آن ، امور بدئیّه بسیار ، که متفاوت است به حسب تفاوت درجات انتظار ، اما قدر واجب از انتظار قلبی ، از برای ظهور آن بزرگوار ، بر حَسَب آنچه ظاهر می شود از اخبار ، این است که مؤمن باید یقین داشته باشد به اینکه حضرت قائم علیه السلام که امام دوازدهم است ، و فرزند صلبی بلاواسطه حضرت امام حسن عسکری است ، از روزی که متولّد شده تا کنون ، زنده است ، و به همین بدن عنصری باقی است ، و در همین عالم است ، و نمرده است و نخواهد مُرد ، تا اینکه ظاهر شود به همین بدن ، و در همین عالم سلطنت کند ، و عالم را پر از عدل نماید ، و دین اسلام را در تمام عالم رواج دهد ، و ظهور او وقت معینی ندارد که خلائق بدانند ، بلکه احتمال دارد در همین سال واقع شود ، و احتمال دارد سالهای بسیار دیگر تأخیر بیفتد ، و باید مؤمن در هیچ حالی از حالها ، و هیچ سالی از سالها ، نا امید نباشد از وقوع ظهور آن جناب ، بلکه باید همیشه اوقات ، و تمامی سنّوات ، امیدوار به ظهور موفور السّرور آن بزرگوار باشد ، پس اینکه بعضی از

نادان‌ها به حسب خیالات و حدسیات، می‌گویند حالاها امام علیه السلام ظاهر نمی‌شود، یا، تا صد سال دیگر هم مثلاً ظاهر نمی‌شود، خطاء و اشتباه است، و خلاف دستور العمل منقول از ائمه اطهار است، بلکه در اخبار متعدده، تصریح فرموده‌اند که، ظهور آن حضرت بغتةً واقع می‌شود، و علامات حتمیة ظهور، مثل خروج سفیانی، و صیحة آسمانی، و قتل نفس زکیه، همه در یک سال نزدیک به هم واقع می‌شود، چنانچه مشروحاً در «مکیال المکارم» ذکر نموده‌ام، با شواهد دیگر، پس ممکن است که در همین سال ظهور واقع شود، و ممکن است که سالهای بسیار دیگر هم تأخیر بیفتد، و مؤمن نباید هیچ وقت ناامید باشد، و همچنین جزم و حکم به این که تا فلان وقت، یا فلان سال، ظهور واقع می‌شود، آن هم خطاء و اشتباه است، بلکه در روایات متعدده معتبره، امر فرموده‌اند که، هر کس تعیین وقت نماید از برای ظهور حضرت قائم علیه السلام او را تکذیب نمائید، زیرا که علم به آن، مخصوص به خداوند عالمیان جلّ شأنه است.

و اما قدر واجب از انتظار بدنی، که منبث از آن انتظار قلبی می‌شود، این است که مؤمن از معاصی و گناهان اجتناب نماید، و صفات بد را از خود دور نماید، و خود را به صفات خوب متّصف کند، تا اینکه اگر درک نمود زمان ظهور آن حضرت را، مورد مرحمت و احسان آن جناب باشد، و آن حضرت از او خشنود

باشند، نه دل آزرده، چنانچه در روایت اُبی بصیر است که حضرت صادق علیه السلام فرمودند: هر کس دوست می‌دارد که از اصحاب حضرت قائم علیه السلام باشد، باید انتظار ظهور آن حضرت را داشته باشد، و عمل او بر طبق ورع و پرهیزکاری باشد، و خود را به صفات خوب و اخلاق حمیده متّصف نماید، در حالتی که منتظر ظهور آن حضرت است، پس چنین کسی، اگر از دنیا برود و ظهور حضرت قائم علیه السلام بعد از او واقع شود، ثواب کسی را دارد که درک فیض حضور آن جناب را نموده باشد، و از یاران و اصحاب او باشد، پس سعی کنید در پرهیزکاری و طاعت، و منتظر ظهور امام قائم علیه السلام باشید.

و در توقیع مروی از آن جناب در «بحار» و «احتجاج» می‌فرماید: که باید هر یک از شماها کاری بکند و نوعی رفتار نماید که به محبّت ما نزدیک شود، و احتراز کند و پرهیز نماید، از عملی که او را به غضب ما نزدیک می‌کند الخ.

و اما انتظار قلبی کامل، پس به این حاصل می‌شود که، شخص مؤمن در هیچ حالی از حالات، و هیچ وقتی از اوقات، و هیچ مکانی از مکانها، از یاد امامش، و انتظار قدوم مبارکش خالی و فارغ نباشد، بلکه اگر در مجالس و محافل مردم هم حاضر می‌شود، و با اهل عالم گفتگو می‌کند، قلبش پیش امام علیه السلام باشد، و به انتظار او، و خیال او، و شوق وصال او باشد، مثل

شخصی که اولادش منحصر باشد به یک نفر، و آن یک نفر هم به جمیع کمالات آراسته باشد، و وجودش انواع و اقسام فوائد و منافع از برای این شخص داشته باشد، و به سفری رفته باشد، و این پدر از جا و منزل او خبر نداشته باشد، تصوّر کن آیا یک ساعت از خیال او بیرون می‌رود، یا اینکه از جستجوی او تغافل می‌کند، حاشا و کلاً، بلکه شب و روز، بلکه در تمام ساعات و حالات و حرکات و سکّات، محبوب او پیش نظر او مُمَثَّل است، چنانچه شاعر گفته:

ای غایب از دو دیده، چنان در دل منی

کز لب گشودنت، به من آواز می‌رسد
و چون مؤمن محبتش به امام زمان، به این درجه رسید، ایمانش کامل می‌شود، چنانچه در حدیث نبوی، در «دار السّلام» و غیره مروی است که فرمودند: مؤمن ایمانش کامل نمی‌شود، مگر وقتی که من در نزد او، از خودش عزیزتر باشم، و اولاد من در نزد او از اولاد خودش عزیزتر باشند، و اهل من نزد او عزیزتر از اهل خودش باشند، و امور متعلّقه به من، نزد او اهمّ از امور متعلّقه به خود او باشد، و همین که انتظار قلبی به این درجه از کمال رسید، آثار ظاهریّه او هم به درجه کمال می‌رسد.

خاتمه

در بیان علامات و آثار درجهٔ کاملهٔ انتظار به نحو اختصار

و آن دوازده چیز است :

أول : آنکه شخص منتظر ، دائماً محزون و غمگین است ، در زمان فراغ محبوب خود ، چنانچه از حضرت رضا علیه السلام در وصف حال مؤمنین ، در زمان غائب بودن امام زمان روایت شده ، و علاوه بر این ، جهات دیگر هم از برای مغموم بودن مؤمن در زمان غیبت موجود است ، مثل ضعف اهل اسلام ، و غلبهٔ معاندین ، و مخفی بودن احکام واقعیّه ، و خارج بودن سلطنت ظاهریّه از دست امام زمان ، و غیر اینها ، که تمامش انشاء الله رفع می شود به ظهور آن حضرت ، **عجل الله فرجه .**

دوّم : گریان بودن در انتظار آن حضرت ، چنانچه از حضرت صادق علیه السلام روایت شده .

سوّم : همیشه به یاد آن حضرت بودن ، و آنی خود را از ذکر و فکر او فارغ نگذاشتن .

چهارم : از اهل دنیا کناره کردن ، و ترک معاشرت ، مگر به قدر

حاجت و ضرورت .

پنجم : در غالب اوقات و مظانّ اجابت ، به آن جناب دعا کردن ، و طلب فرج و ظهورش را از حق تعالی نمودن .

ششم : مؤمنین را ترغیب و تحریص نمودن به این دعا ، و التماسِ آن را از ایشان نمودن ، بلکه شخص منتظر حقیقی ، به هر وسیله‌ای که احتمال بدهد نزدیک شدن وصال محبوب خود را ، البته در تحصیل آن سعی و اقدام می نماید .

هفتم : آنکه هر چه غایب بودن او طولانی تر می شود ، شوق شخص منتظر شدیدتر ، و زیادتر می شود .

هشتم : آنکه در انتظار محبوب خود ، صبر بر شدّت‌ها و سختی‌ها نماید ، و آنها را در جنب این امر بزرگ سهل و سبک شمارد .

در « خرائج » از حضرت رسول ﷺ روایت است که ، به اصحاب خود فرمود : می آیند گروهی بعد از شما ، که هر یک نفر از آنها ثوابش معادل ثواب پنجاه نفر از شما است ، گفتند یا رسول الله ﷺ ما با شما بودیم ، در جنگ بدر و احد ، و قرآن در تعریف ما نازل شد ، فرمودند که : شما به مشقّت‌هایی که آنها مبتلا می شوند ، مبتلا نشدید ، و به اندازه‌ای که آنها صبر می کنند ، صبر نمودید .

مؤلف گوید که: از برای مؤمن، هیچ ابتلاء و شدتی، عظیم‌تر از مفارقت و غایب بودن امام او نیست، و از همین جهت است، افضلیت مؤمنین این زمان، از مؤمنین زمانهای قبل.

نهم: آنکه، همین که شخص منتظر به حدِّ کمال رسید، شدائد و سختی‌هایی که در انتظار، بر او وارد می‌شود، از آنها لذت می‌برد و به سبب آن شوقی که به لقای محبوب دارد، احساس به آن آلم‌ها نمی‌کند.

لذت دیوانگی در سنگ طفلان خوردن است

حیف از آن اوقات مجنون را که در هامون گذشت

دهم: چون انتظار و مقام محبت شدید شد، خواب و خوراک شخص کم می‌شود، بلکه کار به جائی می‌رسد که التفات به هیچ چیز از امور راجعهٔ به خود نمی‌کند، و از خود بی‌خود می‌شود، چنانچه این حال از برای ائمهٔ ما علیهم‌السلام در حال نماز اتفاق می‌افتاد.

یازدهم: آنکه چون انتظار کامل شد، شخص از هیچ چیز دنیا لذت نمی‌برد، بلکه لذت او منحصر است فقط در ذکر محبوب و معشوقی که دارد.

﴿ شیخ سعدی ﴾

گر مرا هیچ نباشد نه به دنیا نه به عقبی

چون تو دارم همه دارم دگرم هیچ نباید

و بسط کلام در هر یک از این مقامات ، منافی با اختصار است .
دوازدهم : از علامات انتظار ، مهیا بودن از برای ورود
 محبوب است . و مهیا بودن از برای ظهور حضرت صاحب
 الأمر علیه السلام به چند چیز حاصل می شود :

أول : عزم حقیقی بر یاری و متابعت آن جناب

دوم : اینکه شخص ، خود را به صفات نیکو متّصف نماید ،
 و صفات ذمیمه ، که مبعوض اوست ، از خود دور نماید . « بیت » :
 آئینه شو جمال پری طلعتان طلب

جاروب کن تو خانه و پس میهمان طلب

سوم : مواظبت در طاعات و عبادات واجبه و مستحبّه ، و ترک
 محرّمات و مکروهات شرعیّه .

چهارم : مهیا نمودن أسلحه .

پنجم : مرابطه ، به نحوی که در کتاب « وظیفه الأنام » ذکر
 نموده ام .

ششم : مواظبت در خواندن دعای عهدنامه کوچک و بزرگ ،
 که در « وظیفه الأنام » نقل نموده ام ، و در کتاب « زاد المعاد » هم
 مذکور است .

« تمام شد کتاب نور الأبصار في فضيلة الانتظار »

هذا كتاب

كنز الغنائم

في فوائد الدعاء للقائم ﴿عليه السلام﴾

تأليف

آية الله ، آقا سيّد محمد تقىّ موسى

« فقيه أحمد آبادى »

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَهُوَ حَسْبِي

الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ سَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ أَصْطَفَىٰ ، مُحَمَّدٍ
وَ آلِهِ ، سَادَاتِ الْوَرَىٰ ، وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَىٰ
أَعْدَائِهِمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْجَزَاءِ .

أما بعد ، بنده شرمنده جانی ، محمد تقی ابن عبد الرزاق
الموسوی الاصفهانی ، عفی الله تعالی عنهما ، به عرض برادران
ایمانی می‌رساند که ، چون از جمله مهمات ، خاصه در این اوقات ،
اهتمام نمودن در دعا گوئی به وجود مبارک اعلی حضرت اشرف
ارفع اُمجد اقدس ، خاتم الوصیین ، و مجمع کمالات الأئمة
الراشدين ، مولانا حجة بن الحسن بن علی بن محمد بن علی
بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن
أبیطالب ، علیهم الصلوة و السلام ، و مسئلت نمودن تعجیل در
فرج و ظهور آن جناب است ، از حضرت واجب الوجود جل شأنه
و این مطلبی است که ائمة اطهار علیهم السلام اهتمام تمام در آن

داشته‌اند، و بسیاری از دعا‌های آنها، مشتمل است بر دعای به وجود مبارک آن حضرت، و طلب فرج آن جناب را از حق تعالی نمودن، و بسیاری از ادعیه آنها، مخصوصاً برای آن بزرگوار بوده و علمای امامیه (ره) در کتب قدیمه و حدیثه خود روایت فرموده‌اند، و حقیر بعض آنها را در «أبواب الجنّات» و «مکیال المکارم» روایت کرده‌ام، و از برای این امر، فوائد و خواصّ کثیره دنیویّه و اخرویّه، از آیات و روایات مستفاد می‌شود، و آنچه این اقلّ عباد جمع نموده‌ام، زیاده بر صد فائده است، که کتاب «مکیال المکارم» را به جهت آن وضع و تألیف نموده‌ام، و چون آن کتاب عربی است و عوام را از آن بهره نیست، لهذا عازم شدم بر آنکه مختصراً اکثر آن فوائد را به لغت فارسی جمع نمایم، محض خدمتگذاری به آن بزرگوار، و به برادران ایمانی، که از این فوائد محروم نمانند، و نامیدم این مختصر را به کتاب «کنز الغنائم فی فوائد الدّعاء للقائم» ﴿عَلَيْهِ السَّلَامُ﴾ و مشتمل است بر یک مقدمه و هشت مطلب و یک خاتمه.

أما مقدمه در بیان امری چند که لازم است تنبیه بر آن

(خلاصه‌ای از مطالب کتاب)

مطلب اوّل: اینکه افضل اعمال، ادای حقّ مؤمن است، و اشاره به آنکه حقوق آن جناب، زیادتر و عظیم‌تر است از حقّ

هر مؤمنی بر ما .

مطلب دوّم : در اینکه یکی از اقسام ادای حقّ آن حضرت ، دعا کردن به آن جناب ، و مسئلت نمودن تعجیل در فرج و ظهور آن حضرت است از حق تعالی ، و دعای به آن جناب منافاتی ندارد با رفعت شأن آن جناب ، و احتیاج ما در اصلاح امور خود ، به آن بزرگوار .

مطلب سوّم : در بیان اهتمام ائمه اطهار علیهم السلام در دعای در حقّ آن جناب ، و طلب کردن فرج و ظهور او را از حضرت ربّ الأرباب .

مطلب چهارم : در بیان سرّ زیادتی اهتمام ایشان به این مطلب ، و آنکه هر قدر محبّت شخص به آن جناب بیشتر است ، اهتمامش در دعای به آن حضرت بیشتر است .

مطلب پنجم : در بیان جمله‌ای از فوائد و منافع دنیویّه ، که حاصل می‌شود برای مؤمن ، به برکت دعای به آن جناب ، و طلب فرج و ظهور آن حضرت را از حق تعالی نمودن .

مطلب ششم : در بیان جمله‌ای از فوائد و منافع اخرویّه این عمل شریف .

مطلب هفتم : در بیان اوقاتی که اهتمام به این امر بیش از وقت‌های دیگر است .

مطلب هشتم : در نقل بعضی از دعاهاى مرویّه از ائمه معصومین عليهم السلام از برای حضرت صاحب الزّمان ، روحی و ارواح العالمین فداه .

مقدمه :

(مفهوم تعجیل در فرج حضرت مهدی عليه السلام)

بدانکه در جمله‌ای از اخبار مرویّه از ائمه اطهار عليهم السلام نهی شده است از تعجیل نمودن در امر ظهور حضرت صاحب الامر عليه السلام و فرموده‌اند که ، عجله کردن در این مطلب ، سبب هلاک شخص می‌شود ^(۱) و این روایات منافاتی ندارد با اخبار متعدّده ، که امر فرموده‌اند به طلب تعجیل در فرج و ظهور ایشان از خداوند عالمیان جلّ شأنه ، و بیان مختصر نزدیک به فهم عوام در تحقیق این مقام این است که ، عجله‌ای که مذمت آن در اخبار وارد شده ، و موجب هلاک انسان و ضرر و خسران او می‌شود ، در امر ظهور آن حضرت بر سه قسم است :

أوّل : عجله‌ای که سبب ناامیدی از فرج و ظهور آن حضرت شود ، یعنی به جهت کم طاقتی و کم صبری تعجیل کند ، و بگوید اگر شدنی بود تا حال باید شده باشد ، و این حرف ، آخر کار نعوذ بالله

۱ - مراد از هلاک ، کفر و خروج از ایمان است که سبب هلاکت می‌شود .

راجع می شود به انکار ظهور قائم منتظر علیه السلام .

دوم: عجله‌ای که منافی با تسلیم و رضای به امر خداوند جلّ شأنه باشد، که بگوید چرا ظاهر نمی شود، و برای کی گذاشته؟ و برگشت این، به اعتراض بر خداوند عزّ و جلّ است، و چنین کسی تابع شیطان است، که ایراد به خدا گرفت، بلکه باید شخص دعا بکند و اگر هم حق تعالی تأخیر در اجابت فرمود، آن را مطابق حکمت بداند.

سوم: عجله کردن، که سبب متابعت و پیروی نمودن مدّعیان کذب، و داعیان باطل شود، چون تعجیل دارد و کم طاقت است، پیش از ظاهر شدن علامتهای حتمیه، و آثار مرویه از ائمه علیهم السلام به مدّعیان باطل اعتماد می کند، و به محض خیال و شبهه و تأویل، ارادت به شیطان‌های به صورت انسان پیدا می کند، به امید آنکه موعود منتظر باشد، چنانچه بسیاری مردم به این سبب هلاک شدند (۱) با وجود آنکه از برای امام علیه السلام علامت‌های مخصوصه قطعیه هست، مطابق عقل و نقل، که تا آنها در او یافت نشود نباید اعتماد نمود.

یکی آنکه، باید هیچ وقت از او معصیتی صادر نشده باشد.

دیگر آنکه ، به شخصه و نسبه معروف باشد .

دیگری آنکه ، عالم به جمیع احکام الهیّه و جمیع لغات باشد ،
و در هیچ مسئله عاجز نشود ، و محتاج به پرسیدن از غیر و دیدن
در کتاب نباشد .

دیگر آنکه ، معجزه از او صادر شود یعنی کاری که از هیچ
کس مثل آن صادر نشود ، مثل تکلم کردن درختها و حیوانات با او
و زنده شدن مرده به دعای او ، و نسوزانیدن آتش بدن او را ،
و امثال اینها ، که مکرراً از ائمه اطهار صادر می شد ، و اگر چنین
نباشد با دیگران فرقی ندارد .

و در غیبت نعمانی (۱) از حضرت صادق ﴿علیه السلام﴾ مروی است
که فرمودند : هرگاه کسی ادّعی قائم بودن کرد ، از او بطلبید امور
عظیمه ای را که غیر امام کسی از عهده آنها بر نمی آید (۲) .

دیگر آنکه ، مبین احکام دین خاتم انبیاء ﴿صلی الله علیه و آله﴾ باشد ، نه
آنکه چیزی از پیش خود جعل و اختراع نماید .
و غیر اینها از اموری که در این مختصر گنجایش ندارد .

۱ - نام مبارکش ، محمد بن ابراهیم ، شاگرد شیخ کلینی (ره) بوده ، بسیار

جلیل القدر ، و کتاب او در نهایت اعتبار است .

۲ - این حدیث را شیخ کلینی ، در اصول کافی نیز ، با اندکی تفاوت روایت

فرموده .

و از برای وجود مبارک امام زمان ما (عجل الله تعالی فرجه) و ظهور او، بخصوص، علامتها و خصوصیت‌های چندی تعیین شده، که برای هیچ کس پنهان نماند، و اسباب شبهه نشود، و جمیع عالمیان با اختلاف زبانها بر آن مطلع شوند، و این عاصی بعضی از آنها را در کتاب «وظيفة الانام» ضبط نموده‌ام، و علمای سابقین، مانند «شیخ نعمانی» و «صدوق» و «مجلسی» و غیر اینها «رحمهم الله تعالی» در کتابهای خود جمع فرموده‌اند.

در خانه اگر کس است، یک حرف بس است



السَّلَامُ عَلَيْكَ

أَيُّهَا الْعَالَمُ الْمُنْصُوبُ

وَالْعَالِمُ الْمُصْبُوبُ

وَالنُّكُوتُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

﴿ مطلب اوّل ﴾

در بیان آنکه حقّ مؤمن افضل اعمال است

بدانکه در کتاب « اصول کافی » به سند صحیح از حضرت صادق عليه السلام روایت شده که فرمودند :

عبادت کرده نشده است خداوند عالم جلّ شأنه ، به چیزی که افضل باشد از أداء نمودن حقّ مؤمن .

و در (کتاب شریف) « احتجاج » از حضرت امام حسن عسکری عليه السلام روایت شده که فرمود :

هرکس معرفتش به حقوق اخوان مؤمنین بیشتر است ، و ادای حقوق آنها را نیکوتر می کند ، شأن او نزد حق تعالی عظیم تر است . چون دانستی این مطلب را ، پس بدان که در جمیع اهل عالم ، هیچ کس حقوقش بر تو بیشتر نیست از امام زمان تو عليه السلام که به مقتضای احادیث کثیره قطعیه ، هستی تو و بقای تو ، و سکون و آرام تو در این عالم ، و تمام نعمتهائی که به تو می رسد ، و روزی که می خوری ، و آبی که می آشامی ، به برکت وجود مبارک اوست ، و آنچه هست ، از منافع ذات مقدّس اوست ، مانند آفتاب وقتی که

زیر آبر پنهان باشد (۱) هر چند دیده نمی شود ، لکن تمام عالم از نور او روشن است ، و فوائد او به همه چیز می رسد .

اگر نبود ز یمن وجود اقدس او

بپا نبود نه ارض و سما ، نه ماه و نه سال

و این عاصی جمله ای از حقوق آن جناب را با دلیل و برهان ،

در باب سوم « مکیال المکارم » ذکر نموده ام . و اعظم تمام حقوق ،

حقّ امام علیه السلام بر رعیت است ، چنانچه در « روضه کافی » از

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مروی است که فرمودند :

بزرگترین حقّهائی که حق تعالی واجب فرموده است ، حقّ والی

است ، یعنی امام بر رعیت .

و چون این مطلب واضح شد ، بدانکه ما هر قدر سعی کنیم ،

نمی توانیم حقّ آن حضرت را چنانچه باید و شاید أداء کنیم ، پس

باید از آنچه می توانیم کوتاهی ننمائیم ، زیرا که در روز قیامت به

مقتضای آیات و روایات ، این مطلب از جمله اموری است که از

هرکسی پرسش و مؤاخذه خواهد شد ، چنانچه در تفسیر آیه شریفه

« ثُمَّ لَتَسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ » و غیرها ، روایت شده .

- ۱ -

وَإِنْ غَابَ عَنِ عَيْنِي كَوَّثَتْ ظُهُورِي

إِذَا هِيَ تَحْتَ الْقَرْعِ حِينَ عُبُورِي

هُوَ الْعَلَمُ الْهَادِي بِإِشْرَاقِ نُورِي

أَلَمْ تَرَ أَنَّ الشَّمْسَ يُنْشِرُ ضَوْءَهَا

در بیان طریق ادای حقوق امام زمان عليه السلام

و طریق أداء نمودن حق آن حضرت ، اهتمام در اطاعت و فرمانبرداری اوست ، بعد از معرفت به او ، صلوات الله علیه ، زیرا که او صاحب امر است بر ما ، و حق تعالی فرموده :

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ
وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ

یعنی ای مؤمن ها فرمانبرداری نمائید خدا را ، و فرمانبرداری نمائید پیغمبر او را ، و فرمانبرداری نمائید صاحبان امر از خود را ، که مقصود ، وجود مبارک امام زمان عليه السلام و یازده نفر آباء طاهرین اویند .

و از جمله فرمانهای مطاعه او ، که در توقیع شریف مروی در « کمال الدین » و « احتجاج » و « بحار » ذکر شده این است :

وَ أَكْثَرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ

یعنی بسیار دعا کنید و از حق تعالی سؤال نمائید تعجیل در فرج مرا ، زیرا که این فرج و گشایش کار شماهاست .

پس باید هر مؤمنی کمال اهتمام در انجام این فرمایش مطاع داشته باشد ، خصوصاً به ملاحظه آنکه جمیع جهاتی که مقتضی دعا نمودن در حق کسی می شود ، در وجود اقدس آن حضرت جمع است . چنانچه این احقر آنها را مفصلاً به ترتیب حروف (الف ، ب ، ت تا آخر) در باب چهارم « مکیال المکارم » جمع نموده ام .

﴿ مطلب دوّم ﴾

تحقیق مقام در امر دعاء به امام زمان ﴿علیه السلام﴾

چون دانستی که یکی از اقسام ادای حقّ آن جناب ، دعای به آن حضرت ، و سؤال نمودن تعجیل در فرج و ظهور اوست ، از حقّ تعالی شأنه بدانکه منافاتی نیست در این مطلب ، با آنکه ماها در جمیع امور احتیاج به آن جناب داریم ، و آن بزرگوار واسطه در تمام فیوضات است ، و بزرگتر شاهد بر این مدعی (۱) امر فرمودن خود آن حضرت است ما را به این دعاء ، و تقریر مطلب را به چند وجه می توان نمود .

أوّل : آنکه ، با وجود آنکه حضرت ایشان کامل در تمام صفات ، و وسیله جمیع فیوضات هستند ، لکن به مقتضای بشریّت ، بعضی اموری که لازمه بشریّت است ، از قبیل : هم و غم و محنت و آلم و ابتلاء و مرض ، بر ایشان عارض می شود ، و حقّ تعالی برای دفع این امور ، اسبابی قرار داده ، که یکی از آنها دعا است ، و لهذا خود ایشان دعا می کردند ، بلکه دیگران را امر به دعای در حقّ ایشان می فرمودند ، پس ما هم به مقتضای محبّت به آن جناب

۱ - یعنی منافات نبودن ما بین این دو مطلب

باید دعای به آن وجود مبارک را از اهم امور لازمه خود قرار دهیم، و این اصلاً منافاتی با رفعت مقام آنها نداشته و ندارد.

دوّم: آنکه به مقتضای حدیث مروی در کتاب «غیبت شیخ نعمانی» ره، از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و توقیع مروی در «احتجاج» یک سبب غایب شدن امام زمان علیه السلام کثرت معصیت های ما است. پس چون مانع ظهور آن جناب از جانب ماهاست، ماها باید اقدام در رفع مانع بکنیم، به توبه کردن، و اهتمام در دعاء، و طلب ظهور و فرج برای آن جناب نمودن.

سوّم: آنکه دعاء به منزله هدیه است، و هدیه بردن برای کسی، دلیل حاجت آن شخص بزرگ نیست، بلکه علامت احتیاج آن هدیه برنده، و محبت اوست به آن شخصی که برای او هدیه می برد، و تفصیل این امور را با بعض وجوه دیگر، در باب پنجم «مکیال المکارم» ذکر نموده ام.



﴿ مطلب سوّم ﴾

در بیان اهتمام ائمه ﴿علیهم السلام﴾ در دعای به
امام دوازدهم ﴿علیه السلام﴾

پوشیده نیست بر کسی که ، تتبّع و ممارست در حالات و دعوات
 ائمه طاهرین ﴿علیهم السلام﴾ داشته باشد ، اینکه چه قدر اهتمام در امر
 دعا نمودن به حضرت صاحب الزّمان ﴿علیه السلام﴾ و مسألت فرج آن
 جناب ، از خداوند عالمیان جلّ شأنه داشته و دارند . و اگر بخواهی
 اندکی بر صدق این مدّعی آگاه شوی ، ملاحظه کن دعای حضرت
 امیر ﴿علیه السلام﴾ را در ضمن حدیث مروی در « غیبت نعمانی » و دعای
 حضرت سیّد السّاجدین ﴿علیه السلام﴾ را در روز عرفه ، در « صحیفه
 سجادیّه » و بعد از نماز ظهر و نماز عصر روز جمعه ، مروی در
 « جمال الاسبوع » ، و دعای حضرت صادق ﴿علیه السلام﴾ را به آن
 حضرت ، بعد از نماز ظهر ، مروی در « فلاح السّائل » و « بحار » ،
 و دعای آن حضرت را صبح بیست و یکم ماه رمضان ، مروی در
 « اقبال » و دعای حضرت امام موسی کاظم ﴿علیه السلام﴾ را ، بعد از نماز
 عصر ، مروی در « فلاح السّائل » و دعای حضرت امام
 رضا ﴿علیه السلام﴾ را ، مروی در « جمال الاسبوع » و دعای امام محمّد

تقی علیه السلام را، مروی در «کافی»، و دعای امام حسن عسکری علیه السلام مروی در «مُهَج الدَّعَوَات»، و دعای مروی از خود آن جناب، مروی در «کمال الدِّین»، و قنوت نماز ظهر جمعه مروی در «جمال الأسبوع» و دعای بعد از دو رکعت اولی، نماز نافله شب، مروی در «مصباح المتهدِّد» و «مفتاح الفلاح» و دعای روز بیست و پنجم ماه ذی قعدة، و دعای صبحهای روزهای جمعه و دعای بعد از نمازهای فریضه، و دعای وقت رفتن به مسجد در روز جمعه، و دعای افتتاح و غیر اینها، که ذکرش موجب طول است، بلکه از عبارت دعای روز عرفه، و روایت مرویه در «جمال الأسبوع» در باب قنوت روز جمعه و بعضی أدلّه دیگر، ظاهر می شود که مؤمن هر دعائی که می نماید، باید ابتدا کند به دعای از برای حضرت صاحب الزّمان «عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ وَظُهُورَهُ» و چون در این رساله بنا بر اختصار است، به همین مقدار اقتصار می نمایم.

و شیخ جلیل محمّد بن ابراهیم نعمانی (ره) به سندش از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که: در روزهای جمعه گذاشته می شود از برای حضرت رسول و حضرت امیرالمؤمنین و حضرت امام حسن و حضرت امام حسین علیهما السلام، در نزد عرش حق تعالی، منبرهایی از نور، پس بر آن منبرها بالا می روند، و جمع

می شوند نزد آنها ، ملائکه و ارواح پیغمبران و مؤمنان ، و گشوده می شود درهای آسمان ، پس چون وقت ظهر جمعه می شود ، آن آن حضرت دعا می کنند که : خدایا نزدیک گردان آن وعده ای را که در کتاب خود در این آیه شریفه داده ای :

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ تا آخر آیه (۱) ، و این وعده ظهور و استیلای امام زمان ﴿علیه السلام﴾ و رجعت حقّه ، و دولت منتظره ائمه اطهار است در آخر الزمان ، پس ملائکه و پیغمبران نیز مثل این دعا می کنند ، آنگاه حضرت رسول و امیرالمؤمنین و امام حسن و امام حسین ﴿علیهم السلام﴾ سجده می نمایند و می گویند : خدایا غضب نمای بر کسانی که هتک حرمت تو را نمودند ، و بندگان پسندیده تو را کشتند ، و بندگان نیکوکار تو را خوار کردند ، پس تقدیر می فرماید خدا آنچه را می خواهد ، و این در روزی است که معلوم است نزد خداوند جلّ شأنه .

حقیر گوید : مراد ، زمان ظهور و استیلای حضرت صاحب الامر ﴿علیه السلام﴾ است ، چنانچه در روایات دیگر تصریح

۱ - یعنی وعده داده است خدای تعالی به کسانی که ایمان آورده اند و عمل نیکو می کنند ، اینکه آنها را جانشینان نماید در زمین .

شده، و اگر کسی توهّم کند که البتّه دعاهای آن بزرگواران مستجاب است، پس چرا این قدر ظهور آن جناب عقب افتاده، می گوئیم ماها آگاه نیستیم به وقت ظهور آن حضرت، که چه زمان است، پس چه استبعاد دارد که حق تعالی شأنه مقدر فرموده باشد ظهور آن جناب را در زمان بسیار دوری، اگر حضرت پیغمبر و ائمه و ملائکه و انبیاء و مؤمنین دعا نکنند، به جهت تعجیل در ظهور آن حضرت، و در زمانی نزدیکتر مقدر فرموده، ظهور این امر را، اگر اهتمام در این دعا بنمایند، لکن هنوز آن زمان نزدیکتر نرسیده است، و جوابهای دیگر هم از این توهّم داده ام، در «مکیال المکارم» مذکور است.

و در روایتی وارد است که از زمانی که حق تعالی مستجاب فرمود دعای موسی و هارون را، تا زمانی که بر فرعونیان غلبه کردند، چهل سال طول کشید، پس مؤمن باید صبر نماید و از دعا کردن خسته نشود.



﴿ مطلب چهارم ﴾

در بیان سرّ زیادتى اهتمام ائمه طاهرین ﴿علیهم السلام﴾

در دعای به حضرت صاحب الزّمان ﴿علیه السلام﴾

و طلب فرج و ظهور آن جناب را از خداوند عالمیان، و در این مختصر به یک وجه اکتفا می‌نمایم.

بدانکه دعا کردن به کسی، فرع محبت به آن کس است، و اعظم اسباب محبت و دوستی آن است که شخص، وجود کسی را خیر بداند، که بودن خیر در وجود هر کسی مقتضی و موجب محبت اوست، پس هر قدر معرفت شخص انسانی به وجود خیر در وجود کسی کاملتر شد، محبتش به او کاملتر می‌شود، و هر قدر محبتش کاملتر شد تعلقش به او، و اهتمامش در دعای به وجود او، کاملتر و زیادتیر می‌شود، و واضح است که حقیقت معرفت و شناسائی به وجود مبارک حضرت صاحب الزّمان عجل الله تعالی فرجه، و خیرات وجود اقدس او به نحو اکمل برای هیچ کس ممکن و میسر نیست، مگر حضرت رسول الله و ائمه طاهرین صلی الله علیه و علیهم، زیرا که آنها از شجره طیبه واحده می‌باشند، و کسی دیگر از مخلوقات نمی‌تواند احاطه به شئون آنها نماید،

لهذا محبت آنها هم به آن جناب اکمل و اعظم محبت هاست ،
 و همین کافی است از برای شدت اهتمامشان به دعای به وجود
 مبارک او ، و طلب فتح و نصرت و فرج از برای او ، و از این بیان
 ظاهر شد نکته فرمایش حضرت صادق ﴿علیه السلام﴾ در حدیثی که
 « شیخ نعمانی » (ره) در کتاب « غیبت » روایت کرده که فرمود :
 اگر من درک می نمودم زمان حضرت قائم ﴿علیه السلام﴾ را ، تا زنده
 بودم خدمت او را می نمودم .

و همچنین ، مؤمنین هرکدام که معرفتشان به آن حضرت
 و خیرات وجود مبارک او کامل تر است ، محبتشان هم کامل تر
 است ، و هر چه محبتشان کامل تر باشد ، اهتمامشان در دعا گوئی به
 آن حضرت کامل تر و زیادتر است .

﴿ لمؤلفه ﴾

یارب آن طلعت زیبا ز پس پرده غیب
 تو برون آور و ما را به لقایش برسان
 آنچه مانع ز ظهورش شده از جا بردار
 و آنچه اسباب ظهور است برایش برسان
 دشمنانش همه تنها ز روان خالی ساز
 دوستانش همه را بوسه به پایش برسان



﴿ مطلب پنجم ﴾

در بیان فوائد و منافع دنیویّه که حاصل می شود به دعاء نمودن از برای آن حضرت و طلب فرج و ظهور او ﴿علیه السلام﴾ و در اینجا به ذکر ده فائده اکتفاء می کنم :

أوّل : آن که موجب طول عمر می شود ، زیرا که دعای به آن حضرت ، صله رحم پیغمبر ﴿صلی الله علیه و آله﴾ است . و در تفسیر امام حسن عسکری ﴿علیه السلام﴾ ذکر فرموده که : صله رحم پیغمبر ﴿صلی الله علیه و آله﴾ افضل و واجب تر است از صله رحم خود شخص . و بنا براین ، فوائدی که مترتب می شود بر صله رحم خود شخص ، به طریق اولی و نحو اکمل ، مترتب می شود به صله رحم نمودن پیغمبر ﴿صلی الله علیه و آله﴾ ، و از جمله آنهاست طول عمر .

در « کافی » از حضرت امام محمد باقر ﴿علیه السلام﴾ مروی است که فرمود : صله رحم کردن ، أعمال را پاکیزه می کند ، و بلاء را دفع می کند ، و باعث آسانی حساب قیامت می شود ، و عمر را دراز می کند .

و به این تقریب می توان گفت : که هر نوع خدمتی به امام زمان ﴿علیه السلام﴾ بکند باعث رسیدن به این فوائد هست ، و به

خصوص در ثواب دعای دوّم که مذکور می شود^(۱) روایت شده که موجب طول عمر می شود.

فائده دوّم: دفع بلاها و وسعت روزی است.

در «اصول کافی» به سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت است که فرمود: دعا نمودن شخص از برای برادر دینی خود در غیاب او، روزی را زیاد می کند، و دفع می کند مکروه را. حقیر گوید: مسلم است که هر چند آن مؤمن افضل باشد، حصول این فائده به دعای در غیاب او اکمل خواهد بود.

پس دعای از برای حضرت صاحب الزّمان علیه السلام که اصل ایمان و معدن ایمان است، در زمان غائب بودن آن جناب بیش از دعای برای هر مؤمنی، سبب رسیدن به این فائده عظیمه خواهد بود.

فائده سوّم: آنکه مواظبت نمودن مؤمن به دعای به جهت آن جناب، سبب مستجاب شدن سایر دعاهائی است که مؤمن در حقّ خودش یا دیگران می کند. و ده وجه برای این مطلب در کتاب «مکیال المکارم» ذکر نموده ام. پس مؤمن سزاوار است که در همه دعاهایش ابتدا کند به دعای برای آن حضرت. (عجل الله تعالی

۱ - در «بحار» و غیره از حضرت صادق سلام الله علیه روایت شده است.

فرجه و ظهوره) .

فائده چهارم : شرفیاب شدن به ملاقات آن جناب در بیداری یا خواب ، چنانچه در خصوص دعای دوّم و بعض دعاهای دیگر روایت شده است ، و در « بحار » و غیره از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که : هر کس بعد از نماز صبح و ظهر بگوید :

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

نمیرد تا به فیض ملاقات حضرت قائم علیه السلام مشرف شود . و ظاهر این است که مقصود ، مداومت بر این عمل است ، که مشتمل است بر دعا و صلوات بر محمد و آل محمد و مسئلت تعجیل در فرج آنها ، که به ظهور حضرت قائم علیه السلام حاصل می شود .

فائده پنجم : زیاد شدن نعمتهای الهیه ، زیرا که شکر نعمت ، به نصّ آیه قرآن ، سبب زیاد شدن آن می شود ، و چون وجود مبارک آن حضرت ، أعظم نعمتهای الهیه است ، و علاوه بر این ، واسطه در تمام نعمتهای ظاهریّه و باطنیه است ، چنانچه در اخبار متواتره ذکر شده ، و در بحار و غیره از حضرت امام زین العابدین علیه السلام روایت شده ، که به ابي حمزه ثمالی فرمودند :

ای ابا حمزه ! نبادا در ساعت بین الطلوعین خواب باشی ، که در آن ساعت حق تعالی تقسیم می فرماید أرزاق بندگان را ، و به دست

ما جاری می گرداند آنها را . پس شکرگزاری آن وجود مبارک لازم است ، و سبب زیادتی نعمت است ، و دعای به آن جناب نوعی از شکرگزاری ایشان است .

در «کمال الدین» و غیره از محمد بن زیاد ازدی روایت شده که گفت : پرسیدم از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام از تفسیر آیه شریفه **وَ أَشْبَغَ عَلَیْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَ بَاطِنَةً** فرمودند : نعمت ظاهره ، امام ظاهر است ، و نعمت باطنه امام غائب است ، گفتم آیا می باشد از امامان کسی که غائب شود ؟ فرمود : بلی غائب می شود از چشمهای مردم شخص او ، و غائب نمی شود از دلهای مؤمنین یاد او ، و او دوازدهمی ماه است ، که آسان می کند حق تعالی برایش هر مشکلی را ، و هموار می کند برایش هر ناهمواری را ، و ظاهر می فرماید برایش گنجهای زمین را ، و نزدیک می کند برای او هر دوری را ، و فانی می کند به او هر سرکشی کننده ستمکاری را و هلاک می کند به دست او هر شیطان نابکاری را ، آن پسر سیّده کنیزکان است ، که مخفی می شود بر مردم ولادت او ، و حلال نیست برای آنها تصریح نمودن به اسم او ، تا آن زمان که حق تعالی او را ظاهر گرداند ، پس پر کند زمین را از عدل و داد ، همچنانکه پر شده باشد از ظلم و ستم .

فائده ششم : آنکه دعای برای آن جناب سبب یاری خدا ،

و غلبه شخص دعا کننده می شود بر اعداء ، زیرا که دعای به آن حضرت ، یاری اوست ، و یاری او ، یاری خداست ، و حق تعالی در قرآن مجید وعده فرموده است که :

یاری کند هرکسی که یاری نماید او را ، در چند موضع ، یکی
و لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ (۱) و دیگر اِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ
يَنْصُرْكُمْ (۲).

فائده هفتم : برگشتن به دنیا در زمان ظهور آن جناب ، چنانچه در « حدیقه الشّیعه » از حضرت صادق ﴿علیه السلام﴾ روایت شده است ، و در فضیلت دعای عهدنامه بخصوص ، در کتب متعدده مانند بحار و غیره ، روایت شده .

فائده هشتم : آنکه دعای به تعجیل فرج و ظهور آن حضرت ، باعث ثبوت ایمان ، و نجات از مهالک ، و فتن آخر الزّمان است ، و دلیل بر این مطلب حدیثی است که « شیخ صدوق » در « کمال الدّین » روایت فرموده ، از احمد بن اسحق قمی (ره) گفت : وارد شدم بر امام حسن عسکری ﴿علیه السلام﴾ و می خواستم بپرسم از آن جناب از امام و خَلَف بعد از او ، آن جناب پیش از سؤال من

۱ - یعنی همانا یاری می فرماید خدای تعالی البته هرکسی را که یاری می کند حق تعالی را .

۲ - اگر یاری کنید شکا خدا را ، او هم یاری می کند شما را .

فرمود: ای أحمد بن اسحق، به درستی که خداوند خالی نگذارده زمین را از زمان خلقت آدم تا کنون، و خالی نمی‌گذارد تا قیامت، از کسی که حجّت باشد بر خلق، که به او دفع بلا می‌کند از اهل زمین، و به برکت او باران می‌بارد، و برکات زمین را بیرون می‌آورد، أحمد گفت: من گفتم: یا بن رسول الله پس کیست امام و جانشین شما بعد از شما، حضرت به تعجیل داخل خانه شدند، و بیرون آمدند در حالتی که بر دوش آن حضرت پسری بود به سنّ سه ساله، که رویش مثل ماه شب چهارده بود، پس فرمود: ای أحمد ابن اسحق، اگر نبود به جهت کرامت تو نزد خدا، و حجّت‌های او، من این پسر را به تو نشان نمی‌دادم، اوست همانم و هم کنیه پیغمبر صلی الله علیه و آله که زمین را پر از عدل و داد می‌کند، چنانچه پر از ظلم و جور شده باشد، ای أحمد بن اسحق، مثل او در این امت، مثل خضر و ذوالقرنین است، به خدا قسم، البتّه غائب خواهد شد غائب شدنی، که نجات نمی‌یابد از هلاکت، در زمان غیبت او، مگر کسی که خدا ثابت کند او را بر قول به امامت او، و توفیق دهد به او، که دعا کند به تعجیل فرج و ظهور او، أحمد گفت: گفتم: ای مولای من، علامتی به من بنما که دلم مطمئن شود، ناگاه آن پسر به زبان عربی فصیح نطق کرد و فرمود: منم بقیّة الله در زمین، و انتقام کشنده از دشمنان خدا، پس طلب

نکن اثری بعد از عین ، ای احمد بن اسحق .

فائده نهم : دفع شدن بلاها و عقوبتها از کسانی که مستوجب آند ، به برکت دعاکنندگان از برای ظهور امام زمان ﴿عَلَيْهِ السَّلَام﴾ ، زیرا که در فائده سابقه دانستی که این امر شریف ، سبب ثبوت بر ایمان ، بلکه علامت آن و باعث نجات از فِتنِ آخر الزّمان است ، و از حصول این فائده حاصل می شود فائده دیگر ، که آن محفوظ بودن دیگران از بلاها و عقوبات ناگهان است ، به برکت وجود دعاکنندگان برای این مطلب ، چنانچه در « بحار » از حضرت صادق ﴿عَلَيْهِ السَّلَام﴾ روایت شده که فرمود :

می آید بر مردم زمانی که غائب می شود امام آنها ، خوشا به حال کسانی که ثابت هستند بر امر ما در آن زمان ، به درستی که کمتر چیزی که از برای آنها از ثواب هست ، این است که حق تعالی آنها را ندا می فرماید که : ای بندگان من ایمان آوردید به سِرِّ من ، و تصدیق نمودید حجّت غائب مرا ، پس مژده باد شما را به نیکوئی ثواب از من ، پس شما بندگان من ، و کنیزان من ، به راستی از شماها قبول می فرمایم اعمال خوب را ، و از شماها عفو می کنم اعمال زشت شما را ، و شما را می آمرزم ، و به برکت شماها باران بر بندگانم می بارم ، و به برکت شماها دفع بلا از ایشان می کنم ، و اگر شماها نبودید ، همانا عذاب خود را بر ایشان نازل می فرمودم

فائده دهم : آنکه امید هست به برکت دعا کردن و تضرّع نمودن مؤمنین در سؤال تعجیل فرج و ظهور آن حضرت ، این امر عظیم زودتر واقع گردد ، و شاهد بر این مطلب حدیثی است که در «بحار» از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که :

حق تعالی وحی فرمود به حضرت ابراهیم علیه السلام که پسری به او عطا می فرماید ، چون خبر به ساره داد ، گفت : چگونه از من فرزند متولد می شود ، با وجود آنکه پیرزن شده ام ، و زمان آبستن شدنم گذشته است ، پس خدای عزوجلّ به ابراهیم وحی فرمود که : به همین زودی فرزندی برای تو از ساره متولد خواهد شد ، و به پاداش اینکه وحی ما را از روی تعجب رد کرد ، فرزندان او چهارصد سال به دست دشمنان گرفتار و معذب خواهند شد ، و آن زمانی بود که بنی اسرائیل مبتلای به فرعونیان بودند ، پس چون طول کشید زمان ابتلای آنها در میان فرعونیان ، به زاری درآمدند ، و چهل روز گریه کردند ، و به سوی خدا توجه کردند ، و طلب فرج نمودند ، حق تعالی به موسی و هارون وحی فرستاد که ، آنها را از عذاب فرعونیان خلاص خواهد نمود ، با وجود آنکه هنوز یکصد و هفتاد سال از آن چهارصد سال باقی مانده بود ، آنگاه حضرت صادق علیه السلام فرمودند : شماها هم اگر این چنین رفتار می کردید یعنی اتفاق می نمودید در گریه و زاری کردن و طلب فرج ما را از

خدا نمودن ، البتّه حق تعالی فرج ما را ظاهر می فرمود ، امّا چون شماها مانند آنها نمی کنید ، این امر به منتهائی که باید خواهد رسید.

امروز شاه نخبین دبیران حکیمیت

دبیراگر هزار بود دل بر آن حکیمیت

بناسبت نیم شعبان ۱۳۵۸ نوشته (جیرانده فضائی)

﴿ مطلب ششم ﴾

در بیان فوائد و منافع اخرویه این امر شریف، یعنی مداومت و اهتمام نمودن در بسیاری دعاء به وجود مبارک آن جناب، و سؤال نمودن تعجیل در ظهور و فرج او، از حضرت ربُّ الأرباب

و آنها زیاده بر صد فائده است، که با دلیل و برهان مفصلاً در کتاب «مکیال المکارم» ذکر نموده‌ام. و چون در این رساله بنا بر اختصار است، فقط همان فوائد را به طور فهرست و اجمال می‌شمارم، تا خوانندگان را موجب ملال نشود، و برای عوام همین مقدار کافی است.

أوّل: فائز شدن به شفاعت حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در قیامت.

دوّم: شفاعت حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ.

سوّم: رسیدن به شفاعت حضرت صاحب الزّمان عَلَيْهِ السَّلَامُ.

چهارم: آنکه دعای به آن حضرت اظهار محبّت به آن جناب

است، و در «کافی» روایت شده از حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ که

فرمود: چون کسی را از اهل ایمان دوست داری، اظهار کن محبّت

خودت را نسبت به او، زیرا که همین، سبب زیادتی و ثبات محبّت

و دوستی می شود .

پنجم : آنکه دعای به آن جناب ، و مسئلت ظهورش را از حق تعالی ، علامت انتظار است ، و از برای انتظار ثوابهای بسیار است که در « نور الأبصار » ذکر نموده ام .

ششم : آنکه حاصل می شود به آن احیاء امر امام ، و آن سبب سرور شخص می شود در قیامت .

هفتم : باعث دور شدن شیطان می شود از شخص دعاکننده .

هشتم : آنکه حاصل می شود به آن ، ادای بعض حقوق امام ، فی الجمله .

نهم : آنکه حاصل می شود به آن ، تعظیم از برای خداوند منان ، و آن اعظم عبادات ، بلکه روح آنهاست .

دهم : آنکه این دعا نوعی است از توسل به وسیله الهیه ، که امر فرموده به آن در آیه شریفه :

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ، وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ
وَ جَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۱)

یازدهم : آنکه حاصل می شود به آن ، ادای مزد رسالت

۱ - ای کسانی که ایمان آورده اید ، نگاه دارید خود را از عذاب خدا ، و طلب کنید وسیله رحمت او را ، و کوشش نمائید در راه او تا رستگار شوید .

حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فِي الْجُمْلَةِ ، زِيْرَا كِهْ اَنْ نُوْعِيْ اَز مَوْدَّتْ اِسْتِ بِهٖ ذُوِي الْقُرْبِيْ ، وَ حَقِّ تَعَالَى اَنْ رَا مَزْدِ رَسَالَتِ قَرَارِ دَادِهٖ ، دَرِ اَيَّةٖ شَرِيْفَهٗ :

قُلْ لَا اَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ اَجْرًا اِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبِيْ (١)

دوازدهم : باعث آمرزش گناهان می شود .

سیزدهم : آنکه داخل می شود مؤمن ، به سبب دعا نمودن از برای امام زمان ، در زمرةٔ اخوان خاتم پیغمبران صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و این بالاترین مقامات است برای انسان .

چهاردهم : آنکه دعای به آن حضرت تأسی و اقتدا است به ائمهٔ طاهرين عَلَيْهِمُ السَّلَامُ .

پانزدهم : آنکه نوعی است از وفای به « عَهْدِ اللهِ » ، که امر فرموده به آن در قرآن مجید .

شانزدهم : آنکه نوعی است از رعایت امانت الهیه ، که آن ، وجود مبارک امام است .

هفدهم : آنکه باعث زیادتی اشراق نور امام می شود در قلب او ، انشاء الله تعالی .

١ - یعنی بگو طلب نمی کنم از شماها بر پیغمبری خودم مزدی را ، مگر آنکه دوستی و اظهار مودت کنید با قربی ، و تفسیر شده قربی به ، حضرت امیر و فاطمه و اولاد آنها .

هجدهم : آنکه آن ، نوعی است از اعانت بر برّ و تقوی ، زیرا که تمام خیرات ظاهر می شود به ظهور آن جناب ﴿علیه السلام﴾ .

نوزدهم : آنکه باعث هدایت یافتن به نور کتاب الله مجید می شود .

بیستم : قبول شدن اعمال صالحه انسان ، به برکت دعای به حضرت صاحب الزّمان .

بیست و یکم : مترتب می شود بر این دعا ، ثواب طلب علم ، هرگاه مقصود انسان استفاضه به علوم ربّانیّه امام زمان ﴿علیه السلام﴾ باشد .

بیست و دوّم : آنکه ایمن می شود از عقوبتها و شدت های روز قیامت ، انشاء الله تعالی .

بیست و سوّم : آنکه حاصل می شود به آن ، اجابت دعوت خدا و رسول ﴿صلی الله علیه و آله﴾ .

بیست و چهارم : آنکه سبب بودن داعی می شود با امیر المؤمنین ﴿علیه السلام﴾ در درجه و مقام آن حضرت ، در روز قیام .

بیست و پنجم : آنکه محبوب ترین خلق می شود نزد خداوند عالمیان ، جلّ شأنه .

بیست و ششم : آنکه عزیزترین مردم می شود نزد خاتم پیغمبران ﴿صلی الله علیه و آله﴾ .

بیست و هفتم : آنکه دعا کننده در امر فرج و ظهور آن حضرت، اهل بهشت می شود انشاء الله .

بیست و هشتم : آنکه دعای حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ شامل حال او می شود .

بیست و نهم : آنکه خداوند او را در امر عبادت یاری می فرماید، به جهت اهتمامش در دعای به امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ .

سی ام : آنکه حاصل می شود به آن، ثواب اعانت مظلوم .

سی و یکم : حاصل می شود به آن ثواب اجلال و احترام کبیر .

سی و دوّم : حاصل می شود به آن، ثواب طلب نمودن خونِ به

ناحق ریخته شده مظلوم کربلا، و سایر مظلومین .

سی و سوّم : آنکه حاصل می شود به آن، توانائی تحمّل

أَحَادِيثِ أُمَّةٍ طَاهِرِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ .

سی و چهارم : آنکه در قیامت نوری از او ساطع می شود، که

دیگران به آن منتفع می شوند .

سی و پنجم : آنکه شفاعت می کند از برای هفتاد هزار نفر از

گناهکاران، و قبول می شود .

سی و ششم : اطمینان و آرام بودن قلب در روز قیامت .

سی و هفتم : آنکه به مواظبت و اهتمام در دعای تعجیل فرج

و ظهور آن جناب عَلَيْهِ السَّلَامُ، حاصل می شود ثواب بیست حج با

علاوه .

سی و هشتم : ثواب عمره دارد .

سی و نهم : آنکه ثواب اعتکاف دو ماه در مسجد الحرام دارد .

چهلیم : ثواب دو ماه روزه با اعتکاف در مسجد الحرام دارد .

چهل و یکم : آنکه افضل است از آزاد کردن هزار بنده در راه

خدا .

چهل و دوّم : آنکه بهتر است از دادن هزار اسب به جهاد

کنندگان در راه خدا ، و مقتضای افضل بودن ، زیادتى ثواب آن

است .

چهل و سوّم : آنکه اهتمام در بسیاری دعای به تعجیل ظهور

و فرج آن حضرت ، افضل است از ده مرتبه طواف دور خانه کعبه

مشرفه .

چهل و چهارم : آنکه صد هزار حاجت او در روز قیامت روا

می شود .

چهل و پنجم : محشور شدن در زمرة حضرت رسول و ائمة

طاهرين سلام الله عليهم اجمعين .

چهل و ششم : بشارت در وقت مردن .

چهل و هفتم : آنکه ملائکه در حق او دعا می کنند .

چهل و هشتم : این دعا سبب جراحات قلب شیطان می شود .

چهل و نهم : در محشر از طعامهای بهشت بهره مند می شود ،
و متنعم می گردد ، در حالتی که مردم مشغول به حساب هستند .
پنجاهم : از آفتاب قیامت محفوظ می ماند .
پنجاه و یکم : در عالم برزخ از عذابها و هولهای آن عالم ایمن
است .

پنجاه و دوّم : سبب سرور رسول خدا صلی الله علیه و آله می باشد .
پنجاه و سوّم : در عالم قبر و برزخ ، رفیق و مصاحب نیکو
پیدا می کند .

پنجاه و چهارم : حساب او در قیامت آسان می شود ، یعنی از
سیئات او عفو می شود ، و دقت نمی شود .

پنجاه و پنجم : درهای بهشت برای او گشوده می شود .
پنجاه و ششم : آنکه دعای حضرت سید السّاجدین علیه السلام
شامل حال او می شود .

پنجاه و هفتم : آنکه به دعاء نمودن در حق امام زمان ، حاصل
می شود اعتصام به حبل الله ، که حق تعالی امر به آن فرموده در آیه
شریفه **وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ** .

پنجاه و هشتم : حاصل می شود به آن ، توّسل و تمسک به
عترت طاهره خاتم پیغمبران صلی الله علیه و آله .

پنجاه و نهم : آنکه باعث رسیدن به مثل ثلث ثواب عبادت

جميع عابدان می شود (۱).

شصتیم : کامل شدن ایمان .

شصت و یکم : ثواب شهادت در حضور خاتم انبیاء ﴿صلی الله علیه و آله﴾

را دارد .

شصت و دوّم : ثواب شهادت در حضور حضرت صاحب

الزّمان ﴿علیه السلام﴾ را دارد .

شصت و سوّم : ثواب احسان نمودن به امام را دارد .

شصت و چهارم : ثواب اِکرام عالم را دارد ، و احترام نمودن

برای عالم ، یعنی عالم عامل ، از جمله عبادات عظیمه است .

در «بحار» از حضرت صادق ﴿علیه السلام﴾ روایت شده که فرمودند :

هرکس اکرام کند مؤمن فقیهی را ، در روز قیامت حق تعالی از

او راضی و خشنود باشد ، و هرکس بی احترامی کند به مؤمن

۱ - بلکه دو ثلث مثل جميع ثوابهای عبادت عابدان ، هرگاه دعاء کردن او به

آن حضرت ، از جهت اظهار محبّت به أمير المؤمنين ﴿علیه السلام﴾ باشد ، و در حال

دعا به دست خود تضرّع و ابتهاج نماید ، زیرا که حاصل می شود به مداومت به

این کیفیت از دعا اظهار محبّت قلبی و لسانی و یدی به أمير المؤمنين ﴿علیه السلام﴾

و از حضرت رسول ﴿صلی الله علیه و آله﴾ مرویست که هرکس دوست دارد علی را به دل

و زبان و دست ، حق تعالی مانند ثواب جميع عبادات عابدان را به او مرحمت

می فرماید *

فقیهی، حق تعالی در روز قیامت بر او غضبناک باشد.

شصت و پنجم: ثواب اکرام کریم را دارد.

شصت و ششم حاصل میشود به آن، مکافات بعضی از احسانهای آن حضرت در حق ماها، فی الجمله.

شصت و هفتم: حاصل می شود به آن، اطاعت «أولى الأمر»، فی الجمله.

شصت و هشتم: رسیدن به درجات شهداء، بلکه شهدای در خدمت امیر المؤمنین عليه السلام.

شصت و نهم: حاضر شدن ملائکه در مجلسی که در آن دعاء کرده می شود در حق امام زمان، عجل الله تعالی فرجه.

هفتادم: آنکه دعا نمودن به آن حضرت در این زمان، افضل و بهتر است از دعا کردن به آن حضرت در زمان ظهور و استیلای آن جناب، به مقتضای احادیث و روایات.

و اکتفاء می کنم در این مختصر به همین مقدار، و هر کس طالب بر اطلاع بر زیادتر از این است رجوع کند به کتاب «مکیال المکارم» که به بیانات وافیه و تحقیقات شافیه، با دلیل های بسیار از احادیث ائمه اطهار عليهم السلام ذکر نموده ام.

﴿ تنبیه ﴾

در بیان شروط فائز شدن به تمامی فوائد مذکوره
به نحو کمال

از آنچه گفتیم ، ظاهر شد که این عمل شریف را در میان عبادات ، جامعیتی است که از برای سایر عبادات نیست ، از جهت بسیاری ثواب های عظیمه ، و فوائد جلیله ، که حاصل می شود به آن ، لکن باید دانست که فائز شدن به تمامی آن فوائد و ثوابها ، من حیث المجموع بر وجه کمال ، مشروط به سه شرط است ، بنابر آنچه ظاهر می شود از آیات و روایات بسیار :

شرط اوّل : ایمان است ، و مقصود از آن ، یقین قلبی و اقرار زبانی است به اصول دین و مذهب ، که تمام آنها راجع به سه مطلب می شود : اوّل : معرفت به خداوند جلّ شأنه ، و وحدانیّت او ، و صفات ثبوتیه او ، که از جمله آنها « عدل » است ، و صفات سلویه او . دوّم : معرفت به رسول او ، حضرت خاتم النبیین ﴿صلی الله علیه و آله﴾ و خاتمیت آن حضرت ، و حقیقت جمیع آنچه فرموده است ، که از آن جمله است معاد و سایر ضروریات دین . سوّم : معرفت و شناسائی به دوازده امام ، که اوّل آنها حضرت امیرالمؤمنین علیّ

بن ابیطالب علیه السلام ، و خاتم آنها امام زمان حضرت حجة بن الحسن العسکری علیه السلام باشند ، و آن که آن حضرت زنده است و غائب است ، و نخواهد مرد ، تا آنکه ظاهر شود ، و عالم را مملو از عدل نماید . پس هرگاه نعوذ بالله کسی در یکی از امور مذکوره شک داشته باشد ، مؤمن نیست ، و هیچ عملی از او قبول نمی شود ، و اگر به آن حالت مُرد نجات ندارد ، و همچنین اگر منکر یکی از ضروریات دین شود ، و مراد از ضروریات دین ، آن حکم هائی است که واضح و ظاهر باشد بر هر مسلمانی که نشو و نما کرده باشد در اسلام ، که آن حکم دین اسلام است ، مثل واجب بودن پنج نماز در هر شبانه روزی ، و واجب بودن روزه ماه رمضان ، و حرام بودن ربا و شرب خمر ، و نحو اینها .

شرط دوّم : تحصیل تقوای واقعی . بدانکه تقوی به معنی پرهیزکاری است ، و آنرا چهار درجه است ، که به تفاوت آنها درجات ثواب و قبول اعمال شخص تفاوت پیدا می کند .

درجه اوّل : اجتناب از گناهان کبیره است ، و آن گناهانی است که در شرع ، بزرگ شمرده شده ، و هرگاه شخص این درجه را حاصل نمود ، از گناهان صغیره او عفو می شود ، و به ثواب اعمال خیر ، و دخول بهشت فائز می شود ، و دلیل بر این است آیه شریفه

إِنْ تَجْتَنِبُوا كِبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نَكْفَرُ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ
وَنُدْخِلْكُمْ مَدْخَلًا كَرِيمًا (۱).

و روایات هم ، مطابق آن وارد شده است ، پس بر مؤمنی که طالب ثواب است ، و از عذاب حق تعالی ترسان است ، لازم است گناهان کبیره را اقلأ بشناسد ، تا از آنها پرهیز نماید ، و در این خصوص ، مرحوم مبرور ، ثقة الاسلام ، آقای حاج شیخ محمد علی (رفع الله تعالی درجته) رساله خوبی نوشته اند ، خوب است مؤمنین آن را تحصیل نموده ، و از آن بهره مند شوند . و پوشیده نماند که ، هرگناه صغیره ای را چون اصرار بر آن کنند کبیره می شود ، چنانچه در روایات وارد شده ، و نقل اجماع علماء نیز بر آن شده است (۲) .

درجه دوّم : که بالاتر از اوّل است ، پرهیز نمودن از تمام گناهان است ، و واضح است که هرکس این درجه را حاصل کرد ، ثواب عباداتش اکمل از اوّل است ، و تحصیل این دو درجه از

- ۱ - اگر پرهیز کنید از گناهان کبیره ، که نهی کرده شده اید از آن ، ما می بخشیم گناهان صغیره شما را ، و شما را به جایگاه نیکو داخل می نمائیم .
- ۲ - و ترک هر واجبی حرام است ، لکن بعضی واجبات ترکش گناه کبیره است ، مثل ترک نماز ، و بعضی دیگر ترکش حرام است ، لکن گناه صغیره است ، مثل ترک جواب سلام ، که کبیره بودنش معلوم نیست ، مگر اینکه موجب هتک احترام مؤمن ، و ایدای به او شود .

تقوی واجب است، به مقتضای آیات و روایات .

درجه سوّم : که از آنها بالاتر است، حاصل می‌شود به ترک مکروهات، به جهت خوف از افتادن در محرّمات .

درجه چهارم : که از آن سه درجه بالاتر است، ترک مباهات است، به جهت ترس از افتادن در مکروهات و محرّمات، و این دو درجه، مقام مؤمنین کاملین است، که هر عملی از آنها صادر می‌شود، مقرون به رضای حضرت حق، سبحانه و تعالی است .

شرط سوّم : از شروط رستگار شدن به ثوابهای کامله، تهذیب نفس است از صفات رذیله، یعنی صفات خبیثه‌ای که در باطن انسان کمین ساخته، و او را از ساحت قرب الهی دور انداخته‌اند، مثل تکبر و حرص و حسد و کینه و نفاق و محبت دنیا و عجب و غیرها را از خود دور نماید، که با وجود بودن آنها، شخص به مطلوب خود نخواهد رسید، بلکه بعضی از صفات خبیثه، چنان با اثر است که به کلی، شخص را از ثواب محروم می‌کند، بلکه باعث زوال ایمان می‌شود، مثل محبت دنیا و نحو آن، و اگر بخواهم در این مطالب تفصیل بدهم، کتاب بزرگی خواهد شد، لهذا به همین مقدار اشاره نمودیم . (شعر)

من آنچه شرط بلاغ است با تو می‌گویم

تو خواه از سخنم پند گیر، و خواه ملال

پس هرگاه شخص مؤمن با حصول شرایط مذکوره، اهتمام و مداومت نمود در دعای به وجود مبارک امام زمان ﴿علیه السلام﴾، و طلب نمودن تعجیل در فرج و ظهورش را از خلاق عالم، جلّ شأنه، فائز می شود به تمامی فوائد مذکوره، به نحو کمال، انشاء الله تعالی.

فصل: بسا هست که بعضی از کوتاه نظران استبعاد کنند، و بگویند: چگونه به ایزای عمل کوچک مختصری، این همه ثبوبات و منافع داده می شود، و جواب از این شبهه از سه راه است:

أول: آنکه این عمل شریف ^(۱) کوچک نیست در نزد اهل بصیرت، تا آنکه جای این استبعاد باشد، بلکه در نهایت بزرگی و کمال عظمت شأن است، و کوچکی و بزرگی هر چیزی را عارف و عالم به آن می داند، مثل آنکه یک دانه جواهر کوچک، بسا می شود پنج هزار تومان قیمت دارد، لکن اهل خبره آن میدانند، و شخص ناشی را نمی رسد که به آن دانا اعتراض کند، که چرا این دانه را این قدر زیاد قیمت کردی، و عالم به شأن و قیمت این دعاء، خلاق عالمیان، و خاتم پیغمبران و ائمه طاهرین ﴿علیهم السلام﴾ می باشند. و مثل دعای به امام زمان روحی و ارواح العالمین فداء، **مَثَل کَلِمَتَيْنِ شَهَادَتَيْنِ** است، هر چند کوچک و مختصر است، لکن

۱ - یعنی دعای به جهت تعجیل در ظهور و فرج امام زمان ﴿علیه السلام﴾

به محض گفتن ، شخص کافر ، مسلم و پاک و محترم و بهشتی می شود ، و هکذا سایر آثاری که دارد ، و کسی را نمی رسد که برای اختصار کلمه و آسانی آن ، انکار آثار آنرا نماید .

جواب دوّم : آنکه ثوابهایی که حق تعالی به ایزای هر عملی عطاء می فرماید ، از راه تفضّل است ، نه استحقاق شخص ، و مثل این دعا و سایر عبادات ، مثل هدیه ایست که شخص محتاج ، به خدمت شخص کریم می برد ، یقین است آن کریم ملاحظه قیمت هدیه را نمی کند ، بلکه به مقتضای کرم خود انعام می فرماید ، بسا هست یک گل به او تعارف می کنند ، صد تومان انعام می دهد ، و همه کس او را تحسین می کند . در حدیث است که کنیزی از کنیزان حضرت امام حسین علیه السلام یک دانه گل به آن حضرت تعارف کرد ، آن جناب او را آزاد نمودند .

جواب سوّم : آنکه ، تمام این عطاها و ثوبات ، که به دعاء کننده در حق امام زمان علیه السلام عطاء می شود ، فی الحقیقه عطیه خداوند جلّ شأنه است ، به خود آن حضرت ، و اکرام آن حضرت است ، و واضح است که آن جناب استحقاق این مراتب ، و مافوق آنها را دارند ، مثلاً هرگاه شخص بزرگی ، شخص بزرگ دیگری را ضیافت نمود ، نسبت به هر یک از خادمان و اتباع و غلامان او ، احسانها و انعامهایی می کند ، که آنها به خودی خود ، لیاقت آنگونه تجلیلات را ندارند ، لکن به جهت انتساب و تعلقشان به آن شخص بزرگ ، مورد آن الطاف می شوند ، و اینها در حقیقت تجلیل

و احترام صاحب آنهاست ، و لهذا اگر اندکی کوتاهی در احترامات هر یک از آنها ، علی حَسَبِ مراتبهم بشود ، باعث تَکدُّرِ خاطر و گله آن شخص بزرگ می شود ، چنانچه کثرت ثوابها و عطاهائی هم که به زیارت کنندگان و گریه کنندگان حضرت سیّد الشّهداء ﴿عَلَيْهِ السَّلَام﴾ عنایت می شود ، از جهت انتساب و تعلق ایشان است به آن حضرت ، نه از جهت استحقاق خودشان .

﴿ بیت ﴾

نثار حسن جمال حبیب اگر آرند

دو عالمی ز کریمان عجب نپندارند

﴿ مطلب هفتم ﴾

در بیان اوقات و حالاتی که اهتمام و تأکید در دعاء نمودن از برای آن جناب ، و مسئلت تعجیل فرج آن حضرت بیش از سایر اوقات شده

و در این مختصر به ذکر جمله‌ای از آنها اکتفاء می‌نمایم :

أوّل : در قنوت نمازها ، چنانچه در قنوت‌های متعدّده از ائمه طاهرین علیهم‌السلام روایت شده ، از آن جمله در « مستدرک الوسائل » روایت است که حضرت صادق علیه‌السلام به شیعیان خود امر می‌فرمودند که : در قنوت نمازها ، بعد از کلمات فرج ^(۱) این دعا را بخوانند :

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ شُخِصَتِ الْأَبْصَارُ ، وَ نُقِلَتِ الْأَقْدَامُ ، وَ رُفِعَتِ
الْأَيْدِي ، وَ مَدَّتِ الْأَعْنَاقُ ، وَ أَنْتَ دُعِيتَ بِالْأَلْسُنِ ، وَ إِلَيْكَ
سِرُّهُمْ وَ نَجْوَاهُمْ فِي الْأَعْمَالِ ، رَبَّنَا أَفْتَحْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ قَوْمِنَا

۱ - لا إله إلا الله الحليم الكريم ، لا إله إلا الله العلي العظيم ، سبحان الله رب السموات السبع ، و رب الأرضين السبع ، و ما فيهن و ما بينهن و رب العرش العظيم .

بِالْحَقِّ ، وَ أَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ ، اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُوا إِلَيْكَ فَقْدَ
 نَبِيِّنَا ، وَ غَيْبَةَ إِمَامِنَا ، وَ قِلَّةَ عَدَدِنَا ، وَ كَثْرَةَ أَعْدَائِنَا ، وَ تَظَاهِرَ
 الْأَعْدَاءِ عَلَيْنَا ، وَ وَقُوعَ الْفِتَنِ بِنَا ، فَفَرِّجْ ذَالِكَ اللَّهُمَّ بِعَدْلِ
 تَظْهِرُهُ ، وَ إِمَامِ حَقِّ نَعْرِفُهُ ، إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ .

حقیر گوید : هر گاه نتواند این دعا را بخواند ، یا وقت تنگ باشد ،

کفایت می کند (۱) اینکه بگوید : اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ مَوْلَانَا صَاحِبِ
 الزَّمَانِ ، وَ عَجِّلْ خِزْيَ أَعْدَائِهِ .

دوّم : بعد از هر نماز واجب ، چنانچه ذکر خواهد شد .

سوّم : بعد از هر دو رکعت از نماز نافله شب .

چهارم : هر صبح و شام بخصوص .

پنجم : هر وقت آن حضرت را زیارت می کنی ، چنانچه شهید

(ره) در « دروس » فرموده .

ششم : هر وقت می خواهی برای خودت دعا کنی ، اوّل برای

آن جناب دعا کن ، بعد در حقّ خودت ، چنانچه از روایات و ادعیه

مستفاد می شود .

هفتم : روزهای پنجشنبه ، به خصوص . در « جمال الأسبوع »

۱ - یعنی کفایت می کند در صدق حصول دعاء ، به جهت تعجیل در ظهور

و فرج آن حضرت ، نه اینکه این عبارت به خصوص وارد شده باشد .

روایت فرموده که ، در روز پنجشنبه مستحب است که صد مرتبه بگویند : **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ** وَ أَهْلِكَ عَدُوَّهُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ ، مِنْ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ و از برای آن فضیلت بسیار است .

هشتم : روزهای جمعه ، خصوص وقت زوال ، و بعد از نماز ظهر و عصر آن . از حضرت صادق علیه السلام مروی است که : أفضل أعمال روز جمعه ، آنست که بعد از نماز عصر صد مرتبه بگوئی : **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ** .

نهم : روز عید ماه رمضان .

دهم : روز عید قربان .

یازدهم : روز عید غدیر .

دوازدهم : روز عرفه .

سیزدهم : روز بیست و پنجم ماه ذی قعدة ، که دحوالأرض است .

چهاردهم : شب نیمه ماه شعبان .

پانزدهم : روز نیمه شعبان .

شانزدهم : تمام ماه رمضان .

هفدهم : خصوص شبهای آن .

هیجدهم : خصوص شب قدر .

نوزدهم : خصوصِ روز بیست و یکم ماه رمضان ، بعد از نماز صبح .

بیستم : روز عاشورا .

و أدلّه هر یک را در کتاب « مکیال المکارم » ذکر کرده ام .

بیست و یکم : روز نوروز است ، به ملاحظه حدیث « مُعَلَّى بْنُ خُنَيْسٍ » که در « زاد المعاد » مسطور است که ، حضرت صادق ﴿عَلَيْهِ السَّلَامُ﴾ فرمودند : هیچ روز نوروزی نیست ، مگر آنکه ما انتظار فرج می کشیم ، پس مؤمن هم باید تأسی به امام خود نماید ، و در انتظار و دعاگوئی او اهتمام تمام نماید .

بیست و دوّم : هر وقت همّ و غمّی عارض می شود ، باید مخصوصاً دعای به امام زمان ﴿عَلَيْهِ السَّلَامُ﴾ نماید ، و طلب رفع همّ و غمّ آن حضرت را از حق تعالی بنماید ، چونکه از حضرت صادق ﴿عَلَيْهِ السَّلَامُ﴾ روایت شده که : هر وقت همّ و غمّی عارض قلب امام می شود ، آن غم ، اثر در قلوب شیعیانش می کند .

و از این جهت ، بعضی اوقات قلب مؤمن محزون و غمناک می شود ، با وجود آنکه جهتی ظاهراً ، از برای آن نمی یابد .

﴿ مطلب هشتم ﴾

(در بیان مداومت و اهتمام در دعای به وجود مبارک امام زمان (عج) و طلب فرج و ظهور آن حضرت) بدانکه فائز شدن به فوائد مذکوره، از برای دعا نمودن به تعجیل أمر فرج حضرت صاحب الزّمان ﴿علیه السلام﴾، به نحو کمال حاصل می شود به اینکه، شخص مداومت و اهتمام داشته باشد در دعای به وجود مبارک امام زمان ﴿علیه السلام﴾، و طلب فرج و ظهور آن حضرت از خداوند عالمیان جلّ شأنه، و اینکه این دعا را بسیار کند، و طلب فرج و ظهور او را، و رفع هموم و غموم را از قلب مبارک او از حق تعالی بسیار نماید، به هر زبان که باشد، چه فارسی، چه عربی، چه غیر آنها، لکن سزاوار است که در آن حال با کمال تضرّع و زاری دعا کند، مثل کسی که از برای عزیزترین اهل خودش دعا می کند در حال اضطرار او، و غرضش از دعا کردن به آن حضرت، محبت به حضرت حق تعالی شأنه، و حضرت رسول ﴿صلی الله علیه و آله﴾ و امام زمان ﴿علیه السلام﴾ باشد. و بهتر آن است که دعاهائی را که از ائمه اطهار ﴿علیهم السلام﴾ روایت شده، به جهت آن بزرگوار بخواند، و آنها بسیار است، و این حقیر در این مختصر، به

ذکر چند دعاء اکتفاء می نمایم :

أول : در « فقیه » از حضرت امام محمد تقی ﴿علیه السلام﴾ مرویست
که بعد از هر نماز واجب این دعا را بخوان :

رَضِيتُ بِاللّٰهِ رَبًّا ، وَ بِالْإِسْلَامِ دِينًا ، وَ بِالْقُرْآنِ كِتَابًا ،
وَ بِمُحَمَّدٍ ﴿صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ﴾ نَبِيًّا ، وَ بِعَلِيٍّ ﴿عَلَيْهِ السَّلَامُ﴾ وَلِيًّا ، وَ الْحَسَنِ
وَ الْحُسَيْنِ وَ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرِ بْنِ
مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ
وَ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ الْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ بْنِ
عَلِيٍّ ﴿عَلَيْهِ السَّلَامُ﴾ أُمَّةً ، اللَّهُمَّ وَلِيَّكَ الْحُجَّةُ ، فَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ
يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَ مِنْ فَوْقِهِ وَ مِنْ
تَحْتِهِ ، وَ أَمُدُّ لَهُ فِي عُمُرِهِ ، وَ أَجْعَلُهُ الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ ،
الْمُسْتَنْصِرَ لِدِينِكَ ، وَ أَرِهِ مَا يُحِبُّ ، وَ تَقَرَّبِهِ عَيْنُهُ ، فِي نَفْسِهِ
وَ ذُرِّيَّتِهِ وَ فِي أَهْلِهِ وَ مَالِهِ ، وَ فِي شِيعَتِهِ وَ فِي عَدُوِّهِ ،
وَ أَرِهِمْ مِنْهُ مَا يَحْذَرُونَ ، وَ أَرِهِ فِيهِمْ مَا يُحِبُّ ، وَ تَقَرَّبِهِ
عَيْنُهُ ، وَ أَشْفِ بِهِ صُدُورَنَا وَ صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ .

دوم : در « بحار » و غیره ، از حضرت صادق ﴿علیه السلام﴾ روایت

شده ، که این دعا را بعد از هر نماز بخوانند :

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، اللَّهُمَّ إِنَّ رَسُولَكَ

الصَّادِقَ الْمُصَدِّقَ الْأَمِينِ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، قَالَ إِنَّكَ
 قُلْتَ تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ، مَا تَرَدَّدْتُ فِي شَيْءٍ أَنَا فَاعِلُهُ
 كَتَرَدُّدِي فِي قَبْضِ رُوحِ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ، يَكْرَهُ الْمَوْتَ وَأَنَا
 أَكْرَهُ مَسَائِتَهُ، اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ
 لَوْلِيكَ الْفَرَجَ وَالنَّصْرَ وَالْعَافِيَةَ، وَلَا تَسُوْنِي فِي نَفْسِي
 وَلَا فِي أَحَدٍ مِنْ أَحِبَّتِي.

سوّم: در «فروع کافی» روایت شده، که این دعا را در هر حال
 و هر وقت بخوانند، خصوصاً در ماه رمضان، خصوص در شب
 بیست و سیّم آن، می گوئی بعد از حمد خدا، و صلوات بر خاتم
 انبیاء صلی الله علیه و آله:

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ، صَاحِبِ الزَّمَانِ
 عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ، فِي هَذِهِ السَّاعَةِ
 وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ، وَلِيّاً وَ حَافِظاً، وَ نَاصِراً وَ دَلِيلاً، وَ قَائِداً
 وَ عَيْناً، حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعاً، وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلاً

چهارم: در «جمال الأسبوع» از حضرت امام حسن
 عسکری علیه السلام روایت است که، باید صلوات فرستاد بر حضرت
 صاحب الأمر عجل الله تعالی فرجه، به این کیفیت.

مؤلف گوید: چونکه این صلوات مشتمل است بر دعای به آن

حضرت ، در هر حال و هر وقت مناسب است خواندن .

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَليِّكَ وَ ابْنِ أَوْلِيائِكَ ، الَّذِينَ فَرضْتَ طاعتَهُمْ ، وَ أَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ ، وَ أَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرِّجْسَ ، وَ طَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيراً ، اللَّهُمَّ أَنْصُرْهُ وَ أَنْتَصِرْ بِهِ لِدِينِكَ ، وَ أَنْصُرْ بِهِ أَوْلِيائِكَ ، وَ أَوْلِيائَهُ وَ شِيعَتَهُ وَ أَنْصارَهُ ، وَ اجْعَلْنَا مِنْهُمْ ، اللَّهُمَّ أعدَّهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ طاعٍ وَ باغٍ ، وَ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ ، وَ احْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ ، وَ أَحْرُسْهُ وَ أَمْنَعْهُ مِنْ أَنْ يُوصلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ ، وَ احْفَظْ فِيهِ رَسولَكَ ، وَ آلَ رَسولِكَ ، وَ أَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ وَ أَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ ، وَ أَنْصُرْ ناصِرِيهِ ، وَ اخْذُلْ خاذِلِيهِ ، وَ أَقْصِمْ بِهِ جَبابِرَةَ الْكُفْرَةِ ، وَ أَقْتُلْ بِهِ الْكُفَّارَ وَ الْمُنَافِقِينَ ، وَ جَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ ، حَيْثُ كانوا مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا ، وَ بَرِّها وَ بَحْرِها وَ سَهْلِها وَ جَبَلِها ، وَ أَمَلأْ بِه الْأَرْضَ عَدْلاً ، وَ أَظْهِرْ بِه دِينَ نَبِيِّكَ ، عَلَيْهِ وَ آلِهِ السَّلَامُ ، وَ اجْعَلْنِي اللَّهُمَّ مِنْ أَنْصارِهِ وَ أَعوانِهِ وَ أَتباعِهِ وَ شِيعَتِهِ ، وَ أَرِنِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ ﴿صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ﴾ مَا يَأْمُلُونَ ، وَ فِي عَدُوِّهِمْ مَا يَحْذَرُونَ ، إِلَهَ الْحَقِّ رَبِّ الْعَالَمِينَ ، آمِينَ .

پنجم : دعائی است که در « جمال الأسبوع » ، از حضرت امام

رضا علیه السلام روایت شده ، که دعا نمایند به حضرت حجّة ، عجل الله تعالی فرجه ، به این دعاء ، و این دعاء وقت مخصوصی ندارد ، بلکه هر وقت بتوانند این دعای شریف را بخوانند ، و این عاصی را به دعای خیر یاد کنند .

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ ، وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ادْفَعْ عَنْ وَلِيِّكَ
وَ خَلِيفَتِكَ وَ حُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ ، وَ لِسَانِكَ الْمُعَبَّرِ عَنْكَ
بِإِذْنِكَ ، النَّاطِقِ بِحِكْمَتِكَ ، وَ عَيْنِكَ النَّاطِرَةِ فِي بَرِيَّتِكَ ،
وَ شَاهِدِكَ عَلَى عِبَادِكَ ، الْحَاجِّ الْمُجَاهِدِ الْمُجْتَهِدِ ، عَبْدِكَ
الْغَائِذِ بِكَ ، اللَّهُمَّ وَ اَعِذْهُ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقْتَ وَ ذَرَأْتَ وَ بَرَأْتَ
وَ أَنْشَأْتَ وَ صَوَّرْتَ ، وَ أَحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ
وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَ مِنْ فَوْقِهِ وَ مِنْ تَحْتِهِ ، بِحِفْظِكَ
الَّذِي لَا يَضِيعُ مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ ، وَ أَحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَ وَصِيَّ
رَسُولِكَ وَ آبَاءَهُ ، أَيْمَتَكَ وَ دَعَائِمَ دِينِكَ ، صَلَوَاتِكَ
عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ ، وَ اجْعَلْهُ فِي وَدِيعَتِكَ الَّتِي لَا تَضِيعُ ، وَ فِي
جِوَارِكَ الَّذِي لَا يُخْفَرُ ، وَ فِي مَنَعِكَ وَ عِزِّكَ الَّذِي لَا يُقْهَرُ ،
اللَّهُمَّ وَ آمِنُهُ بِأَمَانِكَ الْوَثِيقِ الَّذِي لَا يُخَذَلُ مَنْ آمَنَتْهُ بِهِ ،
وَ اجْعَلْهُ فِي كَنَفِكَ الَّذِي لَا يُضَامُ مَنْ كَانَ فِيهِ ، وَ أَنْصُرْهُ
بِنَصْرِكَ الْعَزِيزِ ، وَ أَيِّدْهُ بِجُنْدِكَ الْغَالِبِ ، وَ قَوِّهِ بِقُوَّتِكَ ،

وَ أَرْدِفُهُ بِمَلَائِكَتِكَ ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالِ الْآهَ ، وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ ،
 وَ أَلْبِسْهُ دِرْعَكَ الْحَصِينَةَ ، وَ حُفَّهُ بِالْمَلَائِكَةِ حَفًّا ، اللَّهُمَّ
 وَ بَلِّغْهُ أَفْضَلَ مَا بَلَّغْتَ الْقَائِمِينَ بِقِسْطِكَ ، مِنْ أَتْبَاعِ النَّبِيِّينَ ،
 اللَّهُمَّ أَشْعَبْ بِهِ الصَّدْعَ ، وَ أَرْتُقْ بِهِ الْفَتْقَ ، وَ أَمِتْ بِهِ الْجَوْرَ ،
 وَ أَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ ، وَ زَيِّنْ بِطَوْلِ بَقَائِهِ الْأَرْضَ ، وَ أَيِّدْهُ
 بِالنَّصْرِ ، وَ أَنْصُرْهُ بِالرُّعْبِ ، وَ أَفْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا ، وَ اجْعَلْ
 لَهُ مِنْ لَدُنْكَ عَلَى عَدُوِّكَ وَ عَدُوِّهِ سُلْطَانًا نَصِيرًا ، اللَّهُمَّ
 اجْعَلْهُ الْقَائِمَ الْمُنْتَظَرَ ، وَ الْإِمَامَ الَّذِي بِهِ تَنْتَصِرُ ، وَ أَيِّدْهُ
 بِنَصْرِ عَزِيزٍ ، وَ فَتَحَ قَرِيبٍ ، وَ وَرَثَهُ مَشَارِقَ الْأَرْضِ
 وَ مَغَارِبَهَا اللَّاتِي بَارَكْتَ فِيهَا ، وَ أَحْيِ بِهِ سُنَّةَ نَبِيِّكَ ،
 صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ، حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ ،
 مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ ، وَ قَوِّ نَاصِرَهُ وَ أَخْذُلْ خَائِذَهُ ، وَ دَمِّمْ
 عَلَى مَنْ نَصَبَ لَهُ ، وَ دَمَّرْ عَلَى مَنْ غَشَّه ، اللَّهُمَّ وَ أَقْتُلْ بِهِ
 جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ وَ عُمَدَهُ وَ دَعَائِمَهُ ، وَ الْقَوَّامِ بِهِ ، وَ أَقْصِمْ بِهِ
 رُؤُوسَ الضَّلَالَةِ ، وَ شَارِعَةَ الْبِدْعَةِ ، وَ مُمَيِّتَةَ السُّنَّةِ ، وَ مُقَوِّتَةَ
 الْبَاطِلِ ، وَ أَذِلِّ بِهِ الْجَبَّارِينَ ، وَ أَبْرِ^(١) بِهِ الْكَافِرِينَ

١ - أْبْرَ بِكسْر الباء و سكون الرّاء ، يعنى : هلاك فرما به ظهور او ، كافرين را .

و الْمُنَافِقِينَ ، وَ جَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ ، حَيْثُ كَانُوا وَ أَيْنَ كَانُوا
 مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا وَ سَهْلِهَا
 وَ جَبَلِهَا ، حَتَّى لَا تَدَعَ مِنْهُمْ دِيَاراً ، وَ لَا تُبْقِ لَهُمْ آثَاراً ، اللَّهُمَّ
 وَ طَهِّرْ مِنْهُمْ بِلَادَكَ وَ أَشْفِ مِنْهُمْ عِبَادَكَ وَ أَعِزِّ بِهِ
 الْمُؤْمِنِينَ ، وَ أَحْيِ بِهِ سُنَنَ الْمُرْسَلِينَ ، وَ دَارِسَ حُكْمِ النَّبِيِّينَ
 وَ جَدِّدْ بِهِ مَا مَحَى مِنْ دِينِكَ ، وَ بَدِّلْ مِنْ حُكْمِكَ ، حَتَّى
 تُعِيدَ دِينَكَ بِهِ وَ عَلَى يَدَيْهِ غَضّاً جَدِيداً ، صَاحِحاً مَحْضاً ، لَا
 عِوَجَ فِيهِ وَ لَا بِدْعَةَ مَعَهُ ، حَتَّى تُنِيرَ بَعْدْلِهِ ظُلَمَ الْجَوْرِ ،
 وَ تُطْفِئَ بِهِ نِيرَانَ الْكُفْرِ ، وَ تُظْهِرَ بِهِ مَعَاقِدَ الْحَقِّ ،
 وَ مَجْهُولَ الْعَدْلِ ، وَ تُوضِحَ بِهِ مُشْكَلاتِ الْحُكْمِ ، اللَّهُمَّ
 وَ إِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ ، وَ أَصْطَفَيْتَهُ مِنْ
 خَلْقِكَ ، وَ أَصْطَفَيْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ ، وَ اسْتَمْتَهُ عَلَى غَيْبِكَ ،
 وَ عَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ ، وَ بَرَّأْتَهُ مِنَ الْعُيُوبِ وَ طَهَّرْتَهُ مِنَ
 الرَّجْسِ ، وَ صَرَفْتَهُ عَنِ الدَّنَسِ ، وَ سَلَّمْتَهُ مِنَ الرَّيْبِ ، اللَّهُمَّ
 فَإِنَّا نَشْهَدُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ يَوْمَ حُلُولِ الطَّامَّةِ ، أَنَّهُ لَمْ يُذْنِبْ
 ذَنْباً ، وَ لَمْ يَأْتِ حُوباً ، وَ لَمْ يَرْتَكِبْ لَكَ مَعْصِيَةً ، وَ لَمْ يُضَيِّعْ
 لَكَ طَاعَةً ، وَ لَمْ يَهْتِكْ لَكَ حُرْمَةً ، وَ لَمْ يُبَدِّلْ لَكَ فَرِيضَةً
 وَ لَمْ يُغَيِّرْ لَكَ شَرِيعَةً ، وَ إِنَّهُ الْإِمَامُ التَّقِيُّ الْهَادِي الْمُهْتَدِي ،

الطَّاهِرُ النَّقِيُّ الْوَفِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ ، اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيْهِ
 وَ عَلَى آبَائِهِ ، وَ أَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَ وَ لَدِهِ وَ أَهْلِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ
 وَ أُمَّتِهِ وَ جَمِيعَ رَعِيَّتِهِ ، مَا تُقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ ، وَ تَسْرُّ بِهِ نَفْسُهُ ،
 وَ تَجْمَعُ لَهُ مُلْكُ الْمَمْلَكَاتِ كُلِّهَا ، قَرِيبَهَا وَ بَعِيدَهَا ،
 وَ عَزِيزَهَا وَ ذَلِيلَهَا ، حَتَّى يَجْرِيَ حُكْمُهُ عَلَى كُلِّ حُكْمٍ ،
 وَ يَغْلِبَ بِحَقِّهِ كُلَّ بَاطِلٍ ، اللَّهُمَّ وَ أَسْأَلُكَ بِمَا عَلَى يَدَيْهِ مِنْهَاجِ
 الْهُدَى وَ الْمَحَجَّةِ الْعُظْمَى ، وَ الطَّرِيقَةَ الْوَسْطَى ، الَّتِي
 يَرْجِعُ إِلَيْهَا الْغَالِي ، وَ يَلْحَقُ بِهَا التَّالِي ، اللَّهُمَّ وَ قَوِّنَا عَلَى
 طَاعَتِهِ ، وَ ثَبِّتْنَا عَلَى مُشَايَعَتِهِ ، وَ أَمِّنْ عَلَيْنَا بِمُتَابَعَتِهِ ،
 وَ اجْعَلْنَا فِي حِزْبِهِ الْقَوَّامِينَ بِأَمْرِهِ ، الصَّابِرِينَ مَعَهُ ، الطَّالِبِينَ
 رِضَاكَ بِمُنَاصَحَتِهِ ، حَتَّى تَحْشُرْنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي أَنْصَارِهِ
 وَ أَعْوَانِهِ وَ مُقَوِّوَةِ سُلْطَانِهِ ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ
 مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْ ذَلِكَ كُلَّهُ مِنَّا خَالِصًا مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَ شُبْهَةٍ
 وَ رِيَاءٍ وَ سُمْعَةٍ ، حَتَّى لَا نَعْتَمِدَ بِهِ غَيْرَكَ ، وَ لَا نَطْلُبَ بِهِ إِلَّا
 وَجْهَكَ ، وَ حَتَّى نُحِلَّنَا مَحَلَّهُ وَ تَجْعَلْنَا فِي الْجَنَّةِ مَعَهُ ، وَ لَا
 تَبْتَلِنَا فِي أَمْرِهِ بِالسَّامَةِ وَ الْكَسَلِ وَ الْفِتْرَةِ وَ الْفَشْلِ ، وَ اجْعَلْنَا
 مِنْ مَنْ تَنْصِرُ بِهِ لِدِينِكَ ، وَ تُعِزُّ بِهِ نَصْرَ وَ لِيِّكَ ، وَ لَا تَسْتَبْدِلُ
 بِنَا غَيْرَنَا ، فَإِنَّ أَسْتَبْدَلَكَ بِنَا غَيْرَنَا عَلَيْكَ يَسِيرٌ ، وَ هُوَ عَلَيْنَا

كَبِيرٌ ، اِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ، اَللّٰهُمَّ وَ صَلِّ عَلٰى وُلَاةِ
 عَهْدِهِ ، وَ بَلِّغْهُمْ اَمَالَهُم ، وَ زِدْ فِيْ اَجَالِهِمْ ، وَ اَنْصُرْهُمْ
 وَ تَمِّمْ لَهُمْ مَا اَسْنَدْتَ اِلَيْهِمْ مِنْ اَمْرِ دِيْنِكَ ، وَ اَجْعَلْنَا لَهُمْ
 اَعْوَانًا ، وَ عَلٰى دِيْنِكَ اَنْصَارًا ، وَ صَلِّ عَلٰى اَبَائِهِ الطَّاهِرِيْنَ
 الْاَيْمَّةِ الرَّاشِدِيْنَ ، اَللّٰهُمَّ فَاِنَّهُمْ مَعَادِنُ كَلِمَاتِكَ ، وَ خُزَّانُ
 عِلْمِكَ ، وَ وُلَاةُ اَمْرِكَ ، وَ خَالِصَتِكَ مِنْ عِبَادِكَ ،
 وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ ، وَ اَوْلِيَاؤِكَ وَ سَلَاةِلْ اَوْلِيَاؤِكَ ،
 وَ صِفْوَتِكَ وَ اَوْلَادُ اَصْفِيَاؤِكَ ، صَلَوَاتِكَ وَ رَحْمَتِكَ
 وَ بَرَكَاتِكَ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِيْنَ ، اَللّٰهُمَّ وَ شُرَكَاءُوهُ فِيْ اَمْرِهِ
 وَ مُعَاوِنُوهُ عَلٰى طَاعَتِكَ الَّذِيْنَ جَعَلْتَهُمْ حِصْنَهُ وَ سِلَاحَهُ
 وَ مَفْرَعَهُ وَ اُنْسَهُ ، الَّذِيْنَ سَلَوَا عَنِ الْاَهْلِ وَ الْاَوْلَادِ وَ تَجَافَوْا
 الْوَطْنَ وَ عَطَّلُوْا الْوَتِيْرَ مِنَ الْمِهَادِ ، قَدْ رَفَضُوْا تِجَارَاتِهِمْ ،
 وَ اَضْرَبُوْا بِمَعَايِشِهِمْ ، وَ فُقِدُوْا فِيْ اَنْدِيَّتِهِمْ بِغَيْرِ غَيْبَةٍ عَنْ
 مِصْرِهِمْ ، وَ خَالَفُوْا الْبَعِيْدَ مِمَّنْ عَاضَدَهُمْ عَلٰى اَمْرِهِمْ ،
 وَ خَالَفُوْا الْقَرِيْبَ مِمَّنْ صَدَّ عَنْ وِجْهَتِهِمْ ، وَ اَتْتَلَفُوْا بَعْدَ
 التَّدَابُرِ وَ التَّقَاطُعِ فِيْ دَهْرِهِمْ ، وَ قَطَعُوْا الْاَسْبَابَ الْمُتَّصِلَةَ
 بِعَاجِلِ حُطَامٍ مِنَ الدُّنْيَا ، فَاَجْعَلْهُمْ اَللّٰهُمَّ فِيْ حِرْزِكَ وَ فِي
 ظِلِّ كَنَفِكَ ، وَ رُدَّ عَنْهُمْ بِاَسْ مَنْ قَصَدَ اِلَيْهِمْ بِالْعِدَاوَةِ مِنْ

خَلَقَكَ ، وَ أَجْزَلُ لَهُمْ مِنْ دَعْوَتِكَ مِنْ كِفَايَتِكَ وَ مَعُونَتِكَ لَهُمْ ، وَ تَأْيِيدِكَ وَ نَصْرِكَ أَيَّاهُمْ ، مَا تُعِينُهُمْ بِهِ عَلَى طَاعَتِكَ وَ أَزْهَقُ بِحَقِّهِمْ بَاطِلَ مَنْ أَرَادَ إِطْفَاءَ نُورِكَ ، وَ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ، وَ أَمَلْنَا بِهِمْ كُلَّ أَفْقٍ مِنَ الْأَفَاقِ ، وَ قَطْرٍ مِنَ الْأَقْطَارِ ، قِسْطًا وَ عَدْلًا وَ مَرَحْمَةً وَ فَضْلًا وَ أَشْكُرُ لَهُمْ عَلَى حَسَبِ كَرَمِكَ وَ جُودِكَ ، وَ مَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَى الْقَائِمِينَ بِالْقِسْطِ مِنْ عِبَادِكَ ، وَ أَذْخَرُ لَهُمْ مِنْ ثَوَابِكَ مَا تَرَفَعُ لَهُمْ بِهِ الدَّرَجَاتِ ، إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَ تَحْكُمُ مَا تُرِيدُ ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ .

ششم : صلواتی است که از خود آن حضرت ﴿عَلَيْهِ السَّلَامُ﴾ در « جمال الاسبوع » و « بحار » روایت شده (۱) و مشتمل است بر دعای به جهت آن جناب ، و صلوات بر آن حضرت ، صلوات الله علیه :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ ، وَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ ،
 وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ، الْمُتَّجِبِ فِي الْمِيثَاقِ ، الْمُصْطَفَى فِي

۱ - و در « جمال الصالحين » این صلوات را در جمله ادعیه شب نصف ماه شعبان ذکر فرموده است ، لکن ظاهر از روایت این است که اختصاص به وقتی نداشته باشد .

الظَّلَالِ ، الْمُطَهَّرِ مِنْ كُلِّ آفَةٍ ، الْبَرِيِّ مِنْ كُلِّ عَيْبٍ ، الْمُؤَمَّلِ
 لِلنَّجَاةِ ، الْمُرْتَجَى لِلشَّفَاعَةِ ، الْمَفْوُضِ إِلَيْهِ دِينُ اللَّهِ . اللَّهُمَّ
 شَرِّفْ بُنْيَانَهُ ، وَ عَظِّمْ بُرْهَانَهُ ، وَ أَفْلِحْ حُجَّتَهُ ، وَ أَرْفَعْ دَرَجَتَهُ ،
 وَ أَضِيْ نُورَهُ ، وَ بَيِّضْ وَجْهَهُ ، وَ أَعْطِهِ الْفَضْلَ وَ الْفَضِيلَةَ
 وَ الدَّرَجَةَ وَ الْوَسِيلَةَ الرَّفِيعَةَ ، وَ أْبْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا يَغْبِطُهُ
 بِهِ الْأَوْلُونَ وَ الْآخِرُونَ ، وَ صَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ،
 وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ ، وَ قَائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ ، وَ سَيِّدِ
 الْوَصِيِّينَ ، وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ، وَ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ
 عَلِيٍّ ، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ ، وَ حُجَّةِ رَبِّ
 الْعَالَمِينَ ، وَ صَلِّ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ ،
 وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ ، وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ، وَ صَلِّ عَلَى
 عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ، سَيِّدِ الْعَابِدِينَ ، وَ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ ،
 وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ ، وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ، وَ صَلِّ عَلَى
 مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ ،
 وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ، وَ صَلِّ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ، إِمَامِ
 الْمُؤْمِنِينَ ، وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ ، وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ،
 وَ صَلِّ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ ، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَ وَارِثِ
 الْمُرْسَلِينَ ، وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ، وَ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ

مُوسَى ، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ ، وَ حُجَّةِ رَبِّ
 الْعَالَمِينَ ، وَ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ ،
 وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ ، وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ، وَ صَلَّى عَلَى
 عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ ، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ ،
 وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ، وَ صَلَّى عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ، إِمَامِ
 الْمُؤْمِنِينَ ، وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ ، وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ،
 وَ صَلَّى عَلَى الْخَلْفِ الصَّالِحِ الْهَادِي الْمَهْدِيِّ ، إِمَامِ الْهُدَى ،
 إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ ، وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ،
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ ، الْأَيْمَةِ الْهَادِيْنَ ،
 الْعُلَمَاءِ الصَّادِقِينَ ، الْأَبْرَارِ الْمُتَّقِينَ ، دَعَائِمِ دِينِكَ وَ أَرْكَانِ
 تَوْحِيدِكَ ، وَ تَرَاجِمَةِ وَحْيِكَ ، وَ حُجَجِكَ عَلَى خَلْقِكَ ،
 وَ خُلَفَائِكَ فِي أَرْضِكَ ، الَّذِينَ أَخْتَرْتَهُمْ لِنَفْسِكَ ،
 وَ أَضْطَفَيْتَهُمْ عَلَى عِبَادِكَ ، وَ أَرْتَضَيْتَهُمْ لِدِينِكَ ،
 وَ خَصَصْتَهُمْ بِمَعْرِفَتِكَ ، وَ جَلَّلْتَهُمْ بِكَرَامَتِكَ ، وَ غَشَّيْتَهُمْ
 بِرَحْمَتِكَ ، وَ رَبَّيْتَهُمْ بِنِعْمَتِكَ ، وَ غَذَّيْتَهُمْ بِحِكْمَتِكَ ،
 وَ أَلْبَسْتَهُمْ نُورَكَ ، وَ رَفَعْتَهُمْ فِي مَلَكُوتِكَ ، وَ حَفَفْتَهُمْ
 بِمَلَأَيْكَتِكَ ، وَ شَرَّفْتَهُمْ بِنَبِيِّكَ ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ .
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَيْهِمْ صَلَوةً كَثِيرَةً دَائِمَةً طَيِّبَةً ،

لَا يُحِيطُ بِهَا إِلَّا أَنْتَ ، وَ لَا يَسَعُهَا إِلَّا عِلْمُكَ ، وَ لَا يُحْصِيهَا
 أَحَدٌ غَيْرُكَ ، اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى وَ لِيِّكَ ، الْمُخْيِي سُنَّتِكَ ،
 الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ ، الدَّاعِي إِلَيْكَ ، الدَّلِيلِ عَلَيْكَ ، وَ حُجَّتِكَ
 عَلَى خَلْقِكَ ، وَ خَلِيفَتِكَ فِي أَرْضِكَ ، وَ شَاهِدِكَ عَلَى
 عِبَادِكَ . اللَّهُمَّ أَعِزِّ نَصْرَهُ ، وَ مَدِّ فِي عُمُرِهِ ، وَ زَيِّنِ الْأَرْضَ
 بِطَوْلِ بَقَائِهِ . اللَّهُمَّ أَكْفِهِ بَغْيَ الْحَاسِدِينَ ، وَ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ
 الْكَائِدِينَ ، وَ أَرْجُرْ عَنْهُ إِرَادَةَ الظَّالِمِينَ ، وَ خَلِّصْهُ مِنْ أَيْدِي
 الْجَبَّارِينَ . اللَّهُمَّ أَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ وَ شَيْعَتِهِ وَ رَعِيَّتِهِ
 وَ خَاصَّتِهِ وَ عَامَّتِهِ وَ عَدُوَّهُ ، وَ جَمِيعِ أَهْلِ الدُّنْيَا ، مَا تُقَرُّ بِهِ
 عَيْنُهُ ، وَ تَسْرُّ بِهِ نَفْسُهُ ، وَ بَلَّغْهُ أَفْضَلَ مَا أَمَّلَهُ فِي الدُّنْيَا
 وَ الْآخِرَةِ ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . اللَّهُمَّ جَدِّدْ بِهِ مَا مَحَى
 مِنْ دِينِكَ ، وَ أَحْيِ بِهِ مَا بُدِّلَ مِنْ كِتَابِكَ ، وَ أَظْهِرْ بِهِ مَا غُبِرَ
 مِنْ حُكْمِكَ ، حَتَّى يَعُودَ دِينُكَ بِهِ وَ عَلَى يَدَيْهِ غَضًّا جَدِيداً
 خَالِصاً مُخْلِصاً لَا شَكَّ فِيهِ ، وَ لَا شُبُهَةَ مَعَهُ ، وَ لَا بَاطِلَ عِنْدَهُ
 وَ لَا بِدْعَةَ لَدَيْهِ . اللَّهُمَّ نَوِّرْ بِنُورِهِ كُلَّ ظُلْمَةٍ ، وَ هُدِّ بِرُكْنِهِ كُلَّ
 بِدْعَةٍ ، وَ أَهْدِمْ بِعِزَّتِهِ كُلَّ ضَلَالَةٍ ، وَ أَقْصِمْ بِهِ كُلَّ جَبَّارٍ ،
 وَ أَخْمِدْ بِسَيْفِهِ كُلَّ نَارٍ ، وَ أَهْلِكْ بِعَدْلِهِ كُلَّ جَبَّارٍ ، وَ أَجْرِ
 حُكْمَهُ عَلَى كُلِّ حُكْمٍ ، وَ أَذِلَّ بِسُلْطَانِهِ كُلَّ سُلْطَانٍ . اللَّهُمَّ أَذِلَّ

كُلِّ مَنْ نَاوَاهُ، وَ أَهْلِكَ كُلِّ مَنْ عَادَاهُ، وَ أَمْكُرِ بِمَنْ كَادَهُ،
 وَ اسْتَأْصِلْ مَنْ جَحَدَ حَقَّهُ، وَ اسْتَهَانَ بِأَمْرِهِ، وَ سَعَى فِي
 إِطْفَاءِ نُورِهِ، وَ أَرَادَ إِخْمَادَ ذِكْرِهِ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ
 الْمُصْطَفٰى، وَ عَلٰى الْمُرْتَضٰى، وَ فَاطِمَةَ الزَّهْرٰاءِ، وَ الْحَسَنِ
 الرِّضٰا، وَ الْحُسَيْنِ الْمُصْطَفٰى، وَ جَمِيعِ الْأَوْصِيَاءِ، مَصَابِيحِ
 الدُّجٰى، وَ أَعْلَامِ الْهُدٰى، وَ مَنَارِ التَّقٰى، وَ الْعُرْوَةِ الْوُثْقٰى،
 وَ الْحَبْلِ الْمَتِينِ، وَ الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ، وَ صَلِّ عَلٰى وَلِيِّكَ
 وَ وِلَاةِ عَهْدِكَ، وَ الْأَيْمَةِ مِنْ وُلْدِهِ، وَ مُدِّ فِي أَعْمَارِهِمْ،
 وَ زِدْ فِي آجَالِهِمْ، وَ بَلِّغْهُمْ أَفْضَلَ آمَالِهِمْ، دِينًا وَ دُنْيَا وَ آخِرَةً
 إِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

﴿ خاتمه ﴾

کیفیت زیارت حضرت صاحب الزمان ﴿عجله﴾

(زیارت آل یاسین)

در کتاب « احتجاج » مروی است که حضرت صاحب الأمر عجل الله تعالی فرجه ، در توقیع شریف به سوی « محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری » امر فرموده بودند که ، هرگاه بخواهید مرا زیارت کنید ، و به سوی من توجه نمائید ، پس چنین زیارت کنید و بگوئید :

سَلَامٌ عَلٰی آلِ یَسٍّ . السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَ رَبَّانِیَّ
 آیَاتِهِ . السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَابَ اللَّهِ وَ دِيَانَ دِينِهِ . السَّلَامُ
 عَلَیْكَ يَا خَلِیْفَةَ اللَّهِ وَ نَاصِرَ حَقِّهِ . السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ
 وَ دَلِیْلَ اِرَادَتِهِ . السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا تَالِیَ كِتَابِ اللَّهِ وَ تَرْجُمَانَهُ
 السَّلَامُ عَلَیْكَ فِي اَنَاءِ لَيْلِكَ وَ اطْرَافِ نَهَارِكَ . السَّلَامُ
 عَلَیْكَ يَا بَقِیَّةَ اللَّهِ فِي اَرْضِهِ . السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مِثْقَالَ اللَّهِ
 الَّذِیْ اَخَذَهُ وَ وَكَّدَهُ . السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِیْ ضَمِنَهُ
 السَّلَامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ ، وَ الْعِلْمُ الْمَضْبُوبُ ،
 وَ الْغَوْثُ وَ الرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ ، وَ عِدَا غَیْرِ مَكْذُوبٍ . السَّلَامُ

عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ . السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْعُدُ . السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْرَأُ وَ تُبَيِّنُ . السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصَلِّي وَ تَقْنُتُ . السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَرْكَعُ وَ تَسْجُدُ . السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُهَلِّلُ وَ تُكَبِّرُ . السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَحْمَدُ وَ تَسْتَغْفِرُ . السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصْبِحُ وَ تُمَسِي . السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى ، وَ النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى . السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمَأْمُونُ . السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُقَدَّمُ الْمَأْمُولُ . السَّلَامُ عَلَيْكَ بِجَوَامِعِ السَّلَامِ . أَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ أَنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ، وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ ، لَا حَبِيبَ إِلَّا هُوَ وَ أَهْلُهُ ، وَ أَشْهَدُ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتَهُ وَ الْحَسَنَ حُجَّتَهُ ، وَ الْحُسَيْنَ حُجَّتَهُ ، وَ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ حُجَّتَهُ ، وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ ، وَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتَهُ ، وَ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ حُجَّتَهُ ، وَ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى حُجَّتَهُ ، وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ ، وَ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتَهُ ، وَ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ ، وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ ، أَنْتُمْ الْأَوَّلُ وَ الْآخِرُ ، وَ أَنَّ رَجَعْتَكُمْ حَقًّا لَا شَكَّ فِيهَا يَوْمَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ ، أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا ، وَ أَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ ، وَ أَنَّ نَاكِرًا وَ نَكِيرًا حَقٌّ ، وَ أَشْهَدُ أَنَّ النَّشْرَ

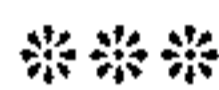
وَأَلْبَعَثَ حَقٌّ ، وَ أَنَّ الصِّرَاطَ وَ الْمِرْصَادَ حَقٌّ ، وَ الْمِيزَانَ حَقٌّ
 وَ الْحِسَابَ حَقٌّ ، وَ الْجَنَّةَ حَقٌّ ، وَ النَّارَ حَقٌّ ، وَ الْوَعْدَ
 وَ الْوَعِيدَ بِهِمَا حَقٌّ ، يَا مَوْلَايَ شَقِيَ مَنْ خَالَفَكَمْ وَ سَعِدَ مَنْ
 أَطَاعَكُمْ ، فَاشْهَدْ عَلَيَّ مَا أَشْهَدُكَ عَلَيْهِ ، وَ أَنَا وَلِيُّ لَكَ
 بَرِيءٌ مِنْ عَدُوِّكَ . فَالْحَقُّ مَا رَضِيْتُمُوهُ وَ الْبَاطِلُ مَا
 سَخِطْتُمُوهُ ، وَ الْمَعْرُوفُ مَا أَمَرْتُمْ بِهِ ، وَ الْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ
 عَنْهُ ، فَانْفَسِي مُؤْمِنَةً بِاللَّهِ وَ حِدَةً لِأَشْرِيكَ لَهُ ، وَ بِرَسُولِهِ
 وَ بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ بِكُمْ ، يَا مَوْلَايَ ، أَوْلِيكُمْ وَ آخِرِكُمْ ،
 وَ نُصْرَتِي مُعَدَّةٌ لَكُمْ ، وَ مَوَدَّتِي خَالِصَةٌ لَكُمْ ، آمِينَ آمِينَ .

دعائی که بعد از این زیارت باید خوانده شود

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ رَحْمَتِكَ ،
 وَ كَلِمَةَ نُورِكَ ، وَ أَنْ تَمْلَأَ قَلْبِي نُورَ الْيَقِينِ ، وَ صَدْرِي نُورَ
 الْإِيمَانِ ، وَ فِكْرِي نُورَ الْبَيَانِ (الْنِّيَّاتِ خ ل) ، وَ عَزْمِي نُورَ
 الْعِلْمِ ، وَ قُوَّتِي نُورَ الْعَمَلِ ، وَ لِسَانِي نُورَ الصِّدْقِ ، وَ دِينِي
 نُورَ الْبَصَائِرِ مِنْ عِنْدِكَ ، وَ بَصْرِي نُورَ الضِّيَاءِ ، وَ سَمْعِي
 نُورَ الْحِكْمَةِ ، وَ مَوَدَّتِي نُورَ الْمُوَالَاةِ لِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ عَلَيْهِمُ
 السَّلَامُ ، حَتَّى الْفُتَاكَ وَ قَدْ وَفَيْتُ بِعَهْدِكَ وَ مِيثَاقِكَ ،

فَيَسَعْنِي رَحْمَتِكَ ، يَا وَلِيَّيَ يَا حَمِيدَ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى (مُحَمَّدٍ
 خ) حُجَّتِكَ فِي أَرْضِكَ ، وَ خَلِيفَتِكَ فِي بِلَادِكَ ، وَ الدَّاعِي
 إِلَى سَبِيلِكَ ، وَ الْقَائِمِ بِقِسْطِكَ ، وَ الثَّائِرِ بِأَمْرِكَ ، وَ لِيَّ
 الْمُؤْمِنِينَ ، وَ بَوَارِ الْكَافِرِينَ ، وَ مُجَلِّي الظُّلْمَةِ ، وَ مُنِيرِ الْحَقِّ
 وَ النَّاطِقِ بِالْحِكْمَةِ وَ الصِّدْقِ ، وَ كَلِمَتِكَ الثَّامَّةِ فِي أَرْضِكَ
 الْمُرْتَقِبِ الْخَائِفِ ، وَ الْوَلِيِّ النَّاصِحِ ، سَفِينَةِ النَّجَاةِ ، وَ عِلْمِ
 الْهُدَى ، وَ نُورِ أَبْصَارِ الْوَرَى ، وَ خَيْرِ مَنْ تَقَمَّصَ وَ ارْتَدَى ،
 وَ مُجَلِّي الْعَمَى ، الَّذِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا ، كَمَا
 مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . اللَّهُمَّ صَلِّ
 عَلَى وَلِيِّكَ وَ ابْنِ أَوْلِيَائِكَ ، الَّذِينَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ ،
 وَ أَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ ، وَ أَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ ، وَ طَهَّرْتَ تَهُمْ
 تَطْهِيرًا . اللَّهُمَّ أَنْصُرْهُ وَ أَنْتَصِرْ بِهِ لِدِينِكَ ، وَ أَنْصُرْ بِهِ
 أَوْلِيَاءَكَ ، وَ أَوْلِيَاءَهُ وَ شِيعَتَهُ وَ أَنْصَارَهُ ، وَ اجْعَلْنَا مِنْهُمْ .
 اللَّهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَ طَاغٍ ، وَ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ ،
 وَ أَحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ ،
 وَ أَحْرُسْهُ وَ أَمْنَعْهُ مِنْ أَنْ يُوَصَلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ ، وَ أَحْفَظْ فِيهِ
 رَسُولَكَ وَ آلَ رَسُولِكَ ، وَ أَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ ، وَ أَيْدِهُ بِالنَّصْرِ ،
 وَ أَنْصُرْ نَاصِرِيهِ ، وَ أَخْذُلْ خَاذِلِيهِ ، وَ أَقْصِمْ قَاصِمِيهِ ،

وَ أَقْصِمُ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ ، وَ أَقْتُلُ بِهِ الْكُفَّارَ وَ السُّنَافِقِينَ ،
 وَ جَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ ، حَيْثُ كَانُوا مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ
 وَ مَغَارِبِهَا ، وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا ، وَ أَمْلَاءَ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا ،
 وَ أَظْهِرُ بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ، وَ أَجْعَلَنِي
 اللَّهُمَّ مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ أَتْبَاعِهِ وَ شِيعَتِهِ ، وَ أَرِنِي فِي
 آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مَا يَأْمُلُونَ ، وَ فِي عَدُوِّهِمْ مَا
 يَحْذَرُونَ ، إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ ، يَا أَرْحَمَ
 الرَّاحِمِينَ (۱) .



فصل : مستحب است مداومت به این دعای شریف ، که در
 « منهج » از حضرت امام محمد باقر علیه السلام به سند معتبر روایت
 شده (۲) و در این خصوص برای این عاصی ، واقعه شریفه‌ای اتفاق

۱ - در عبارات زیارت آل یاسین و دعای بعد از آن ، که در متن کتاب ذکر
 گردیده ، در بعضی از موارد ، تفاوت مختصری با آنچه که در « بحار الأنوار »
 و « مفاتیح الجنان » نقل گردیده ، ملاحظه می شود .

۲ - فرمود که ، جبرئیل به حضرت رسول صلی الله علیه و آله عرض کرد ، بدانید که من با
 هیچیک از انبیاء ، به قدر شما محبت نداشته‌ام ، پس بسیار بخوانید این دعا را .
 حقیر گوید : واضح است که در مقام اظهار محبت کامله به آن جناب ، اگر
 تحفه‌ای بهتر سراغ داشت آن را ذکر می نمود .

افتاد، که ذکرش منافی با اختصار است، (و آن دعا این است):
 اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَرَىٰ وَ لَا تُرَىٰ، وَ أَنْتَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَىٰ، وَ إِنْ
 إِلَيْكَ الْمُتَّهَىٰ وَ الرَّجْعَىٰ، وَ إِنْ لَكَ الْآخِرَةَ وَ الْأُولَىٰ، وَ إِنْ
 لَكَ الْمَمَاتَ وَ الْمَحْيَىٰ، رَبِّ أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَذِلَّ وَ أُخْزَىٰ.
 دعای دیگر که بسیار باید خواند: يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ،
 يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ، ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَىٰ دِينِكَ.

ختم کتاب به چند رباعی از انشاءات این عاصی

عید آمد و شد ز لاله بستان پر نور

هر کس به خیالی به جهان شد مسرور

ما را غم و محنت و آلم شد پر زور

زان رو که جمالت بود از ما مستور

ای ما حَصَلَ مراد از کون و مکان

باز آ که شود جهان به تو رشک جنان

بی دیدن طلعت تو ای جان جهان

حظی نبود مرا ز باغ و بستان

این دل که به مهر تو سرشته ز آغاز

افتاده ز دوری تو در سوز و گداز

زان پیش که خصم دون به ما طعنه زند

ما را به یکی نظاره شاها بنواز

بِعَوْنِ اللَّهِ تَعَالَى وَحُسْنِ تَأْيِيدِهِ

تمام شد كتاب «كنز الغنائم في فوائد الدعاء للقائم» ارواحنا له الفداء.

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا

وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ

في شهر رجب المرجب سنة ١٣٣٣

درکومی ماسک است همیشه در میجر مدوبس

بازار خود همیشه از آنسوی دیگر است
کتابخانه عمومی شهر تهران ۱۳۹۹

هَذَا كِتَابُ

سراجُ الْقُبُورِ

﴿ در آداب نماز نافله شب ﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 وَهُوَ حَسْبِي
 الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الصَّلَاةَ لِلْمُؤْمِنِينَ مِعْرَاجًا وَ
 جَعَلَ نَافِلَةَ اللَّيْلِ لِلْقُبُورِ سِرَاجًا، وَصَلَوَاتُهُ عَلَى
 رَسُولِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، الَّذِينَ جَعَلَ مَتَابِعَتَهُمْ
 لَنَا سَبِيلًا وَمِنْهَا جَاءَ

أما بعد ، بنده بی بضاعت جانی ، محمد تقی بن عبد الرزاق
 الموسوی الاصفهانی ، عفی الله عن ذنوبه ، و فقهه فی الدین ، و بصره
 بعیوبه ، به عرض برادران ایمانی و طالبین سعادت جاودانی
 می رساند که : این مختصری است در بیان بعضی از فضایل نماز
 نافله شب و آداب آن ، و برخی از آداب وقت خواب و بیداری ،
 و نمازهای شبها و روزهای هفته ، که انتخاب نمودم آنرا از کتب
 معتبره و اصول معتتمده ، مثل کتاب « کافی » و « توحید » و « فقیه »
 و « بحار » و « وسائل » و « مستدرک » و « مکارم » و « جمال الاسبوع »
 و « مفتاح الفلاح » و نحوها ، به طریقی که فهمیدن و مداومت نمودن
 به آن ، از برای عامه اهل ایمان ، سهل و آسان ، و برای این عاصی
 موجب آمرزش گناهان و رستگاری دو جهان باشد ، و نامیدم آن

را به « کتاب سراج القبور » ، از جهت تسمیه سبب به اسم مُسَبَّب ،
 و مشتمل نمودم آن را بر یک مقدمه و دوازده فصل و یک خاتمه .
 وَ مَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ .

الْإِسْرَافُ فِي الْقَبْرِ

مقدمه

﴿ فضیلت نماز شب ﴾

﴿ أَمَّا مَقْدَمُهُ ﴾

بدانکه اخبار در فضیلت نماز شب و بیداری وقت سحر بسیار است ، و در این مختصر به ذکر پنج حدیث اکتفا می کنیم :

أَوَّلُ : در بحار و غیره از حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ مرویست که :
حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بیست و پنج خاصیت از برای نافله شب بیان فرمودند .

أَوَّلُ : آنکه حق تعالی از بنده راضی می شود .

دَوِّمُ : ملائکه او را دوست می دارند .

سوم : آنکه سنت پیغمبران است .

چهارم : آنکه به سبب آن ، نور معرفت در دل انسان می تابد .

پنجم : آنکه ایمانش کامل می شود .

ششم : موجب سلامتی بدن ، و دفع أمراض از شخص می شود .

هفتم : باعث کراهت و غضب شیطان می شود .

هشتم : باعث دفع شرّ دشمنان از انسان می شود .

نهم : موجب استجابت دعاء می شود .

دهم : باعث قبول اعمال خیر از شخص می شود .

یازدهم : سبب وسعت رزق می شود .

دوازدهم : شفاعت می کند برای صاحبش نزد ملک موت که به

آسانی قبض روح او کند .

- سیزدهم: سبب روشنائی قبر او می شود .
- چهاردهم: باعث راحت بودن او در قبر ، و امنیّت او می شود .
- پانزدهم: در جواب منکر و نکیر و انمی ماند .
- شانزدهم: در عالم برزخ مونس و زائر و رفیق صاحبش می شود .
- هفدهم: از آفتاب قیامت محفوظ می ماند ، و سایه بان پیدا می کند .
- هجدهم: در قیامت تاج کرامت بر سر او گذارده می شود .
- نوزدهم: در صحرای محشر بدنش عریان نمی باشد .
- بیستم: نور و روشنائی در هر حالی در قیامت ، در برابر او می باشد .
- بیست و یکم: حائل و ساتر می شود میان او و آتش جهنم ، یعنی از آتش جهنم محفوظ می ماند .
- بیست و دوّم: حجّتی است برای مؤمن در مقابل حضرت اقدس الهی .
- بیست و سوّم: میزان اعمال خیر او سنگین می شود .
- بیست و چهارم: از صراط به آسانی و سلامت عبور می کند .
- بیست و پنجم: آنکه نماز نافله شب ، کلید بهشت است ، یعنی سبب داخل شدن مؤمن می شود در بهشت .

﴿ فروغی ﴾

هرگز آن دولت بیدار نصیبش نشود

هرکه را وقت سحر دیده بیداری نیست

حدیث دوّم: در مستدرک از حضرت رسول ﷺ روایت است که ، چون روز قیامت شود ، منادی از جانب حضرت رَبُّ الْعِزَّة نداء کند که ، همه اهل محشر بشنوند ، که : برخیزند کسانی که شبها از خوابگاه خود کناره می کردند و به عبادت حق تعالی مشغول می شدند ، جمعیت قلیلی برمی خیزند ، آنگاه منادی نداء می کند : برخیزند کسانی که در بیماری و بلاء و شدت و تنگدستی ، شکر حق تعالی را بجا می آوردند ، پس جمعیت قلیلی دیگر برمی خیزند ، پس این دو طایفه را به بهشت می برند ، آنگاه امر می فرماید به حساب خلائق .

﴿ سعدی ﴾

شب مردان خدا روز جهان افروز است

روشنان را به حقیقت شب ظلمانی نیست

خفتگان را خبر از زمزمه مرغ سحر

حیوان را خبر از عالم انسانی نیست

حدیث سوّم: در همان کتاب ، از حضرت امیر

المؤمنین علیه السلام روایت است که فرمودند : مبعوض ترین خلق

نزد حق تعالی آن کسی است که روزش را به بیهوده شام کند و شبها

مثل مردار که روی زمین افتاده، تا صبح در خواب باشد^(۱).

۱ - مناسب است هنگام توجه به حق تعالی این چند شعر را که از فرزندان مؤلف حضرت حجّة الإسلام و المسلمین، آقای حاج آقا محمد فقیه متخلص به « فقیه » می باشد، در نظر آورده و زمزمه کنید .

آنکه را در دل شب دیده بیداری نیست
در بَرِ اهل خِرَدِ بیش ز مُرداری نیست
جاهلان روز و شبان در پی سیم و زر و جاه
عاقلان را به جز از ذکر خدا کاری نیست
به دل اُنَدیشه دیدار کسان راه مده
کانچه گویند در آن شرط وفاداری نیست
چون مگس گرد تو گردند حریفان امروز
لیک فردا که نیاز است ترا یاری نیست
باش همچون گل خوشبوی به دست مردم
خَرَم آن دل که به پای دگران خاری نیست
چشم بندی اگر از لذتِ پوچ دنیا
أشک حسرت به قیامت به رُخت جاری نیست
دَرِ اُمّید به هر کس ، به روی خویش ببند
که امیدی به جز از مرحمت باری نیست
لب به گفتار ز اغیار فروبند « فقیه »
غیر محبوب مرا با دگری کاری نیست

﴿ حافظ ﴾

کاروان رفت و تو در خواب و کمینگه در پیش

وَهْ كِه بَس بِي خَبْر اَز عُغْلُ بَانِك جَرَسِي

حدیث چهارم: در «توحید» از حضرت رضا علیه السلام روایت

است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند: هر شب در ثلث آخر

شب مَلْکِي به أمر حق تعالی نازل می شود به آسمان دنیا، و شبهای

جمعه از اول شب، و تا طلوع فجر نداء می کند:

آیا سؤال کننده ای هست به او عطاء کنم؟ آیا توبه کننده ای

هست توبه اش را قبول فرمایم؟ آیا استغفار کننده ای هست تا

گناهانش را بپارمزم؟ ای طَلَب کننده خیر بیا که وقت طلب است،

و ای گناهکار بس است، یعنی قدری به خود بیا و تلافی گذشته ها

را بنما.

﴿ لمؤلفه ﴾

بیا که وقت مناجات و گفتن راز است

شب است لیک دَرِ رحمت خدا باز است

بیا که خلوتیان جمله در خروش شدند

کلام دوست شنیدند پس ز هوش شدند

حدیث پنجم: در «لطایف المعارف» و غیره منقول است که از

حق تعالی به حضرت موسی خطاب شد که: دروغ می گوید کسی که

ادّعی محبّت مرا می‌کند و چون شب می‌شود تا به صبح در خواب است، زیرا که هر دوستی طالب است خلوت با دوست خود را. و در خبر دیگر منقول است که، هر شب وقت سحر که نزدیک طلوع فجر است، درهای بهشت عَدْن گشوده می‌شود، و نسیم‌های رحمت وزیدن می‌گیرد به جهت متهجّدان، و از این جهت است که در وقت سحر هوا خنک می‌شود، اگرچه در عین تابستان باشد به نحوی که همه کس احساس خُنکی و بُرودت هوا را می‌کند. حقیر گوید: و از اثر همان نسیم است که هر بیماری آن وقت به خواب می‌رود، و هر بیهوشی به هوش می‌آید.

﴿ حافظ ﴾

کس ندیده است ز مشک خُتن و نافه چین
 آنچه من هر سَحَر از باد صبا می‌بینم
 و به همین مقدار در مقدّمه اکتفاء می‌کنیم
 در خانه اگر کس است یک حرف بس است



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
عَلَىٰ خَلْقِهِ وَالْإِقْرَابِ
مِنْ اللَّهِ

وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

سَنُقَرِّبُكَ إِلَىٰ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَأَنزَلُكَ فِيهَا
مَنْزِلًا مَّا نَزَّلْنَا لِدَىٰ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِذْ جَاءَهُمْ وَنَبِيًّا لِيُخَوِّفَهُمُ

وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ
فَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ
وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ

اللَّهُ صَاحِبُ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ
وَهُوَ يُعَلِّمُ الْكَتَابَ وَالْحِكْمَ
وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ

وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ
وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ
وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

فصل أوّل

﴿ آداب وقت خوابیدن ﴾

در بیان برخی از مستحبات و آداب وقت خوابیدن با اشاره به ثواب آنها

چون اراده خوابیدن نمایی :

(۱) اختیار کن رختخواب پاکی را ، و در رختخواب نجس نخواب ، و در رختخواب بسیار لطیف و نرم نخواب که دیر از خواب بیدار شوی ، بلکه سزاوار است اقتداء نمایی به حضرت پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ که گاهی بر روی زمین ، و گاهی بر حصیر ، و گاهی روی عبا می خوابیدند .

(۲) مستحب است نیز که رو به قبله بخوابی ، و بر جانب راست ، به هیأتی که میّت را در قبر گذارند .

(۳) با طهارت بخواب تا ثواب احیاء داشتن تمام آن شب را دریابی .

(۴) بخوان در وقت خوابیدن ، سوره « حَمْدُ » را و سوره « قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ » و « قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ » را ، تا از شرک ایمن شوی .

(۵) سوره « قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ » و « قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ » و « آيَةُ الْكُرْسِيِّ » را بخوان ، تا در خواب نترسی .

- اگر این « چهار قل » را سه مرتبه بخوانی ثواب عظیم دارد .
- (۶) سوره « إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ » را در وقت خواب و بیداری هر دو بخوان ، تا ملائکه تو را به امر حق تعالی محافظت کنند .
- (۷) سوره « أَلْهِیْكُمْ التَّكَاثُرُ » را بخوان ، تا از فتنه قبر و هول نکپَرین ایمن شوی ، و هفتاد هزار گناهت آمرزیده شود ، و هفتاد هزار حَسَنه برایت نوشته شود ، و هفتاد هزار درجه در بهشت برایت بلند شود ، و شفاعت تو در حق اهل و همسایگان و دوستانت قبول شود .
- (۸) آیه « شَهِدَ اللَّهُ » را بخوان (۱) ، تا هفتاد هزار ملک برایت تا روز قیامت استغفار نمایند .
- (۹) آیه آخر سوره « كهف » را بخوان ، تا هر ساعتی که بخواهی و قصد کنی بیدار شوی .
- (۱۰) تسبیح حضرت فاطمه زهراء علیها السلام بگویی ، تا ثواب ذکر کثیر را دریابی ، و از شر شیطان و از خوابهای بد محفوظ مانی .

۱ - و « آیه شَهِدَ اللَّهُ » این است : شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ، إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ ، وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ ، وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ، (آل عمران ۱۸ - ۱۹)

(۱۱) ده مرتبه بگو: « لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ » تا از بلاها محفوظ مانی .

(۱۲) سه مرتبه بگو: « أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ، وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ » تا تمام گناهانت آمرزیده شود .

(۱۳) سه مرتبه بگو: « الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَا فَقَهَرَ ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَطَّنَ فَخَبَرَ ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَلَكَ فَقَدَرَ ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُحْيِي الْمَوْتَى وَ يُمِيتُ الْأَحْيَاءَ ، وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ » تا از گناهان پاک شوی ، مثل روزی که از مادر متولد شده‌ای .

(۱۴) سه مرتبه بگو: « يَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ بِقُدْرَتِهِ ، وَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ بِعِزَّتِهِ » تا ثواب هزار رکعت نماز مستحبی به تو عطا شود .

و در (کتاب) « کافی » روایت است که حضرت رسول ﷺ وقت خوابیدن می فرمودند: « بِاسْمِكَ اللَّهُمَّ أَحْيَى ، وَ بِاسْمِكَ أَمْوَةٌ » و اگر نتوانی تمام آنچه ذکر شد بخوانی ، به هر کدام بخواهی می توان اکتفاء کرد .

فصل دوم

﴿ آداب وقت بیدار شدن ﴾

در بیان بعضی از آداب وقت بیدار شدن از خواب

چون از خواب بیدار شوی ، بخوان تسبیح حضرت فاطمه
زهراء علیها السلام را ، و آنگاه سجده نما و بگو :

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانِي بَعْدَ مَا أَمَاتَنِي وَإِلَيْهِ النُّشُورُ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَدَّ عَلَيَّ رُوحِي لِأَحْمَدَهُ وَأَعْبَدَهُ

و در (کتاب) « فقیه » ، از امام محمد باقر علیه السلام مروی است
که : چون در آخر شب بیدار شوی برای نماز شب ، این کلمات را
بخوان تا وساوس شیطان از تو دور شود :

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَإِلَيْهِ الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
يُحْيِي الْمَوْتَى وَيُبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ .

و در « مستدرک » از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت است که ،
هر کس وقتی از خواب بیدار می شود این کلمات را بخواند :

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَكَفَرْتُ بِالطَّاغُوتِ .
حق تعالی تمام گناهانش را می آمرزد .

و در (کتاب) « کافی » به سند صحیح ، مروی است که حضرت
صادق علیه السلام هر شب وقت سحر چون از خواب بر می خواستند ،
این دعا را بلند می خواندند ، به نوعی که اهل خانه می شنیدند :

اللَّهُمَّ اعْنِي عَلَى هَوْلِ الْمَطَّلَعِ ، وَ وَسَّعْ عَلَيَّ ضَيْقَ
الْمَضْجَعِ ، وَ ارْزُقْنِي خَيْرَ مَا قَبْلَ الْمَوْتِ ، وَ ارْزُقْنِي خَيْرَ مَا
بَعْدَ الْمَوْتِ .

و چون نگاه به اطراف آسمان کنی بخوان این دعا را :

اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا يُوَارِي مِنْكَ لَيْلٌ دَاجٍ ، وَ لَا سَمَاءٌ ذَاتُ
أَبْرَاجٍ ، وَ لَا أَرْضٌ ذَاتُ مِهَادٍ ، وَ لَا ظِلْمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ
بَعْضٍ ، وَ لَا بَحْرٌ لُبِّيٌّ تُدَلِّجُ بَيْنَ يَدَيِ الْمَدْلِجِ مِنْ خَلْقِكَ ،
تَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَ مَا تُخْفِي الصُّدُورُ ، غَارَتِ النُّجُومُ وَ
نَامَتِ الْعُيُونُ ، وَ أَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُكَ سِنَّةٌ وَ لَا نَوْمٌ ،
سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ إِلَهِ الْمُرْسَلِينَ وَ خَالِقِ النَّبِيِّينَ ، وَ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي وَ تَبَّ
عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ الثَّوَابُ الرَّحِيمُ .

آنگاه بخوان این آیات را :

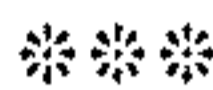
إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ
وَ النَّهَارِ لآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ ، الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَ
قُعُودًا وَ عَلَى جُنُوبِهِمْ ، وَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ
وَ الْأَرْضِ ، رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا ، سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ
النَّارِ ، رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تَدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْرَجْتَهُ ، وَ مَا لِلظَّالِمِينَ

مِنْ أَنْصَارٍ ، رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا
 بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا ، رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا ، وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا ،
 وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ ، رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ ،
 وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ ، إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ .

و چون صدای خروس را بشنوی ، این دعا را بخوان :

سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ ، رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ ، سَبَقَتْ رَحْمَتُكَ
 غَضَبَكَ ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ ، عَمِلْتُ سُوءًا
 وَظَلَمْتُ نَفْسِي ، فَاغْفِرْ لِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ .

و مستحبّ مؤکّد است که : شخص چون بیدار می شود ، اهل
 خود را بیدار کند برای نماز شب کردن ، اگر کراهت نداشته باشند
 و نیز مستحبّ مؤکّد است در آنوقت ، مسواک نمودن و استعمال
 بوی خوش ، به جهت دخول در نماز . و الله العالم .



فصل سووم

﴿ وقت نماز نافله شب ﴾

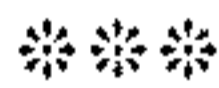
در بیان وقت نماز نافله شب

بدانکه اول وقت نافله شب، بعد از گذشتن نصف از شب است، و آخر آن طلوع فجر دوم است، که صبح صادق باشد، و آن سفیدی و روشنایی است که در کنار آسمان در سمت مشرق ظاهر می شود، مانند نهری، و هر چه به او نگاه کنی زیادتر می شود روشنایی او. و مشهور این است، بلکه نقل اتفاق علماء شده، که هر چه به طلوع فجر نزدیکتر باشد افضل است، اما زیاد تأخیر نیندازد، که به عجله بجا آورده شود، و هرگاه شخص عذری داشته باشد از بجا آوردن نماز شب را در وقت آن، مثل آنکه مسافر باشد یا پیر باشد، که آخر شب بر او مشقت داشته باشد، یا آنکه خوف بیدار نشدن آخر شب را داشته باشد، چنانچه در شبهای تابستان بسیار اتفاق می افتد، یا آنکه جوان است، خوابش زیاد است، می ترسد بیدار نشود، یا آنکه هوا خیلی سرد باشد، که مشقت و صدمه برایش داشته باشد، یا آنکه ترس از محتمل شدن داشته باشد^(۱) یا آنکه اراده جماع کردن داشته باشد، و صبر کردن برایش مشقت داشته باشد، و مانند اینها در جمیع این صورت ها،

۱ - ترس در آن صورت حاصل می شود که، شخص بسیار محتمل شود،

ولکن محض احتمال ترس حساب نمی شود.

جایز است که نافله شب را پیش از نصف شب، بعد از نماز مغرب و عشاء، بجا آورد به نیت تقدیم، یعنی پیش انداختن، اما خوب نیست که این را عادت خود قرار بدهد، بلکه تا ممکن بشود خوب است که نماز را در وقت فضیلت آن بجا آورد، و اگر نافله نماز شب از او فوت شد، مستحب مؤکد است که روز، قضای آن را بجا آورد، و اگر آن روز نشد، وقتهای دیگر قضایش را بجا آورد. و وقت نماز شَفْعُ وَوَتْرُ بعد از هشت رکعت نافله شب است، و وقت فضیلت آن وقتی است که صبح کاذب، که او را عوام «دُم گرگی» می گویند طلوع می کند، و آن سفیدی است که تخمیناً نیم ساعت پیش از طلوع صبح صادق ظاهر می شود در مشرق، و طول او رو به میان آسمان است، و هر چه به او نگاه می کنی روشنایش کمتر می شود.



فصل چہارم

کیفیت نماز نافلہ شب

در بیان کیفیت نماز نافله شب

بدانکه نماز شب یازده رکعت است ، هشت رکعت نافله شب است ، و دو رکعت شَفَع است ، و یک رکعت وَثَر ، و در روایات چندی وارد شده که ، دو رکعت نافله صبح هم جزء نماز شب است ، پس بنابراین ، تماماً سیزده رکعت می شود ، و مختصرترین کیفیت های نماز شب این است که ، هشت رکعت نماز بجا آوری ، به نیت نافله شب ، هر دو رکعت به یک سلام ، بعد دو رکعت دیگر بجا آوری به یک سلام ، به نیت نماز شفع ، بعد یک رکعت دیگر بجا آوری ، به نیت نماز وتر ، و تمام اینها را نشسته بجا آوری ، و در تمام رکعتها به حمد تنها اکتفا کنی ، و به همین اندازه حاصل می شود نماز شب ، و داخل می شوی در زمره نماز شب کنندگان . ای عزیز ! آیا حیف نیست که شخصی که برای جزئی از مال فانی دنیا ، مشقت ها و زحمت ها می کشد ، که تحصیل کند و برای وارث بگذارد ، یا خودش فانی کند ، از این همه ثوابها و فضیلت ها که به اقل قلبی از آن اشاره شد ، که به عمل به این مختصری و آسانی به دست می آید ، چشم پوشد ، و از دست بدهد ، و مسامحه و کوتاهی کند .

ارادتی بنما تا سعادت بیبری

و اگر وقت و حالت اقتضاء نماید ، پس تمام این نمازها را ایستاده بخوان ، و بعد از حمد هر سوره ای که بخواهی جایز است

خواندن . و مستحب است که در رکعت اول از نماز شب ، بعد از حمد ، سوره « قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ » را بخواند ، و در (رکعت) دوم « قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ » بخواند ، و از حضرت صادق علیه السلام روایت است که هر کس در هر یک از دو رکعت اول نماز شب بعد از حمد ، سی مرتبه سوره « قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ » بخواند ، فارغ می شود از نماز در حالتی که تمام گناهانش آمرزیده شده باشد . و مستحب است که در نماز شفع ، در رکعت اول ، سوره « قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ » ، و در رکعت دوم ، « قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ » بخواند ، و اگر بخواند سوره « قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ » بخواند ، آنهم خوب است ، و در یک رکعت وتر نیز ، سوره « قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ » بخواند ، و اگر سه مرتبه بخواند ، بهتر است ^(۱) .

و مستحب است در تمام نمازها که در رکعت دوم پیش از

۱ - در اصول کافی ، به سند ، از ابوبصیر روایت است ، گفت شکایت کردم به حضرت صادق علیه السلام از تنگدستی و خواهش کردم که دعائی به جهت وسعت روزی به من تعلیم فرماید ، پس دعائی به من تعلیم فرمود : که از زمانی که مداومت به آن نمودم محتاج و تنگدست نشدم ، فرمود : این دعا را در سجده نماز شب بخوان : يَا خَيْرَ مَدْعُوٍّ وَيَا خَيْرَ مَسْئُولٍ وَيَا أَوْسَعَ مَنْ أُعْطِيَ وَيَا خَيْرَ مُرْتَجَى ، أَرْزُقْنِي وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ ، وَ سَبِّبْ لِي رِزْقًا مِنْ قِبَلِكَ ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ .

رکوع، قنوت بخواند. و از جمله مهمات این است که در قنوت، صلوات بفرستد بر محمد و آل محمد، و طلب نماید از حق تعالی تعجیل در فرج و ظهور حضرت صاحب الزمان روحی له الفداء را، و لعنت نماید بر دشمنان آنها، و کفایت می کند اینکه بگوید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ،
وَ أَلْعَنُ أَعْدَاءَهُمْ أَجْمَعِينَ. و در یک رکعت وتر، بخصوص قنوت، مستحب مؤکد است، و مستحب است که قنوت نماز و ترا طول بدهند، و در قنوت وتر هفتاد مرتبه بگوید:

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ يَا بَاقِيَةَ: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَسْأَلُهُ
التَّوْبَةَ وَ صَدِّ مَرْتَبَةً هَمَّ وَ آرَدَ شَدِيدَةً اسْت. و هفت مرتبه بگوید: هَذَا
مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ. و سیصد مرتبه أَلْعَنُوا كَفْتَنَ هَمَّ
بخصوص وارد شده است.

اما استحباب دعای به چهل نفر از مؤمنین، از برای خصوص قنوت نماز وتر، به خصوص، به نظر نرسیده، لکن چون موجب اجابت دعا می شود بسیار خوب است (۱). خواهش دارم این عاصی را در حیات و ممات فراموش نفرمائید.

۱ - (و اگر به قصد قربت، چهل دفعه بگویند: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ چنانچه بعضی علماء فرموده اند، بسیار خوب و با فائده است، و اگر وقت تنگ است هر چه می تواند بخواند.

و بعد از فارغ شدن از قنوت و تر به رکوع رود، و چون سر از رکوع بلند کرد مستحب است که این دعا را بخواند، که در کتب معتبره متعدده ذکر شده:

هَذَا مَقَامٌ مِنْ حَسَنَاتِهِ نِعْمَةٌ مِنْكَ ، وَ سَيِّئَاتُهُ بِعَمَلِهِ ،
وَ ذَنْبُهُ عَظِيمٌ ، وَ شُكْرُهُ قَلِيلٌ ، وَ لَيْسَ لِدَايِكَ إِلَّا عَفْوُكَ ،
(رِفْقُكَ خ ل) وَ رَحْمَتُكَ . و اگر حالتی داشته باشی نیز این دعا را بخوان ، که در « مصباح » و « مفتاح » و غیرهما نقل شده است ، و معروف است به دعای فرج (۱) .

إِلٰهِ طُمُوْحُ الْأَمَالِ قَدْ خَابَتْ إِلَّا لَدَيْكَ ، وَ مَعَاكِفُ
الْهَمِّ قَدْ تَقَطَّعَتْ إِلَّا عَلَيْكَ ، وَ مَذَاهِبُ الْعُقُولِ قَدْ سَمَتْ إِلَّا
إِلَيْكَ فَأَنْتَ الرَّجَاءُ وَ إِلَيْكَ الْمُلْتَجِي ، يَا أَكْرَمَ مَقْصُودٍ وَ يَا
أَجْوَدَ مَسْئُولٍ ، هَرَبْتُ إِلَيْكَ بِنَفْسِي ، يَا مَلْجَأَ الْهَارِبِينَ
بِاثْقَالِ الذُّنُوبِ ، أَحْمِلْهَا عَلَيَّ ظَهْرِي ، وَ مَا أَجِدُ لِي إِلَيْكَ
شَافِعًا سِوَى مَعْرِفَتِي ، بِإِنَّكَ أَقْرَبُ مَنْ رَجَاءُ الطَّالِبُونَ ، وَ
لَجَأُ إِلَيْهِ الْمُضْطَرُّونَ ، وَ أَمَلُ مَا لَدَيْهِ الرَّاعِبُونَ ، يَا مَنْ فَتَقَ

۱ - این دعای شریف در « بحار » و غیره از حضرت رسول ﷺ روایت شده ، و به جهت وسعت رزق و رفع غموم نافع است ، و همه وقت می توان خواند ،

الْعُقُولَ بِمَعْرِفَتِهِ ، وَ أَطْلَقَ الْأَلْسُنَ بِحَمْدِهِ ، وَ جَعَلَ مَا أَمْتَنَ بِهِ
 عَلَى عِبَادِهِ كِفَاءً لِتَأْدِيَةِ حَقِّهِ ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ، وَ لَا
 تَجْعَلْ لِلْهُمُومِ عَلَى عَقْلِي سَبِيلاً ، وَ لَا لِلْبَاطِلِ عَلَى عَمَلِي
 دَلِيلاً ، وَ أَفْتَحْ لِي بِخَيْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ ، يَا وَلِيَّ الْخَيْرِ يَا
 أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

و این دعا را بخوان که از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام

روایت شده ، که بعد از رکوع نماز وتر می خواندند :

اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنْزَلِ ، كَانُوا قَلِيلاً مِنَ اللَّيْلِ
 مَا يَهْجَعُونَ ، وَ بِالْأَشْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ ، طَالَ وَ اللَّهُ
 هُجُوعِي وَ قَلَّ قِيَامِي ، وَ هَذَا السَّحَرُ وَ أَنَا أَسْتَغْفِرُكَ لِذُنُوبِي
 اسْتِغْفَارَ مَنْ لَا يَمْلِكُ لِنَفْسِهِ ضَرّاً وَ لَا نَفْعاً ، وَ لَا مَوْتاً وَ لَا
 حَيَوَةً وَ لَا نُشُوراً . آنگاه به سجده می رفتند .

فصل پنجم

﴿ چند مسئلهٔ فقهی در باب نماز شب ﴾

در بیان چند مسئله ، متعلق به نماز شب (۱)

مسئله : نماز نافله شب اذان و اقامه ندارد ، و همچنین است مابقی نمازهای مستحبیه ، بلکه استحباب اذان و اقامه مختص است به نمازهای واجبه پنج وقت .

مسئله : در اول نمازها مستحب است که شخص پیش از تکبیره الإحرام شش مرتبه الله اکبر بگوید ، و هفتمی را تکبیره الإحرام قرار دهد ، و در خصوص دو رکعت اول نافله شب ، و یک رکعت وتر تأکیدش بیشتر است ، پس انشاء الله تعالی ترک نکنند .

مسئله : مستحب است که بعد از تکبیره الاحرام بگوید : **أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ** ، و بهتر این است که آهسته بگوید .

مسئله : مستحب است که مردها حمد و سوره را در نماز شب بلند قرائت کنند .

مسئله : هرگاه دیر از خواب بیدار شدی که به قدر سه رکعت تا طلوع صبح باقی مانده است ، اکتفاء کن به خواندن نماز شفع و وتر ، و هشت رکعت نافله شب را بعد از نماز صبح ، قضاء بجا بیاور ، و اگر به قدر یک رکعت وقت داری ، همان یک رکعت وتر را بجا

۱ - این مسائل موافق است با فتاوی حجج اسلام ، آقای آقا میر محمد تقی شیرازی ، و آقای آقا سید ابوالقاسم ، و آقای حاج سید اسمعیل صدر ، و آقای آقا سید محمد کاظم دامت برکاتهم .

بیاور و مابقی را بعد از نماز صبح قضا کن .

مسئله: تمام نمازهای مستحبی را نشسته می توان بجا آورد، اختیاراً .

مسئله: نماز نشسته بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ ندارد ، اَمَّا سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ گفتن بعد از رکوع ، به قصد مطلق دعاء بی اشکال است ، ان شاء الله تعالی .

مسئله: نماز نافله شب و شفع و وتر را عقب هم می شود بجا آورد ، و اگر هم بخواهد ما بین آنها فاصله بیندازد ، آنها صحیح است ، پس بعد از هر دو رکعتی اگر به کار دیگر مشغول شود ، و بعد دو رکعت دیگر بجا آورد مثلاً ، عیب ندارد .

مسئله: تمام نمازهای نافله را ، دو رکعت دو رکعت ، باید خواند ، مگر وتر را که یک رکعت است .

مسئله: هرگاه شخصی شک کرد در نمازهای نافله ، که آیا رکعت اول است یا دوّم ، نماز صحیح است ، و مختار است در اینکه بنا را بر کمتر بگذارد یا بیشتر ، و بهتر این است که بنا را بر کمتر بگذارد . و اگر شک نمود که رکعت دوّم است یا سوّم ، بنا را بر دو بگذارد ، و هرگاه در نماز وتر شک کرد که رکعت اول است یا دوّم ، حتماً باید بنا را بر یک رکعت بگذارد ، و هرگاه شک کرد در اصل بجا آوردن نماز ، باید بجا آورد .

فصل ششم

تعقیبات نماز شب

در بیان قلیلی از تعقیبات نماز شب (۱)

در مفتاح الفلاح و غیره مذکور است که ، بعد از هر دو رکعت از هشت رکعت نافله شب این دعا را بخوانند :

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَ لَمْ يُسْأَلْ مِثْلَكَ ، أَنْتَ مَوْضِعُ مَسْئَلَةِ السَّائِلِينَ ، وَ مُتَّهَى رَغْبَةِ الرَّاغِبِينَ ، أَدْعُوكَ وَ لَمْ يُدْعَ مِثْلَكَ ، وَ أَرْغَبُ إِلَيْكَ وَ لَمْ يُرْغَبْ إِلَى مِثْلِكَ ، أَنْتَ مُجِيبُ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ ، وَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ، أَسْأَلُكَ بِأَفْضَلِ الْمَسَائِلِ وَ أَنْجَحِهَا وَ أَعْظَمِهَا ، يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ ، وَ بِأَسْمَائِكَ الْحُسْنَى ، وَ أَمْثَالِكَ الْعُلْيَا ، وَ نِعْمِكَ الَّتِي لَا تُحْصَى ، وَ بِأَكْرَمِ أَسْمَائِكَ عَلَيْكَ ، وَ أَحَبِّهَا إِلَيْكَ ، وَ أَقْرَبِهَا مِنْكَ وَ سَيْلَةً ، وَ أَشْرَفِهَا عِنْدَكَ مَنْزِلَةً ، وَ أَجْزَلِهَا لَدَيْكَ ثَوَابًا ، وَ أَسْرَعِهَا فِي الْأُمُورِ إِجَابَةً ، وَ بِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْأَكْبَرِ الْأَعَزِّ الْأَجَلِّ الْأَكْرَمِ ، الَّذِي تُحِبُّهُ وَ تَهْوَاهُ ، وَ تَرْضَى بِهِ عَمَّنْ دَعَاكَ بِهِ ، وَ تَسْتَجِيبُ (فَاسْتَجَبْتَ خ ل) لَهُ دُعَاءَهُ ، وَ حَقُّ عَلَيْكَ أَنْ لَا تُحْرِمَ سَائِلَكَ ، وَ لَا تُرُدَّهُ ، وَ بِكُلِّ إِسْمٍ هُوَ

۱ - جمعی از فقهاء ، تسبیحه حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را بعد از نمازهای نافله هم ، مستحب دانسته‌اند ، و الله العالم

لَكَ فِي التَّوْرِيَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالْفُرْقَانِ الْعَظِيمِ ، وَ
بِكُلِّ إِسْمٍ دَعَاكَ بِهِ حَمَلَةٌ عَرْشِكَ ، وَمَلَائِكَتِكَ وَ أَنْبِيَائِكَ
وَرُسُلِكَ وَأَهْلُ طَاعَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ
وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَ وَلِيِّكَ وَأَبْنِ وَلِيِّكَ ، وَ تُعَجِّلَ
خِزْيَ أَعْدَائِهِ (۱) .

آنگاه هر حاجتی داری از حق تعالی سؤال کن ، و این عاصی را
از دعاء فراموش نکن ، پس ده مرتبه بگو : يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ پس این
دعا را بخوان : (۲)

صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ، وَ أَرْحَمْنِي وَ ثَبِّتْنِي عَلَيَّ دِينِكَ وَ
دِينِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ، وَ لَا تُزِعْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ
هَدَيْتَنِي ، وَ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً ، إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ .

تعقیب نماز شفع

و چون از نماز شفع فارغ شوی ، آیه الکرسی را قرائت کن ،
و این دعا را بخوان : يَا مَنْ بِرَحْمَتِهِ يَسْتَفِيثُ الْمُذْنِبُونَ ، وَ إِلَى

۱ - و در « جمال الصالحين » این چند کلمه را علاوه دارد ، وَ تَجْعَلْنَا مِنْ
أَصْحَابِهِ وَ أَنْصَارِهِ ، وَ تَرْزُقْنَا بِهِ رِجَاءَنَا وَ تَسْتَجِيبَ بِهِ دُعَاءَنَا .

۲ - اگر بعد از دعای اول به سجود رود ، و ده مرتبه یا الله را با این دعا در
سجده بخواند بهتر خواهد بود .

ذِكْرِ إِحْسَانِهِ يَفْرَعُ الْمُضْطَرُّونَ ، يَا أُنْسَ كُلِّ مُسْتَوْحِشٍ
 غَرِيبٍ ، وَ يَا فَرَجَ كُلِّ مَحْزُونٍ كَثِيبٍ ، وَ يَا أَمَلَ كُلِّ مُحْتَاجٍ
 طَرِيدٍ ، وَ يَا عَوْنَ كُلِّ مَخْذُولٍ فَرِيدٍ ، أَنْتَ الَّذِي وَسِعَتْ كُلَّ
 شَيْءٍ رَحْمَةً وَ عِلْمًا ، وَ جَعَلْتَ لِكُلِّ مَخْلُوقٍ فِي نِعْمَتِكَ
 سَهْمًا ، وَ أَنْتَ الَّذِي عَفُوهُ أُنْسَانِي عِقَابُهُ ، وَ أَنْتَ الَّذِي
 عَطَائُهُ أَكْثَرُ مِنْ مَنَعِهِ ، وَ أَنْتَ الَّذِي لَا يَرْغَبُ فِي الْجَزَاءِ ، وَ
 أَنْتَ الَّذِي لَا يَبْخَلُ بِالْعَطَاءِ ، وَ أَنَا عَبْدُكَ الَّذِي أَمَرْتَهُ
 بِالدُّعَاءِ ، فَقَالَ لَبَّيْكَ وَ سَعْدَيْكَ ، هَا أَنَا وَاقِفٌ بَيْنَ يَدَيْكَ ،
 وَ أَنَا الَّذِي أَثْقَلْتَ الْخَطَايَا ظَهْرَهُ ، وَ أَنَا الَّذِي أَفْنَتِ الذُّنُوبُ
 عُمْرَهُ ، وَ أَنَا الَّذِي بَجَهْلِهِ عَصَاكَ ، وَ لَمْ تَكُنْ أَهْلًا لِذَاكَ ،
 فَهَلْ أَنْتَ يَا إِلَهِي غَافِرٌ لِمَنْ دَعَاكَ ، فَأُعْلِنَ فِي الدُّعَاءِ ، أَمْ
 أَنْتَ يَا إِلَهِي رَاحِمٌ مَنْ بَكَى فَاسْرِعَ فِي الْبُكَاءِ ، أَمْ أَنْتَ
 مُتَجَاوِزٌ عَمَّنْ عَفَّرَ لَكَ وَجْهَهُ تَذَلُّلاً ، أَمْ أَنْتَ مُعِينٌ مَنْ شَكَى
 إِلَيْكَ فَقَرَّهُ تَوَكُّلاً ، إِلَهِي لَا تُخَيِّبْ مَنْ لَا يَرْجُوا أَحَدًا غَيْرَكَ ،
 وَ لَا تَخْذُلْ مَنْ لَا يَسْتَعِينُ بِأَحَدٍ دُونَكَ ، أَنْتَ الَّذِي وَصَفْتَ
 نَفْسَكَ بِالرَّحْمَةِ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَ اغْفِرْ لِي
 وَ أَرْحَمْنِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

تعقیب نماز وتر

و چون از نماز وتر فارغ شوی سه مرتبه بگو : **سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ ، سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ .** و سه مرتبه بگو : **سُبْحَانَ رَبِّيَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ** آنگاه این دعاء را بخوان : **يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ ، يَا بَرُّ يَا رَحِيْمُ ، يَا غَنِيُّ يَا كَرِيْمُ ، اُرْزُقْنِي مِنَ التَّجَارَةِ ، اَعْظَمَهَا فَضْلًا ، وَ اَوْسَعَهَا رِزْقًا ، وَ خَيْرَهَا لِي عَاقِبَةً ، فَاِنَّهُ لَ اَخِيْرٌ فَيْمَا لَا عَاقِبَةَ لَهُ .**

و مستحب است که بعد از نماز وتر به سجده روی و پنج مرتبه بگویی : **سُبُوْحٌ قُدُّوْسٌ رَبُّ الْمَلٰٓئِكَةِ وَالرُّوْحِ .**

آنگاه بنشین و آیه الکرسی را بخوان ، باز به سجده رو و پنج مرتبه بگو : **سُبُوْحٌ قُدُّوْسٌ رَبُّ الْمَلٰٓئِكَةِ وَالرُّوْحِ .** تا گناهانت آمرزیده شود و ثواب عظیم هم دارد (۱) .

و نیز از جمله تعقیبات وتر است ، دعای حزین ، مروی از حضرت سید الساجدین **علیه السلام** :

اُنَاجِيْكَ يَا مُوْجُوْدًا فِي كُلِّ مَكَانٍ ، لَعَلَّكَ تَسْمَعُ نِدَائِي ، فَقَدْ عَظُمَ جُرْمِي وَ قَلَّ حَيَاتِي ، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ ، اَيُّ

۱ - تفصیل آن ، در کتاب « صلوة بحار الأنوار » مذکور است ، به جهت اختصار ذکر نشد .

الْأَهْوَالِ أَتَذَكَّرُ ، وَ أَيُّهَا أَنْسَى ، وَ لَوْ لَمْ يَكُنْ إِلَّا الْمَوْتُ
 لَكَفَى ، كَيْفَ وَ مَا بَعْدَ الْمَوْتِ أَعْظَمُ وَ أَدْهَى ، مَوْلَايَ يَا
 مَوْلَايَ حَتَّى مَتَى وَ إِلَى مَتَى ، أَقُولُ لَكَ الْعُثْبَى مَرَّةً بَعْدَ
 أُخْرَى ، ثُمَّ لَا تَجِدُ عِنْدِي صِدْقًا وَ لَا وَفَاءً ، فَيَا غَوْثَاهُ ثُمَّ
 وَ اغْوْثَاهُ بِكَ يَا اللَّهُ مِنْ هَوَى قَدْ غَلَبَنِي ، وَ مِنْ عَدُوٍّ قَدْ
 اسْتَكَلَبَ عَلَيَّ ، وَ مِنْ دُنْيَا قَدْ تَزَيَّنَتْ لِي ، وَ مِنْ نَفْسٍ أَمَّارَةٍ
 بِالسُّوْءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي ، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ ، إِنْ كُنْتَ رَحِمْتَ
 مِثْلِي فَارْحَمْنِي ، وَ إِنْ كُنْتَ قَبِلْتَ مِثْلِي فَاقْبَلْنِي ، يَا قَابِلَ
 التَّوْبَةِ (السَّحْرَةَ خ ل) اِقْبَلْنِي ، يَا مَنْ لَمْ أَزَلْ أُتَعَرَّفُ مِنْهُ
 الْحُسْنَى ، يَا مَنْ يُغَذِّبُنِي بِالنَّعْمِ صَبَاحًا وَ مَسَاءً ، اِرْحَمْنِي
 يَوْمَ آتِيكَ فَرْدًا شَاخِصًا إِلَيْكَ بَصْرِي ، مُقَلِّدًا عَمَلِي ، قَدْ
 تَبَرَّأْتُ جَمِيعُ الْخَلْقِ مِنِّي ، نَعَمْ وَ أَبِي وَ أُمِّي وَ مَنْ كَانَ لَهُ كَدِّي
 وَ سَعْيِي ، فَإِنْ لَمْ تَرْحَمْنِي فَمَنْ يَرْحَمْنِي ، وَ مَنْ يُونِسُ فِي
 الْقَبْرِ وَ حَشْتِي ، وَ مَنْ يُنْطِقُ لِسَانِي إِذَا خَلَوْتُ بِعَمَلِي ، وَ
 سَأَلْتَنِي عَمَّا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي ، فَإِنْ قُلْتَ نَعَمْ فَأَيْنَ الْمَهْرَبُ
 مِنْ عَدْلِكَ ، وَ إِنْ قُلْتَ لَمْ أَفْعَلْ ، قُلْتَ أَلَمْ أَكُنِ الشَّاهِدَ
 عَلَيْكَ ، فَعَفْوَكَ عَفْوَكَ يَا مَوْلَايَ ، قَبْلَ أَنْ تَلْبَسَ الْأُبْدَانَ
 سَرَابِيلَ الْقَطِرَانِ ، عَفْوَكَ عَفْوَكَ يَا مَوْلَايَ ، قَبْلَ أَنْ تُغَلَّ

الْأَيْدِي إِلَى الْأَعْنَاقِ ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ .

آنگاه به سجده برو و بگو :

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ، وَ أَرْحَمِ ذَلِّي بَيْنَ يَدَيْكَ ، وَ
تَضَرَّعِي إِلَيْكَ ، وَ وَحْشَتِي مِنَ النَّاسِ ، وَ أَنْسِي بِكَ يَا
كَرِيمٌ .

و نیز بگو در سجده شکر :

يَا كَائِنًا قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ ، يَا مُكُونًا كُلِّ شَيْءٍ ، يَا كَائِنًا بَعْدَ كُلِّ
شَيْءٍ ، لَا تَفْضَحْنِي فَإِنَّكَ بِي عَالِمٌ ، وَ لَا تُعَذِّبْنِي فَإِنَّكَ عَلَيَّ
قَادِرٌ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ كَرْبِ الْمَوْتِ ، وَ مِنْ سُوءِ
الْمَرْجَعِ فِي الْقُبُورِ ، وَ مِنْ النَّدَامَةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ، أَسْأَلُكَ
عَيْشَةً هَنِيئَةً ، وَ مَيِّتَةً سَوِيَّةً ، وَ مُنْقَلَبًا كَرِيمًا غَيْرَ مُخْزٍ وَ لَا
فَاضِحٍ .

و نیز بگو : اللَّهُمَّ مَغْفِرَتُكَ أَوْسَعُ مِنْ ذُنُوبِي ، وَ رَحْمَتُكَ
أَرْجَى عِنْدِي مِنْ عَمَلِي ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ، وَ اغْفِرْ لِي
يَا حَيًّا لَا يَمُوتُ .

﴿ تَنْبِيْهٌ ﴾

بسیار مناسب است در آن حالت ، گناهان عظیمه خود را به یاد
آوردن ، و متذکر عظمت حق تعالی شدن ، و از خوف جناب اقدس

الهی گریه کردن . از حضرت رسول ﷺ روایت است که به حضرت امیر ﷺ فرمودند : یا علی ! بر تو باد به گریه کردن از خوف خدا ، که به عدد هر قطره از آن هزار خانه در بهشت برایت بنا می شود . و در حدیث دیگر است که فرمود : یک قطره اشک چشم از خوف خدا ، به قدر یک دریا از آتش جهنم را خاموش می کند .

﴿ فروغی ﴾

دامن گوهر مقصود به دستش نفتد

هر که را در دل شب چشم گهرباری نیست

فصل هفتم

﴿ نافله نماز صبح و وقت آن ﴾

در بیان دو رکعت نافله صبح

أفضل این است که بجا بیاوری آن را بعد از طلوع فجر اول ، و جایز است پیش از آن و بعد از آن ، تا ظهور حُمره مشرقیه (۱) ، و مستحب است که بخوانی در رکعت اولی ، بعد از حمد ، سوره « قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ » و در دوّم « قُلْ هُوَ اللَّهُ » و بخوانی بعد از نماز ، پنج آیه‌ای را که در فصل دوّم ذکر شد (۲) ، و بخوان این استغفار را که فضیلت بسیار دارد ، و همه وقت هم می‌شود خواند (۳) :

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ مِمَّا تَبْتُ إِلَيْكَ مِنْهُ ، ثُمَّ عُدْتُ فِيهِ ،
وَأَسْتَغْفِرُكَ لِمَا أَرَدْتُ بِهِ وَجْهَكَ فَخَالَطَنِي فِيهِ مَا لَيْسَ
لَكَ ، وَأَسْتَغْفِرُكَ لِلنِّعَمِ الَّتِي مَنَنْتَ بِهَا عَلَيَّ ، فَتَقَوَّيْتُ بِهَا
عَلَى مَعَاصِيكَ ، أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ

- ۱ - سرخی که در طرف مشرق ، مقداری بعد از طلوع فجر پیدا می‌شود. (ح. ۱)
- ۲ - اول آنها این است : إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ تَأْخِرَ آيَاتٍ .
- ۳ - در بحار ، از حضرت رسول ﷺ مروی است که فرمود : هرکس این استغفار را بخواند ، حق تعالی تمام گناهانش را می‌آمرزد ، اگر چه پر کرده باشد هفت آسمان و هفت زمین را ، و اگر چه به سنگینی کوهها و عدد قطرات باران باشد ، و به عدد همه آنها حسنه به او عطاء شود ، و هر بنده‌ای که بخواند اگر در آن روز یا آن شب بمیرد داخل بهشت می‌شود .

الْقِيَوْمِ، عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، لِكُلِّ ذَنْبٍ
 أَذْنِبْتُهُ، وَ لِكُلِّ مَعْصِيَةٍ أَرْتَكِبْتُهَا، اَللّهُمَّ ارْزُقْنِي عَقْلاً كَامِلاً،
 وَ عَزْماً ثَابِتاً (ثَابِتاً خ ل)، وَ لُبّاً رَاجِحاً، وَ قَلْباً زَكِيّاً، وَ عِلْماً
 كَثِيراً، وَ اَدَباً بَارِعاً، وَ اجْعَلْ ذَاكَ كُلَّهُ لِي، وَ لَا تَجْعَلْهُ
 عَلَيَّ، بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . پس بگو پنج مرتبه :
 اَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لَا اِلهَ اِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، اَلْحَيُّ الْقَيُّومُ
 وَ اَتُوبُ اِلَيْهِ .

و در (کتاب) « فقیه » روایت است که هرکس مابین نماز نافله
 صبح و فریضه آن، صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ
 بفرستد، حق تعالی او را از آتش دوزخ حفظ فرماید، و هرکس در
 آن وقت بیست و یک مرتبه سوره « قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ » را بخواند،
 حق تعالی خانه‌ای در بهشت برایش بنا فرماید .

فصل هشتم

﴿ تعقیبات نماز شب در شب جمعه ﴾

در بیان تعقیبات نماز شب ، که مخصوص است
به شبهای جمعه ، منقول از کتاب جمال الأسبوع

دعای بعد از رکعت دوّم :

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ ،
وَ اعِنِّي عَلَى طَاعَتِكَ ، وَ وَفَّقْنِي لِعِبَادَتِكَ ، اللَّهُمَّ يَا إِلَهَ
جِبْرَائِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ إِسْرَافِيلَ ، اجْعَلِ الْيَقِينَ فِي قَلْبِي ،
وَ النَّورَ فِي بَصْرِي ، وَ النَّصِيحَةَ فِي صَدْرِي ، وَ ذِكْرَكَ
بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ عَلَى لِسَانِي ، وَ رِزْقاً وَاسِعاً غَيْرَ مَمْنُونٍ وَ لَا
مَحْظُورٍ فَارْزُقْنِي ، اللَّهُمَّ وَ سَدِّدْنِي لِمَا يُرْضِيكَ عَنِّي .

دعای بعد از رکعت چهارم :

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ
أَجْمَعِينَ ، وَ اجْعَلْنَا هَادِينَ مَهْدِيِّينَ ، غَيْرَ ضَالِّينَ وَ لَا مُضِلِّينَ
سِلْماً لِأَوْلِيَائِكَ وَ حَرْباً لِأَعْدَائِكَ ، نُحِبُّ مَنْ أَطَاعَكَ ،
وَ نَعْصِي مَنْ خَالَفَكَ ، اللَّهُمَّ مِنَّا الدُّعَاءُ ، وَ عَلَيْكَ التَّكْلَانُ
فِي الْإِجَابَةِ ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي نُوراً فِي قَلْبِي وَ صَدْرِي
وَ سَمْعِي وَ بَصْرِي وَ شَعْرِي وَ بَشْرِي وَ لَحْمِي وَ عَظْمِي ،
وَ نُوراً يُحِيطُ بِي ، اللَّهُمَّ أَهْدِنِي لِلرَّشَادِ ، وَ الْطُفْ بِي
بِالسَّدَادِ ، وَ اكْفِنِي شَرَّ الْعِبَادِ ، وَ ارْحَمْنِي يَوْمَ الْمَعَادِ .

دعای بعد از رکعت ششم :

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْتَ الْمُفْضِلُ الْمَنَّانُ ، بَدِيعُ السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ ، ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، ذُو الْجُودِ
وَالْإِنْعَامِ ، صَلِّ عَلَى خَيْرِ الْأَنْبِيَاءِ مُحَمَّدٍ رَسُولِكَ وَآلِهِ
الْمَعْصُومِينَ الطَّاهِرِينَ الْكِرَامِ ، اللَّهُمَّ إِنِّي سَأَلْتُكَ الْفَقِيرُ ، وَ
عَبْدُكَ الْمُسْتَجِيرُ الْخَائِفُ مِنْ عَذَابِكَ ، الرَّاجِي لِفَضْلِكَ وَ
ثَوَابِكَ ، فَأَجِرْ فَقْرِي بِنِعْمَتِكَ ، وَ أَجِرْنِي مِنْ كَسْرِي
بِرَحْمَتِكَ ، وَ آمِنْ خَوْفِي بِغُفْرَانِكَ ، وَ حَقِّقْ رَجَائِي
بِإِحْسَانِكَ ، اللَّهُمَّ إِنِّي مُسْتَغْفِرُكَ فَاعْفِرْ لِي ، تَائِبٌ إِلَيْكَ
فَتَّبِ عَلَيَّ ، أَعْفُ عَنْ ذُنُوبِي كُلِّهَا ، قَدِيمُهَا وَ حَدِيثُهَا ، اللَّهُمَّ
لَا تَجْهَدْ بِلَائِي ، وَ لَا تُشِمِّتْ بِي أَعْدَائِي ، وَ لَا تَجْعَلِ النَّارَ
مَأْوَايَ .

دعای بعد از رکعت هشتم :

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ رَسُولِكَ الَّذِي أَصْطَفَيْتَ ، وَ عَلَى
الْأَيِّمَةِ الطَّاهِرِينَ أَهْلِ الْبَيْتِ ، وَ لَا تُعِدْنِي فِي سُوءِ
إِسْتِقْدَاتِي مِنْهُ أَبَدًا ، وَ لَا تَسْلُبْنِي صَالِحَ مَا أُعْطَيْتَنِي أَبَدًا ،
اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ وَ الْمَجْدُ ، أَنْتَ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ
وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ ، اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْتَ الْحَقُّ وَ قَوْلُكَ

الْحَقُّ، وَالْجَنَّةُ حَقٌّ، وَالنَّارُ حَقٌّ، وَالسَّاعَةُ حَقٌّ، اللَّهُمَّ لَكَ
 أَسَلَمْتُ وَبِكَ آمَنْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْكَ خَاصَمْتُ
 وَحَاكَمْتُ، اللَّهُمَّ أَدْرِءْ عَنِّي شَرَّ كُلِّ ذِي شَرٍّ، وَأَصْرِفْ عَنِّي
 كُلَّ ضَرٍّ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّاهِرِينَ
 أَجْمَعِينَ، وَابْدَأْ بِهِمْ فِي كُلِّ خَيْرٍ، وَاخْتِمُ بِهِمُ الْخَيْرَ فِي كُلِّ
 خَيْرٍ، وَأَهْلِكَ عَدُوَّهُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، مِنْ الْأَوْلِيَاءِ
 وَالْآخِرِينَ، يَا أَقْدَرَ الْقَادِرِينَ.

دعای بعد از نماز وتر، در شب جمعه

و اگر بتوانی در قنوت وتر هم بخوان: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ
 بِفَضْلِ لَيْلَةِ الْجُمُعَةِ وَحُرْمَتِهَا وَشَرَفِهَا وَمَنْزِلَتِهَا، وَبِحَقِّ
 نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ، الدَّالِّ عَلَيْهَا،
 وَالدَّاعِي إِلَيْهَا، وَالْمَعْرُوفِ بِهَا، وَالْمُنْبَهِّ عَلَى وَاجِبِهَا، أَنْ
 تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّاهِرِينَ، خَيْرِ الْأَنْامِ،
 وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الْبَرَّةِ الْكِرَامِ، وَأَنْ تَجْعَلَنِي مِنَ الْقَوَّامِ
 الصُّوَّامِ، وَحُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ، وَزُؤَارِ قَبْرِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ
 عَلَيْهِ وَآلِهِ أَفْضَلِ التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ، وَقَاصِدِي الْمَشَاهِدِ
 الْعِظَامِ، اِكْفِنِي شَرَّ الْأَنْامِ، وَأَجْرِ أَمْرِي فِي الدِّينِ وَالْدُّنْيَا
 عَلَى أَحْسَنِ نِظَامٍ، اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا هَدَيْتَنِي إِلَيْهِ مِنْ

مَعْرِفَةٍ حَقٌّ هَذِهِ اللَّيْلَةَ الشَّرِيفَةَ وَ يَوْمِهَا ، وَ وَقَفْتَنِي لَهُ مِنْ
 ذِكْرِكَ فِيهَا ، اَللّٰهُمَّ فَاجْعَلْ دُعَائِي فِيهَا مُجَابًا ، وَ عَمَلِي
 مَقْبُولًا ، وَ ذِكْرِي لَكَ فِيهَا مَرْفُوعًا ، وَ لَا تَسْلُبْنِي مَا
 عَرَّفْتَنِي ، وَ اَدِمْ لِي مَا اَوْلَيْتَنِي ، وَ اَشْمِلْنِي بِالسَّعَادَةِ مَا
 اَبْقَيْتَنِي ، وَ اَرْحَمْنِي اِذَا تَوَفَّيْتَنِي ، اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ فِي هَذِهِ
 اللَّيْلَةِ الشَّرِيفَةِ ، مَغْفِرَةً مَا حَيَّةً لِلْمَعَاصِي ، تُؤْمِنُ اَلِيْمَ
 عِقَابِكَ ، وَ تُبَشِّرُ بِعَظِيْمِ ثَوَابِكَ ، اَللّٰهُمَّ اَشْرِكْ فِي صَالِحِ
 دُعَائِي وَالِدَيَّ وَ وُلْدِي وَ اِخْوَانِي فِيكَ وَ اَهْلِي ، وَ عُمَّنَا
 بِرَحْمَةٍ مِنْكَ جَامِعَةٍ ، اِنَّكَ ذُو الْقُدْرَةِ الْوَاسِعَةِ .



فصل نهم

﴿ نمازهای شبهای هفته ﴾

در بیان بعضی از نمازهای شبهای هفته

که در کتاب مذکور (جمال الأسبوع) از حضرت رسول ﷺ روایت شده است .

شب شنبه : هرکس چهار رکعت نماز بجا بیاورد ، که در هر رکعت بعد از حمد ، هفت مرتبه سوره « قُلْ هُوَ اللَّهُ » بخواند ، به عدد هر رکعتی ، هفتصد حسنه برایش ثبت شود ، و شهرهای چند در بهشت به او عطا شود .

شب یکشنبه : هرکس شش رکعت نماز بجا آورد ، در هر رکعتی بعد از حمد ، هفت مرتبه سوره « قُلْ هُوَ اللَّهُ » بخواند ، عطا شود به او مانند ثواب شاکرین و صابرین و أعمال متقین ، و ثواب عبادت چهل سال برایش نوشته شود ، و در همان ساعت گناهانش آمرزیده شود .

شب دوشنبه : هرکس دو رکعت نماز کند ، و در هر رکعتی بعد از حمد هفت دفعه سوره « قُلْ هُوَ اللَّهُ » بخواند ، و بعد از نماز هفت دفعه بگوید : « سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ » ثواب یک ختم قرآن به او عطا شود ، با ثوابهای بسیار ، آنچه خدا خواهد .

شب سه شنبه : هرکس دو رکعت نماز بجا آورد ، رکعت اول بعد از حمد ، یک دفعه سوره « إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ » و در دوّم بعد از

حمد هفت مرتبه « قُلْ هُوَ اللَّهُ » بخواند ، گناهایش آمرزیده شود ، و درجاتش بلند شود .

شب چهارشنبه : دو رکعت ، در هر رکعت بعد از حمد ، سه مرتبه « قُلْ هُوَ اللَّهُ » و یک مرتبه « آيَةُ الْكُرْسِيِّ » و یک دفعه « إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ » و یک دفعه « إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ » .

شب پنجشنبه : هر کس شش رکعت نماز بجا آورد ، که در هر رکعتی بعد از حمد یک دفعه « آيَةُ الْكُرْسِيِّ » ، و یک دفعه سوره « قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ » و سه دفعه سوره « قُلْ هُوَ اللَّهُ » را بخواند ، و بعد از سلام سه دفعه آیه الکرسی را بخواند ، اگر نامش در تومار اشقیاء ثبت شده باشد ، محو شود ، و در تومار سعداء نوشته شود (۱) .

تنبيه : تمام این نمازها را ، دو رکعت دو رکعت باید خواند ، هر دو رکعت به یک سلام .

نماز شب جمعه : دو رکعت ، در هر رکعت بعد از حمد ، هفتاد مرتبه سوره « قُلْ هُوَ اللَّهُ » را بخواند ، و بعد از سلام ، هفتاد مرتبه « أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ » بگویند ، ثواب این نماز بسیار است (۲) ، که ذکرش

۱ - تومار = طومار

۲ - از آن جمله آنکه ، اگر بجا آورنده این نماز ، شفاعت نماید برای جمیع امت حضرت پیغمبر ﷺ ، حق تعالی شفاعت او را در حق تمام آنها قبول

منافی با اختصار است ، نشسته هم می توان خواند ، مثل باقی نمازهای مستحبیه .

نماز دیگر در شب جمعه : دو رکعت ، هر رکعتی بعد از حمد ، یک دفعه « آيَةُ الْكُرْسِيِّ » و پانزده مرتبه « قُلْ هُوَ اللَّهُ » ، و بعد از نماز ، صد مرتبه صلوات بفرستد ، نمازهای دیگر هم هست حقیر در کتاب « أَبْوَابُ الْجَنَّاتِ فِي آدَابِ الْجُمُعَاتِ » جمع نموده ام .



فصل دهم

﴿ نمازهای روزهای هفته ﴾

در بیان بعضی از نمازهای روزهای هفته

که در کتاب مذکور (جمال الأسبوع) از آن حضرت (یعنی رسول اکرم) روایت شده است .

روز شنبه : هرکس پیش از ظهر ده رکعت نماز بجا آورد ، که در هر رکعتی بعد از حمد ، سه مرتبه سوره « قُلْ هُوَ اللَّهُ » بخواند ، حق تعالی ثواب آزاد کردن هزار بنده از اولاد اسماعیل ، و ثواب هزار شهید و هزار صدیق ، به او عطا فرماید .

روز یکشنبه : هرکس پیش از ظهر دو رکعت نماز کند ، در رکعت اولی بعد از حمد ، سه مرتبه سوره « إِنَّا أَعْطَيْنَا » ، و در رکعت دوّم بعد از حمد ، سه دفعه سوره « قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ » بخواند ، عطا شود به او برات بیزاری از آتش جهنّم ، و از نفاق و از عذاب ، و ثواب ده حج به او عطا بشود .

روز دوشنبه : هرکس وقت چاشت ^(۱) چهار رکعت نماز ، در هر رکعتی بعد از حمد ، سوره « قُلْ هُوَ اللَّهُ » و « قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ » و « قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ » هر یک را یک بار بخواند ، در بهشت چهارخانه به او عطاء شود انشاء الله تعالی .

روز سه شنبه : هرکس دو رکعت نماز کند ، در هر رکعت

۱ - چاشت = اول روز ، صبح ، بامداد (ح . ۱)

بعد از حمد سوره « وَالتِّينِ وَ الزَّيْتُونِ » و « قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ » و « قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ » و « قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ » هر یک را یک بار بخواند ، هشت در بهشت برایش گشوده شود ، ثوابهای دیگر هم دارد .

روز چهارشنبه : هرکس وقت بلند شدن روز ، دو رکعت نماز کند ، در هر رکعت بعد از حمد سوره « قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ » و « قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ » و « قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ » و « قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ » هر یک را یک دفعه بخواند ، هفتاد هزار ملک تا روز قیامت برایش استغفار کنند ، و قصری در بهشت به او عطاء شود به قدر شهر بزرگی از بلاد دنیا .

روز پنجشنبه : هرکس چهار رکعت نماز کند ، در هر رکعت هفت دفعه حمد و یک دفعه « إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ » بخواند و بعد از فراغ ، صد مرتبه بگوید : **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ** و صد مرتبه بگوید : **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ جِبْرِئِيلَ** . حق تعالی در بهشت هفتاد هزار قصر به او عطا فرماید ، و این نماز را در شب جمعه و روز جمعه و شب دوشنبه و روز دوشنبه و شب پنجشنبه هم می شود خواند ، و همین ثواب را دارد .

روز جمعه : هرکس چهار رکعت نماز کند ، که در هر رکعتی بعد از حمد پنجاه مرتبه سوره « قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ » را بخواند ، از

دنیا بیرون نرود تا جای خود را در بهشت نبیند .

مؤلف گوید : که این نماز مشهور است به نماز حضرت
 امیر علیه السلام ، و به طُرُق متعدّده روایت شده ، و در « کافی » از
 حضرت صادق علیه السلام روایت است که : هر کس این نماز را بجا
 آورد تمام گناهایش آمرزیده شود .

فصل یازدهم

﴿ نماز جعفر طیار ﴾

در بیان نمازی که حضرت رسول ﷺ

به جعفر طیار تعلیم فرمودند :

بدانکه این نماز، فضیلت و ثوابش بسیار است، و مسلم مابین عامّه و خاصّه است، و هر مؤمن یا مؤمنه که بجا آورد، حق تعالی تمام گناهان او را بیامرزد، هر چند کبیره باشد. و در همه وقت می شود بجا آورد، و بهتر اوقات آن روز جمعه، بعد از طلوع آفتاب است. و جایز است که شخص، نافله شب یا روز را به این کیفیت بجا آورد، امید است حق تعالی ثواب هر دو را به او عطا فرماید. و آن چهار رکعت است به دو سلام. در هر رکعت بعد از حمد و سوره، یانزده مرتبه بگویند: **سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ**، در رکوع بعد از ذکر رکوع، ده مرتبه همین تسبیحات را بگویند، و بعد از رکوع ده مرتبه، و در سجدتین بعد از ذکر سجود ده مرتبه، و بعد از سجده هائیز، ده مرتبه بگویند، که مجموع آنها در هر رکعتی هفتاد و پنج مرتبه می شود. و هرگاه در یکی از این حالات، فراموش کرد تسبیحات را، هر وقت یادش آمد، در همان حال بخواند، **قَرَبَةً إِلَى اللَّهِ تَعَالَى**، و اگر کار تعجیلی دارد، جایز است که اصل نماز را بی تسبیحات بخواند، و بعد از نماز تسبیحات را بخواند، اگر چه در حال راه رفتن باشد.

و در این نماز هر سوره ای بعد از حمد بخواند صحیح است، لکن بهتر این است که در رکعت اول سوره **« إِذَا زُلْزِلَتْ »** و در دوّم **« وَالْغَاقِيَاتُ »** و در سوّم **« إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ »** و در چهارم **« قُلْ هُوَ اللَّهُ »** را بخواند.

فصل دوازدهم

﴿ کیفیت سجدتین شکر ﴾

در فضیلت و کیفیت سجده تین شکر

بدانکه مستحب است بعد از بجا آوردن هر یک از نمازهای واجبه و مستحبّه ، بجا آوردن سجده تین شکر ، به جهت شکر آنکه حق تعالی توفیق آن عبادت را به بنده عنایت فرموده ، و فضیلت آن بسیار است ، از آن جمله : به سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که ، هر کس بجا آورد سجده شکر را ، در حالتی که با وضو باشد ، خدای تعالی ثواب ده نماز به او عطا فرماید ، و ده گناه بزرگش را بیامرزد ، و افضل این است که به این کیفیت بجا آورد که ، پیشانی را بر محلّ سجده بگذارد ، و ذکر بگوید ، بعد طرف راست روی خود را بر محلّ سجده بگذارد ، و ذکر بگوید ، بعد طرف چپ روی خود را بر محلّ سجده گذارد ، و ذکر بگوید ، دفعه دیگر پیشانی را بگذارد و ذکر بگوید ، و در تمام این حالات ساق دستها و سینه خود را بر زمین چسبانیده باشد .

و کمتر چیزی که گفته می شود در سجده شکر ، سه مرتبه « شُكْرًا لِلَّهِ » است ، و هر چه بیشتر بگوید بهتر است ، و صد مرتبه افضل است ، و دعاها و ذکرهای مرویّه به جهت سجده شکر بسیار است ، و از آن جمله است آنچه ذکر نمودیم در سجده بعد از تعقیب نماز وتر و از آن جمله است این که بگوید :

سَجَدَ وَجْهِي لِلَّهِمُ لِيُوجِهَ رَبِّي الْكَرِيمِ . دعای دیگر : اَللّهُمَّ

إِنِّي أَسْأَلُكَ الرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ ، وَ الْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسَابِ .
 دعای دیگر : قُبْحَ الذَّنْبِ مِنْ عَبْدِكَ ، فَلْيَحْسُنِ الْعَفْوَ مِنْ
 عِنْدِكَ . دعای دیگر : رَبِّ وَعَظَّمْتَنِي فَلَمْ أَتَّعِظْ ، وَ زَجَرْتَنِي
 عَنْ مَحَارِمِكَ فَلَمْ أَنْزَجِرْ ، وَ غَمَّرْتَنِي ^(۱) فِي أَيَادِيكَ فَمَا
 شَكَرْتُ ، عَفْوَكَ عَفْوَكَ يَا كَرِيمٌ .

و از حضرت صادق علیه السلام روایت است که : هر بنده‌ای در
 سجده اش بگوید : يَا رَبِّ يَا رَبِّ تا نفسش قطع شود ، خداوند عالم
 جلّ شأنه به او خطاب می فرماید : لَبِيك حَاجَتُ تُو چيست ؟
 و در « اُمالی صدوق » از آن حضرت روایت است که : هر کس
 در سجده سه مرتبه بگوید : يَا اللَّهُ يَا رَبَّاهُ يَا سَيِّدَاهُ حق تعالی به
 او خطاب می فرماید : لَبِيك ای بنده من ، بخواه حاجت خود را .
 و مستحب مؤکّد است طول دادن سجده شکر را ، هر قدر که
 بتواند . و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مروی است : که بهترین
 سخن ها نزد حق تعالی آن است که ، بنده در سجده سه مرتبه
 بگوید : اِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي .

و این دعا از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت شده :

۱ - غَمَّرْتَنِي در بعض نسخ و روایات به عین مهمله ذکر شده ، و در بعض نسخ
 به غین معجمه ، چنانچه در متن نوشته شد . و الله تعالی هو العالم .

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا، سَجَدْتُ لَكَ يَا رَبِّ تَعْبُدًا وَرِقًّا، وَ
 اِيْمَانًا وَتَصَدِيقًا، يَا عَظِيمُ، إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي،
 يَا كَرِيمُ يَا جَبَّارُ، اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَجُرْمِي، وَتَقَبَّلْ عَمَلِي، يَا
 كَرِيمُ يَا جَبَّارُ.

﴿ خاتمه ﴾

چون که حالت سجده بهترین حالات بنده، و نزدیکترین آنها
 است به رحمت حق تعالی، بسیار سزاوار است که، مؤمنین در آن
 حالت، دعای به وجود مبارک امام زمان علیه السلام، و مسئلت
 ظهورش را از خداوند عالمیان ترک نکنند.

چنانکه سزاوار است از جهات عدیده که أهل منبر، در مجامع
 روضه خوانی، بعد از ذکر مصیبت، اول و أهمّ دعاهاى خود،
 دُعای به امام زمان خود را قرار دهند، که از هر جهتى ولى نعمت
 ایشان، بلکه ولى نعمت تمام عالمیان است. بعضی از صالحین نقل
 نمودند که: در عالم رؤیا شرفیاب حضور مبارک شده، فرمودند:
 هرکس که روضه بخواند و بعد از روضه به من دعاء کند، من هم
 در حق او دعاء می‌کنم.



﴿ تتمیم ﴾

بدان که عمدهٔ شروط اجابت دعاء، علاوه بر معرفت خدا و رسول ﴿ ﷺ ﴾، چهار چیز است.

أوّل: معرفت به امام زمان ﴿ ﷺ ﴾.

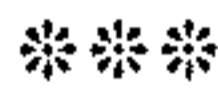
دوّم: تحصیل غذای حلال.

سوم: فراغت از مظالم عباد، و ردّ کردن حقوق آنها (۱).

چهارم: دل شکستگی و توجه تام به حق تعالی، و قطع امید از خلق نمودن. انشاء الله تعالی شأنه

امید است حق تعالی این عاصی و تمام مؤمنین را موفق فرماید.

تمام شد کتاب سراجُ القبور فی شهر شعبان ۱۳۳۳.



۱ - در « خصال » از حضرت امیر ﴿ ﷺ ﴾ مروی است که به حضرت عیسی خطاب شد که، بگو مادامی که مظلّمهٔ یکی از بندگان من به گردن شماها است، محال است دعای شما را مستجاب کنم.

قصیده غدیریّه ، در مدح حضرت

امیر المؤمنین علیه السلام

قد تاه عقلی و حار فی فضل یوم الغدیر

قد عجز الواصفون عن ذکر مدح الأمیر

عیدی چو صبح وصال ، فرخنده و دلپذیر

شاهی که مدّاح او ، گشت خدای قدیر

هلا هلا دوستان ، آمد عید غدیر

عیدی چو صبح وصال ، فرخنده و دلپذیر

ای برتر از عقل و وهم ، ترا مقام منیع

وی برتر از لامکان ، ترا مکان رفیع

در حضرت کردگار ، حُبّ تو باشد شفیع

امروز از قدسیان ، آید به گوش سمیع

هلا هلا دوستان ، آمد عید غدیر

عیدی چو صبح وصال ، فرخنده و دلپذیر

خیل ملک در سماء ، با زینتی بس عجیب

أندر جنان حوریان ، به هیئتی دلفریب

با نغمه دلنواز ، در بوستان عندلیب

و آندر زمین شیعیان ، گویند با فرّ و زیب

هلا هلا دوستان ، آمد عید غدیر

عیدی چو صبح وصال ، فرخنده و دلپذیر

امروز ابواب فیض ، به سوی ما باز شد
به منصب سروری ، علی سر آفران شد
کزوبیان را به عرش ، این سخن آغاز شد
عشق و خرد با زبان ، هر یک هم آواز شد
هلا هلا دوستان ، آمد عید غدیر
عیدی چو صبح وصال ، فرخنده و دلپذیر
امروز شد بهر خلق ، نور خدا آشکار
حق را واضح نمود ، پیغمبر تاجدار
گفتا به خُمّ غدیر ، که ای صغار و کبار
به پادشاهی ز حق ، علی شده برقرار
هلا هلا دوستان ، آمد عید غدیر
عیدی چو صبح وصال ، فرخنده و دلپذیر
دوستِ او را بُوَد ، جای به خلد نعیم
دشمن او تا ابد ، هست به دوزخ مقیم
یساور او را بُوَد ، یار خدای کریم
هر که از او روی تافت ، گشت چو شیطان ، رجیم
هلا هلا دوستان ، آمد عید غدیر
عیدی چو صبح وصال ، فرخنده و دلپذیر
گویم به حکم خدای ، من به شما این سخن
طاعت او واجب است ، بر همهٔ مرد و زن
هر که محبّ علی است ، هست هوا خواه من
زین مُژده شادی کنند ، جمله به سِرّ و علن
هلا هلا دوستان ، آمد عید غدیر
عیدی چو صبح وصال ، فرخنده و دلپذیر

فرمود چون این سخن ، با جُمْلَه شیخ و شاب
کردند یکسر همه ، در حضرتش این خطاب
گفتند از روی شوق ، با شاه ختمی مآب
ما جُمْلَه فرمان بریم ، در حضرت بُوتراب
هلا هلا دوستان ، آمد عید غدیر
عیدی چو صبح وصال ، فرخنده و دلپذیر
آنکس که اوّل نمود ، بینت با شاه دین
گفتا که بخ بخ به تو ، ای سرور مؤمنین
آن بود کاوّل شکست ، عهد موَدّت ز کین
بر او لعنت کنند ، اهل سما و زمین
هلا هلا دوستان ، آمد عید غدیر
عیدی چو صبح وصال ، فرخنده و دلپذیر
آن کوز آغاز کار ، خشتِ ستم را نهاد
بر عترت مصطفی ، دست تعدّی گشاد
هر چه ستم شد به خلق ، ز اهل جور و فساد
به گردن او نهند ، جُرمش به روز تَناد
هلا هلا دوستان ، آمد عید غدیر
عیدی چو صبح وصال ، فرخنده و دلپذیر
ای ملجأ مؤمنان ، ای چاره بی کسان
پر شد ز جور و ستم ، سرتاسر این جهان
ظاهر شو از بهر عدل ، ای غایب از مردمان
تا با زبان فصیح ، گوئیم شادی کنان
هلا هلا دوستان ، آمد عید غدیر
عیدی چو صبح وصال ، فرخنده و دلپذیر

قصیده به جهت نیمه شعبان ، در مولود

امام زمان (عجل الله فرجه)

هلال ماه شعبان تا که گردید از افق پیدا

جهان پیر شد از شوق وصل روی او برنا

شهی کز روی او شد آیتی جنّات و ما فیها

که بُردندش ملایک در مقام قرب او اذنی

امام مهدی هادی ، ولیّ خالق یکتا

دلا اکنون زمان عشرت و آیام شادی شد

که روز مولد شاهنشاه مهدی هادی شد

شهی کز پرتو نورش همه خَلق آیادی شد

جمال انورش پنهان چو از ظلم اعدای شد

شب و روز من افسرده از هجرش مساوی شد

بیا در ده ز صهبای محبّت جرعه‌ای ساقی

که سرمست از هوای او شوم در عین مشتاقی

نباشد درد ما را غیر وصل دوست تریاقی

از آن می گو دهد ما را حیوتی بی غش و باقی

أدر کأساً و ناولها ألاً یا أیُّها السّاقی

بشارت باد یاران را ، که نصف ماه شعبان شد
 جهان از مولد شاهنشاه دین رَشکِ رضوان شد
 چو نور طلعت او بر بسیط خاک تابان شد
 زمین بر آسمان و عرش و کرسی جمله نازان شد
 که اندر او چنین نوری ز صنع حق فروزان شد
 شهنشاهی که عدل حق شود از ذات او ظاهر
 سَمّی اَحمَد مرسل ، امام حامد حاشر
 نباشد غیر حُبِّ او مرا در اوّل و آخر
 شفیعِ روز رستاخیز نزد خالق قادر
 ندارد بهره از ایمان کسی کو شد به او کافر
 شهی کز یمن او بر پا زمین و آسمان باشد
 که دریاها فیض از فیض جود او روان باشد
 سر و جان در جناب او ، محقّر ارمغان باشد
 روا نبود که از اَعمال زشت ما نماند
 به خود باز آ که وقت گریه و آه و فغان باشد
 مه ثانی عشر ، فرمانده کون و مکان یکسر
 که مدحش کرد اندر وحی مُنزل ، خالق داور
 گهی غیبش به نام آورده و گاهِ دگر مضطر
 از آن روزی که عشق او مرا افتاده اندر سر
 روا باشد نمایم فخر بر کلّ شهان یکسر

وصیّ عسکری ، شاهنشہ دین ، حجت قائم
 که دارد انتظار حضرتش خیل ملک دائم
 شه فرخنده ناصح ، امام محسنِ مُنعم
 که أنوار امامت را شد از جاه و شرف خاتم
 بود ممکن ولی ممکن به ذات او بود قائم
 شهنشاه دو عالم حامی دین ، ماحی عدوان
 که باشد نعت ذات او برون از حیز امکان
 اگر خواهی نجات ای دل ، مدارش دست از دامن
 که بی حُبّش نباشد هیچکس را بهره از ایمان
 تبارک بر چنین جاه و جلال و رفعت و این شان

﴿ ضمیمه ﴾

سرودهای ارزشمند از آیه الله فقیه احمد آبادی ﴿ قَدِيسٌ ﴾

در موعظه و ذکر مصیبت

امّتان مصطفی دست است و بار

شیعیان مرتضی دست است و بار

بار بر بندید ، وقت رفتن است

از پی این زندگانی مردن است

الرّحیل ای کاروانان ، الرّحیل

ره خطرناک است و می باید دلیل

تشنگی ها دارد ای غمدیدگان

آب بر دارید ز آشک دیدگان

چون فراوان است در آن مار و مور

همره ما هست تریاقی ضرور

جاده تاریک و منزلهای دور

کی کنی بی روشنی ز آنها عبور

بهر این راه خطرناک مخوف

توشه باید بُرد ای صاحب وقوف

فرصت از دستت برون شد ای عمو

توشه راه خطرناک تو کو

آن دلیل زه امیر المؤمنین
 سرور و سر حلقه اهل یقین
 عمر او شد صرف طاعت سر بسر
 باز در دل داشت خوف این سفر
 از کمی توشه در اندیشه بود
 ز اضطراب و خوف و دهشت کی غنود
 گریه‌ها می‌کرد در شبهای تار
 بود از خوف خدا جسمش نزار (۱)
 در دل شب ناله‌های زار کرد
 رهروان خفته را بیدار کرد
 ای فرو مانده به قید ابتلا
 ساعتی آخر به حال خود بیا
 آخر ای غافل دمی بیدار شو
 تا به کی مستی ، دمی هشیار شو
 آخر ای عاقل ، زمانی هوش دار
 بر کلام پیر این ره ، گوش دار
 گفت هر شب با رفیقان الرّحیل
 چون خطرناک است راه و بس طویل
 مرکبی می‌خواهد ای افتادگان
 توشه باید برد ای آزادگان

تـوشه بـردارید بـهر این سـفر
 کـه بـود عـمر شـما اُنـدر گـذر
 تـوشه ایـن رـاه بـاشد بـندگی
 تـو چـه داری گـو ، بـه جـز شـرمندگی
 چـهره و دـل هـر دـو از عـصیان سـیاه
 قـامت خـم گـشته از بـار گـناه
 بـا چـنین حـالت در ایـن رـه چـون رـوی
 جـز کـه پـندی از مـن اَکـنـون بـشـنوی
 دـست زـن بـر دـامن حـبل اَلمـتین
 عـرـوة اَـلـوـثـقـی اَـمـیر اَـلـمـؤـمـنـین
 حَبِّ حـیدر گـر تـو را در دـل بُـود
 از بـرایت سـهل هـر مـشکل بُـود
 زان سـپس ای مـانده در بـحر بـلا
 گـریه کـن بـهر شـهید کـربلا
 آن اـمام رـهنما نـور دـو عـین
 آن قـتیل اَشـقیـا یـعـنی حـسین
 آه از آن سـاعت کـه بـا حـال فـکار
 در مـیان آـورد طـفل شـسیر خـوار
 گـفت یـا لَـلـهُ وَ اَـلْخَطـبِ اَـلْفَظـیع
 هَلْ اَنا اَلمـذنب اُم هـذا اَـلرَّضـیع
 جـرعه اَـبـی بـدین طـفل صـغیر
 کـه نـدارد تـاب و نه آب و نه شـیر

ناگه از آن قوم بی‌رحم عنود
 کافری سویش کمان کین گشود
 از کمانش تا رهاگردید تیر
 کرد جا در حلق آن طفل صغیر
 گفتی او را از خدنگ آن عدو
 آب و آتش هر دو شد اندر گلو
 خون چو از حلقوم او فواره زد
 آتش اندر ماسوی یکباره زد
 آن چنان فواره زد آن خون پاک
 که نیامد قطره‌ای از او به خاک
 بود چون فواره او دست شاه
 سوی بالا رفت تا عرش اله
 همچنان در مخزن غیب خدا
 مانده او باقی تا روز جزا
 تا برای عاصیان دریا شود
 آتش عاصیان به او اطفاف شود
 ای « تقی » بس کن که دل را تاب نیست
 طساق و آرام در احباب نیست

﴿ فهرست مطالب ﴾

- پیش گفتار و شرح حال مؤلف از : حجة الإسلام و المسلمین ،
 حاج آقا محمد فقیه أحمد آبادی ۷
- اجمالی از صفات و حالات و فضائل مؤلف ۱۰
- کوشش و جدیت مؤلف ۱۳
- عنايتهای مخصوص الہی نسبت به مؤلف ۱۵
- مؤلف بزرگوار از دید صاحب نظران ۱۷
- آساتید مؤلف ۱۸
- آدب و شعر مؤلف ۱۹
- آثار قلمی و تألیفات ۲۱
- تقریظ بر کتاب از : آية الله آقا سيّد أبو القاسم دهکردی .. ۲۳
- کتاب نور الأبصار فی فضيلة الانتظار ۲۵
- پیش گفتار مؤلف : انگیزه تألیف ۲۷
- مقدمه : نیت انتظار ۲۸
- مقصد اوّل کتاب : ثواب و فضیلت انتظار ۲۹
- مقصد دوّم کتاب : واجب بودن انتظار ۴۱
- مقصد سوّم کتاب : معنی و درجات انتظار ۴۷
- خاتمه کتاب : علامات و آثار و درجه کامله انتظار ۵۳

- کنز الغنائم فی فوائد الدّعاء للقائم علیه السلام ۵۷
- پیش گفتار مؤلف: انگیزه تألیف ۵۹
- خلاصه‌ای از مطالب کتاب ۶۰
- مقدمه: مفهوم تعجیل در فرج حضرت مهدی علیه السلام ... ۶۲
- اشاره به بعضی از علامات امام علیه السلام ۶۳
- مطلب اوّل: أداء حقّ مؤمن و أداء حقّ امام زمان علیه السلام ۶۷
- مطلب دوّم: تحقیق در امر دعاء به امام زمان علیه السلام ... ۷۰
- مطلب سوّم: اهتمام ائمّه (ع) در دعاء به امام زمان ۷۲
- مطلب چهارم: سرّ اهتمام ائمّه در دعاء به امام زمان ۷۶
- مطلب پنجم: فوائد دنیویّه دعای به امام زمان علیه السلام .. ۷۸
- مطلب ششم: فوائد اخرویّه دعای به امام زمان علیه السلام . ۸۷
- شرائط رسیدن به تمامی فائده‌های یاد شده ۹۶
- مطلب هفتم: اوقات دعای به حضرت مهدی علیه السلام .. ۱۰۳
- مطلب هشتم: مداومت و اهتمام در دعای به امام زمان علیه السلام و دعا‌های وارده از ائمّه علیهم السلام ۱۰۷
- خاتمه: کیفیت زیارت امام زمان (زیارت آل یاسین) . ۱۲۱
- چند رباعی از مؤلف در باره امام زمان علیه السلام ۱۲۶
- کتاب سراج القبور ۱۲۹
- پیش گفتار مؤلف ۱۳۱

- مقدمه : فضیلت نماز شب و بیداری وقت سحر ۱۳۳
- فصل اوّل : آداب وقت خوابیدن ۱۴۱
- فصل دوّم : آداب وقت بیدار شدن ۱۴۵
- فصل سوّم : وقت نماز نافله شب ۱۴۹
- فصل چهارم : کیفیت نماز نافله شب ۱۵۲
- فصل پنجم : چند مسئله فقهی در باب نماز شب ۱۵۸
- فصل ششم : تعقیبات نماز شب ۱۶۱
- فصل هفتم : نافله نماز صبح و وقت آن ۱۶۹
- فصل هشتم : تعقیبات نماز شب در شب جمعه ۱۷۲
- فصل نهم : نمازهای شب های هفته ۱۷۷
- فصل دهم : نمازهای روزهای هفته ۱۸۱
- فصل یازدهم : نماز جعفر طیار ۱۸۵
- فصل دوازدهم : فضیلت و کیفیت سجده شکر ۱۸۷
- خاتمه : اهمیت دعای به امام زمان در حالت سجده ... ۱۹۰
- تتمیم : شروط اجابت دعا ۱۹۱
- قصیده غدیریّه در مدح حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام .. ۱۹۲
- قصیده‌ای جهت نیمه شعبان در مولود امام زمان علیه السلام * ۱۹۵
- ضمیمه : سروده‌ای از مؤلف ، در موعظه و ذکر مصیبت . ۱۹۸
- فهرست مطالب ۲۰۲